





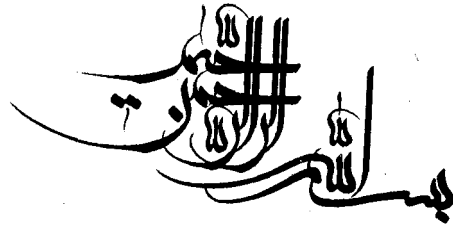
انستاراب اميرکيو



60000706

قیمت : ۱۰۰۰۰

111
2019



سالنامه نگاری در ایران





سالنامه نگاری در ایران

سیدفرید قاسمی



شرکت سهامی کتابهای جیبی

تهران، ۱۳۸۶



تهران، خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال،

صندوق پستی ۴۱۹۱-۱۱۳۶۵

مؤسسه انتشارات امیرکبیر

عنوان کتاب: سالنامه نگاری در ایران

تألیف: سیدفرید قاسمی

ناظر طرح: اکبر نبوی

نوبت چاپ: اول (۱۳۸۶)

طراح جلد: الهه بهرامزاده

حروف متن: نازنین ۱۱ روی ۱۴

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: چاپخانه سپهر، تهران:

خیابان ابن سینا (بهارستان)، شماره ۱۰۰

شمارگان: ۳۰۰۰

کاغذ تحریر سفید ۷۰ گرمی

بها: ۱۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ، هرگونه نسخه برداری اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی یا جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آن‌ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است

قاسمی، سید فرید، ۱۳۴۳ -

سالنامه نگاری در ایران / گردآورنده: سیدفرید قاسمی. - تهران: امیرکبیر، کتابهای جیبی،

۱۳۸۶.

۱۲۵ ص.

ISBN: 978-964-303-079-7

امیرکبیر، کتابهای جیبی

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا. (فهرست نویسی پیش از انتشار).

۱. سالنامه های ایرانی. الف. امیرکبیر، کتابهای جیبی. ب. عنوان.

۳۹۵.

س ۲/ق ۱۱۸۵/۸۷

۱۰۶۶۴۲۸

کتابخانه ملی ایران

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۱.....	تعریف
۱۳.....	هدف
۱۵.....	انواع سالنامه
۱۷.....	سایر ویژگی‌ها
۱۸.....	پیشینه
۱۸.....	۱۲۹۰ ق. تا ۱۳۰۰ ش
۳۹.....	۱۳۰۱ تا ۱۳۲۰ ش
۵۵.....	۱۳۲۱ تا ۱۳۵۷ ش
۷۵.....	۱۳۵۸ تا ۱۳۸۶ ش
۹۷.....	نامنامه شماری دیگر
۱۰۳.....	نکته‌ها
۱۰۵.....	پی‌نوشت‌ها
۱۱۱.....	نمایه

مقدمه

سالنامه‌نگاری در ایران پیشینه دیرینه‌ای دارد. «وقایع‌نگاری‌های سالیانه» و دیگر برجای‌مانده‌ها نشان می‌دهد که نگارش سالنامه قبل از ورود کاغذ و چاپ در ایران معمول بوده است. به عنوان مثال کتزیاس پزشک نامی در پرسیکا (اثر یونانی) از سالنامه‌های رسمی ایرانیان به عنوان یکی از منابع خود یاد کرده است. اما سالنامه در ایران، به مفهوم امروزی، پس از ورود صنعت چاپ و ۳۷ سال پس از انتشار نخستین نشریه ادواری چاپی ایران متولد شد. سالنامه‌نگاری در ایران تا سال ۱۳۸۶، ۱۳۶ سال خورشیدی پیشینه دارد و در این گستره زمانی بیش از ۵۰۰ عنوان سالنامه انتشار یافته‌اند.

در سرآغاز تدوین کتابشناسی ملی ایران گهگاه نیم‌نگاهی به سالنامه‌ها وجود داشت. اما پس از چندی با توجه به اینکه سالنامه در زمره «ادواری» هاست، فهرست‌نگاری سالنامه‌ها از گردونه خارج شد. از سوی دیگر، چون سالنامه، روزنامه و مجله هم محسوب نمی‌شود،

به‌طور طبیعی در «راهنمای روزنامه‌ها» و «راهنمای مجله‌ها» نیز جای ندارد. بر همین بنیاد، هیچ‌گاه سیاهه‌ای از سالنامه‌ها فراهم نیامد و مرجعی در این زمینه در کشور که بتواند یاری‌رسان پژوهشگران، روزنامه‌نگاران و علاقه‌مندان باشد، وجود نداشت. کتاب حاضر - به عنوان نخستین کتاب مستقل - به دنبال مقاله‌هایی که نگارنده این سطور در دو دهه اخیر در مطبوعات و نیز «دایرةالمعارف»ها نوشته، در پاسخ به این ضرورت است. بدان امید که مورد استفاده قرار گیرد.

سیدفرید قاسمی

بهار ۱۳۸۶

تعریف

سالنامه یا کتاب سال (Year Book) همچنان که از معنای لغوی آن برمی آید یعنی کتابی که در آن خلاصه اخبار و آمار یک ساله را بنویسند و یا نشریه‌ای که رویدادهای یک سال را دوباره مرور کند. واژه Year Book از سال ۱۵۸۸ م. / ۹۹۷ ق. ساخته شده است. این واژه در زبان انگلیسی برای سه معنای - به نسبت - متفاوت به کار می‌رود:

۱. «کتاب یا مجموعه گزارش‌های مربوط به مواد یا رویه‌های حقوق قضایی در انگلستان که طی چند دوره فاصله حکومت ادوارد دوم (۱۲۸۴ تا ۱۳۲۷ م. / ۶۸۳ تا ۷۲۸ ق.) تا سلطنت هانری هشتم (۱۴۹۱ تا ۱۵۴۷ م. / ۸۹۷ تا ۹۵۶ ق.) هر ساله تدوین می‌شد»؛
۲. «کتابی که در هر سال یک بار منتشر می‌شود و حاوی اطلاعات و اخبار یک سال در یک جامعه یا یک گروه مذهبی است. در این معنی مترادف با سالنامه به کار می‌رود»؛
۳. «کتابی حاوی اطلاعات گوناگون درباره روزها و فصل‌های سال». فرهنگ نفیسی، لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین سالنامه را

این‌گونه تعریف کرده‌اند: «کتابی که در آن وقایع سال را می‌نویسند». اصطلاحنامه کتابداری، عقیده کتابداران را درباره سالنامه چنین آورده است: «کتابی شامل اطلاعات جاری به صورت توصیفی یا آماری که سالانه منتشر می‌شود و ممکن است گاهی محدود به رشته خاصی باشد» و یا «پایندی سالیانه حاوی شرح وقایع سال، فعالیت‌های یک سازمان و یا پیشرفت مربوط به یک موضوع خاص». بنابر فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری فارسی، روزنامه‌نگاران «سالنامه را کتاب قطوری گویند حاوی وقایع سال گذشته، تقویم سال جاری و چند مطلب مختلف و معمولاً سرگرم‌کننده برای خریدار که یک بار در سال چاپ شود».

فرهنگ روزنامه‌نگاری ذیل سالنامه سه تعریف از این نشریه به این شرح ارائه داده است:

۱. «در روزنامه‌نگاری، نشریه ادواری که هر سال یک بار منتشر می‌شود»؛

۲. «نوعی کتاب یا نشریه ادواری مرجع، که هر سال یک بار منتشر می‌شود، و اطلاعات مربوط به موضوع یا موضوعات معینی را که در سال نشر آن یافته شده است مرور می‌کند»؛

۳. «نوعی کتاب که هر سال به عنوان مکمل و پیوست یک متن مرجع - معمولاً دانشنامه - منتشر می‌شود تا به عنوان روزآمد کننده متن مرجع به کار رود».

هدف

تحولی که در شئون گوناگون زندگی بشر همواره در جریان است نمی‌تواند در دایرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها، که تدوین آن‌ها نیاز به زمانی طولانی دارد، منعکس شود. بنابراین نیاز به منابعی است که کشف‌های تازه و وقایع جاری را دربرداشته باشند؛ این منابع سالنامه‌ها هستند.

برجسته‌ترین ویژگی سالنامه‌ها نسبت به دایرةالمعارف‌ها تازگی مطالب آن‌هاست، زیرا هر سال منتشر می‌شوند و حاوی مطالب جاری هستند. سالنامه‌های مربوط به سال‌های قبل (واپس‌نگر) را نیز می‌توان برای به دست آوردن اطلاعات درباره وقایع گذشته مورد مراجعه و استفاده قرار داد.

هدف از انتشار سالنامه افزایش سطح دانش و آگاهی خوانندگان به آنچه در پیرامونشان می‌گذرد، براساس آخرین آمار و اطلاعات است. ازاین‌رو باید با بهره‌گیری از معتبرترین و تازه‌ترین منابع، مطالب روزآمد ارائه دهد؛ رویدادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و

پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی سال، حوادث عمده سال پیشین به‌صورت روزشمار وقایع، مقاله‌ها و تفسیرهای گوناگون درباره مسائل داخلی و خارجی، اطلاعات عمومی و دانستنی‌های مفید و ضروری، اطلاعات آماری غنی، اخبار مصور سال، معرفی گنجینه‌های علمی، ادبی و هنری، زندگینامه مشاهیری که در قید حیات هستند و درگذشتگان سال، و در نهایت مجموعه کاملی از دانش روز حاوی اخبار و گزارش‌ها، مقاله‌ها و تفسیرهای معتبر و مستند، تا بدین ترتیب منبع مراجعه و راهنمای قابل اطمینانی در تمام سال باشد.

انواع سالنامه

سالنامه‌ها انواع گوناگون دارند: عمومی، تخصصی، آماری، تبلیغاتی، اطلاع‌رسانی و جز این‌ها. برخی از سالنامه‌ها نیز توصیفی و یا چندمنظوره هستند و بعضی ممکن است اطلاعات را به گونه‌ای فشرده و به شکل جدول‌ها و نمودارهای اطلاعاتی و یا در قالب عدد و رقم منعکس کنند که به آن‌ها سالنامه‌های آماری گفته می‌شود. برخی از سالنامه‌های آماری به لحاظ ضرورت دستیابی سریع‌تر به اطلاعات آماری در فاصله‌های کوتاه‌تر از یک سال، با نام «آمارنامه» به شکل ادواری و گاه به صورت تک‌نگاری توزیع می‌شوند و درمجموع آمارنامه‌های یک سال را سالنامه آماری می‌نامند. سالنامه‌های تبلیغاتی دسته دیگری از سالنامه هستند که غالباً از سوی شرکت‌ها و مؤسسه‌ها و کانون‌های تبلیغاتی منتشر می‌شوند و حاوی آگهی‌های بازرگانی و نام و نشانی مؤسسه‌های اقتصادی، اجتماعی و... هستند. گستره موضوعی بعضی از سالنامه‌ها نیز ممکن است عام یا به یک موضوع خاص محدود باشد. سالنامه‌های تخصصی - موضوعی -

دربردارنده اطلاعات مربوط به رشته‌ای خاص از دانش و فعالیت انسانی هستند. اما سالنامه‌های عمومی، موضوع عام دارند و بیشترینشان در برخی از کشورها به‌عنوان پیوست دایرةالمعارف‌ها منتشر می‌شوند و محتوای اطلاعاتی آن‌ها مشابه مطالبی است که در دایرةالمعارف‌های عمومی می‌آید. سالنامه‌ها از حیث گستره جغرافیایی به انواع جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی تقسیم می‌شوند. برخی سالنما را سالنامه می‌نامند، در صورتی که سالنما مترادف تقویم است. سالنامه گذشته پژوه و سالنما آینده‌نگر است. سالنامه مرور رویدادهای پیشین است، اما سالنما تقویم جاری را دربردارد. سالنما می‌تواند جزئی از سالنامه باشد.

سایر ویژگی‌ها

سالنامه‌ها به‌عنوان «شبه دایرةالمعارف» و یکی از منابع مرجع باید افزون بر آنچه گفته آمد دربردارنده ویژگی‌های ذیل نیز باشند:

۱. انتشار منظم و دقت در نوبت انتشار؛
۲. طبقه‌بندی موضوع‌ها براساس فصل‌بندی و با عنوان‌های موضوعی کلی و اخص؛
۳. شیوة تنظیم اخبار و رویدادها برحسب تاریخ وقوع؛
۴. فهرست؛
۵. ارجاع‌های جامع و کافی؛
۶. نمایه؛

به ۶ نکته یادشده باید افزود که مهم‌ترین ویژگی سالنامه‌نگاران و گردانندگان سالنامه، ذهنیت و دانش سالنامه‌نگارانه است.

پیشینه

۱۲۹۰ ق. تا ۱۳۰۰ ش. نخستین سالنامه چاپی در ایران در سال ۱۲۹۰ ق. ۱۲۵۱/ش. ۱۸۷۳ م. به دستور مشیرالدوله (میرزا حسین قزوینی ملقب به سپهسالار) صدر اعظم وقت و به مدیریت محمدحسن صنیع‌الدوله (که بعدها اعتمادالسلطنه لقب گرفت) رئیس اداره روزنامه‌جات، دارالطباعة و دارالترجمة دولتی و مترجم ناصرالدین شاه منتشر شده است. محمدحسن در روزنامه ایران زیر عنوان «اعلان» نوشته است: «چون در دول عظیمه اروپا [اروپا] همه‌ساله محض اطلاع و آگاهی عموم و اهالی مملکت و اشاعه مختصری از فن جغرافیا آلمانک یعنی سالنامه مشتمل بر اسامی سلاطین عصر و معارف طبقات نوکر و اعیان و اهالی مملکت و ادارات دولتی و ممالک روی زمین و خصایص هر بلد و بیان وضع هر ایالت و مختصر نقشه‌ای از مملکت و ذکر سنوات و تواریخ مختلفه و شهرور و فصول و ایام که حاصل تقاویم متداوله این مملکت است که به طبع رسانیده به‌وسیله بیع منتشر می‌سازند به جهت سنه [...] هزار و دویست و نود هجری

برحسب اراده علیه همایونی جناب مستطاب اجل ارفع اکرم صدراعظم به این بنده روزنامه‌نگار مقرر فرمودند که سالنامه‌ای بدین تفصیل به طبع درآورده، منتشر سازد. این سالنامه جامع جمیع اسامی مذکوره و خصایص و فواید مشروحه و مستغنی از تقاویم معموله است. بعد از ملاحظه فواید حسنه آن بر همه کس نیک معلوم و مفهوم گشته خواهند دانست که به جهت اطلاع از اوضاع اقطار عالم و تحدید هر مکان و تعیین و تشخیص هر زمان وسیله‌ای بهتر از این نیست انشاءالله تعالی تا اول محرم سمت اتمام خواهد یافت.^۱

چندی پس از این «اعلان» ذیل «اعلان دارالطبایع خاصه» در همین روزنامه می‌خوانیم: «منظور نظر مبارک [ناصرالدین‌شاه] پیوسته ترقی دولت و تربیت ملت ایران است و بدین واسطه همواره در تدارک اسباب ترقیات دولتی و تمهید اوضاع توفیرات ملکیه برآمده‌اند از جمله وضع المانک یعنی سالنامه‌ای که معمول و به دول متحابه می‌باشد تاکنون در ایران غیرمعمول بود. و در اواخر سال [...] رای مبارک ملوکانه به تصدیق و امضای جناب مستطاب اشرف امجد صدراعظم بر اجرای این نسخه قرار یافته امر و مقرر فرمودند که این بنده روزنامه‌نگار به تألیف و ترسیم آن قیام و اقدام نماید لهذا برخی از اوقات صرف جمیع فقرات و ترتیب لوازم آن نموده [...] این نسخه بدیعه و رساله شریفه را به تمام رسانیده و از آنجا که فواید آن تاکنون از انظار بسیاری از اهالی صفحات ایران مخفی و غیرمعلوم است لهذا شمه‌ای از فقرات مسطور در آن و فواید متصوره بر آن در این روزنامه بر سبیل فهرست مسطور و اعلان می‌گردد اولاً این نسخه مشتمل است بر تفصیل تقویم سالیانه از ابتداء هذالسنه تا انتهای آن با تطبیق سنوات هجریه و مسیحیه. ثانیاً تاریخ ابتدای خلقت آدم صفی علیه السلام مشتمل بر واقعات عظیمیه و اختراعات عمده. [...]»

ثالثاً اسامی سلاطین [...] قاجاریه مشتمل بر سینه ولادت و سنین سلطنت و مدت زندگانی و مدفن هر یک از ایشان. رابعاً این نسخه مبارکه که برای ناظرین افاده می‌نماید از انساب و احساب و حالات [ناصرالدین‌شاه و تولد وی] و تفصیل اراده سلطنت عظمی مشتمل بر اسامی شاهنشاه‌زادگان [...] و اعمام [...] و اخوان [...] و سایر شاهزادگان [...] و چاکران مخصوصه خلوت‌سرای همایونی و نیز اسامی اجزاء ادارات متعلقه به دربار اعظم از اداره جلیله صدارت عظمی و سایر وزارت درباری و استعداد عسکریه دولت علیه ایران و عده نفوس دارالخلافه و همچنین اسامی علما و ولات و حکام نواب و عمال و عده نفوس هر یک از ولایات محروسه ایران. [...] خامساً ذکر اسامی سلاطین ممالک روی زمین و تشخیص و تعیین میلاد و اسامی و عدد ولیعهد و اولاد و بلاد پایتخت و مذهب هر یک از پادشاهان و سطح ممالک هر یک از دول و عده نفوس و مذهب [...] مابین عامه هر یک از ممالک و دخل و خرج سالیانه و استعداد عسکریه و قروض کشوری و استعداد بحریه و شماره سفاین و تفصیل معادن و محصولات نباتیه و فواکه و دواب و طیر و وحش و نحل و صید و ماهیان مختلفه هر یک از براری و بحار ممالک روی زمین و مصنوعات مخصوصه و منسوجات متداوله و تجارتات شایعه و مسکوکات رایجه هر یک از دول خارجه. سادساً مشتمل است این نسخه بر نقشه روی زمین عموماً و نقشه ایران خصوصاً و بالجمله دارنده این نسخه شریفه از جغرافی ساهره ارض بالطول و العرض بر سیبل اجمال وجوه است مستغنی خواهد بود و در هر مقام حوائج خود را به مطالعات این رساله حواله خواهد نمود و با استفاده از آن فایده‌ی کلی تحصیل می‌نماید و این نسخه در دارالطباعة خاصه حسب الامر به سمت انطباع و صورت اختتام یافته به تقسیم

می‌رسد».^۲

اعتمادالسلطنه همچنین دربارهٔ «ایجاد سالنامه» در *المآثر والآثار* نوشته است که: «این دفتر که اروپاییان آن را الماناک می‌گویند سال‌هاست در دول متمدنه عالم رسم و دایر گردیده و در الماناک‌های فرهنگ هیئت درباره هر ملک و رؤسای دوایر هر دولت و شماره نفوس هر اقلیم و استعدادات حربیه هر حکومت و جمیع حوادث عمده و انکشافات جدیده نسبت به آن سال مخصوص مصرح و منصوص است و نیز بر فواید دیگر اشمال دارد که به احصاء و استقصاء در نمی‌آید.

این گونه رساله که مرآت احوال یک‌ساله است در ایران و هیئت درباره آن تألیف نمی‌گردید تا سال یک هزار و دویست و نود [...] بنده مؤلف به ترتیب و ترکیب آن مأمور گردید و الماناک‌ی بس نفز و نیک تلفیق داده مطبوع و منتشر ساخت مشتمل بر هیئت دربار دولت علیه ایران و سایر ملحقات و منضمات آن و رئوس عناوین سایر دول دنیا به علاوه فواید عظیمه دیگر از قبیل تطبیق سنین تاریخ هجری و میلادی از بدایت هجرت که مطابق است با سال ششصد و بیست و دوم مسیحی تا سنه یک‌هزار و سیصد هجریه که مطابق است با سال یک‌هزار و هشتصد و هشتاد و دو مسیحی، و توفیق سال ایجاد الماناک مزبور که سنه یک‌هزار و دویست و نود و یک هجریه بوده باشد با سال بعضی از تواریخ مشهور عالم مثل تاریخ میلاد و تاریخ نخستین اولمپیاد و تاریخ خلقت آدم و تاریخ بخت‌النصر و تاریخ بناء رمه و تاریخ یهود و غیرها، و ضبط تواریخ وقایع عظیمه عالم مانند خلقت آدم (ع) و طوفان نوح و ملک بنی‌عاشور و ولادت ابراهیم (ع) و ابتدا سلطنت‌های طبقات دنیا قدیماً و حدیثاً و قیات عظماء عالم و اختراعات و انکشافات و امثال ذلک، و تعداد نفوس رعایای هر دولت، و تشخیص محصول نباتی و معدنی و حیوانی و

موازنه دخل و خرج و تعیین قرض جدید و استعداد لشکر بری و بحری هر مملکت از قسمت‌های سیاره ارض، غیر ذلک».^۲

مشخصات نخستین شماره سالنامه ایران از این قرار است:

سالنامه ایران ۱۲۹۰؛ محل انتشار: تهران؛ تعداد صفحات: [۱۹۸ صفحه] صفحه‌شمار گوناگون دارد؛ خط: نسخ؛ چاپ: سنگی؛ قطع ۱۱×۲۰؛ قیمت تک‌شماره: ۵ هزار دینار؛ تصویرها: صفحه ۳۸ تصویر ناصرالدین شاه و صفحه ۵۶ تصویر میرزا حسین مشیرالدوله صدراعظم وقت ایران؛ تاریخ شماره نخست: محرم الحرام ۱۲۹۰ هجری قمری مطابق با ۱۸۷۳ میلادی [برابر با ۱۲۵۲ خورشیدی].

فهرست مطالب نخستین شماره سالنامه ایران به این شرح است:

«تقویم سال، تطبیق سنوات مسیحی با سنه هجری، تواریخ مهم جهان سال به سال، اختراعات مهم سال به سال، اسامی سلاطین قاجار، اداره سلطنت عظمی، اداره خاصه صدارت عظمی، اداره وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت عسکریه، اسامی صاحب‌منصبان اهل نظام خارج نظام، اداره وزارت مالیه، اداره وزارت عدلیه اعظم، اداره وزارت علوم، اداره دفتر محاسبات، وزارت تجارت و زراعت، وزارت فواید، وزارت دربار، دارالطباعة و دارالترجمة خاصة همايوني، اسامی اعیان و اشراف و طبقات نوکر و رجال دولت، جمعیت ایران، جمعیت شهرهای معتبر، اسامی علما و اعیان، اداره حکومتی ولایات ممالک محروسه ایران، اروپا، آسیا، آفریقا، ینگی دنیای شمالی، ینگی دنیای مرکزی، ینگی دنیای جنوبی، مسکوکات طلای ملل مختلفه، مسکوکات نقره، اسکناسی که به عوض وجه نقد رایج است، فهرست سالنامه، فهرست غلط‌های کتابچه سالنامه، فقراتی که از موانع خود ترک شده است».^۳

محمدحسن صنیع‌الدوله پس از مندرجات مذکور نوشته است:

«خدمت آقایان عظام مطالعه کنندگان سالنامه ایران عرض می‌شود چون تاکنون در این دولت قوی شوکت ترقیم و ترسیم سالنامه معمول و متداول نبود و در سنه ماضیه زمانی که حسب الامر همایون انجام این خدمت به چاکر خانه زاد صنیع الدوله محمدحسن مرجوع و محول شد زیاده اوقات به آخر سال نمانده بود و جمیع فقرات و تلفیق مطالب و ترتیب اسامی اعیان و رجال دولت علیه و اجزا و اتباع ادارات دربار اعظم در این مدت قلیله، کاری سخت و دشوار می‌نمود. اطاعت و اتباع امر را بر ذمت جان‌نثاری واجب شمرده به هر طریق بود تا اول سال خجسته‌فال به پایان [رساندم]. در تقدیم تأخیر اسامی بعضی اهمال و تقصیری رفته یا اسم بعضی مطلقاً سمت تحریر نیافته یا چیزی برخلاف واقع تسطیر یافته امید است به دیده عیب‌جویی نظر نکرده و طریق عفو و اغماض پیش گیرند که انشاءالله تعالی در سنه آتیه در تصحیح و تنقیح و تکمیل سالنامه مبارکه صرف وقت و بذل جهد خواهد شد».^۵

بدین وسیله محمدحسن صنیع الدوله (اعتمادالسلطنه) ضمن بیان چگونگی انتشار سالنامه، نوید نشر مستمر آن را اعلام می‌دارد. سالنامه ایران در سال ۱۲۹۱ به نام سالنامه دولت علیه ایران تغییر نام داد و در ۲۲۶ صفحه با همان خصوصیات، در تهران به طبع رسید. سالنامه سال ۱۲۹۲ نیز با عنوان سالنامه دولت علیه ایران به ضمیمه کتاب تاریخ ایران در قطع رقعی^۶ چاپ و منتشر شد. در صفحه عنوان این سالنامه آمده است: «شامل تقویم، بیان رویدادها از خلقت آدم تا هجرت محمدبن عبدالله، تاریخ عمومی جهان و ایران، سازمان‌های کشوری و لشکری ایران و جهان».^۷ در «اعلان» معرفی این سالنامه می‌خوانیم: «کتاب سالنامه [...] علاوه بر آنچه در سنوات سابقه در آن مسطور بوده مشتمل است بر تاریخ ایران از ابتدای وضع سلطنت

در این مملکت الی الان و حاوی است معظمتات و مهمات مطالب تاریخی و شرح احوال جمیع طبقات سلاطین ایران و بعضی ممالک متصله را به انضمام نقشه قدیم ایران و نخبه‌ای از گزارش حالات سعادت آیات حضرت خاتم النبیین و ائمه هدا [هدی] سلام الله علیهم اجمعین و خلفای بنی امیه و بنی عباس و غیرهما. جامع آراء مورخین ایران و عرب و یونان و فرنگستان، بی حشو و زاید، خلاصه و نافع در کمال صحت و دقت. لهذا علاوه بر طبقات نوکر که اسامی آن‌ها در سالنامه درج است و علی‌الرسم به توسط فراش روزنامه به ایشان داده خواهد شد هر کس طالب باشد که ابتیاع نماید در دارالطباعة خاصه همایونی نسخ عدیده از آن موجود است آمده خریداری نماید قیمت شش هزار دینار^۸.

بدین ترتیب از سال ۱۲۹۲ق. - سومین شماره سالنامه به بعد - سالنامه دولت علیه ایران به ضمیمه کتاب‌های «دارالطباعة» و سپس «انطباعات» انتشار یافته‌اند. و چون کتاب‌های منتشر شده به وسیله این تشکیلات بسیاری برای آگاهی خوانندگان و پژوهشگران فهرست کتاب‌هایی که در عهد ناصری سالنامه‌های آن دوره را به ضمیمه دارند، در پی می‌آید:

سالنامه شماره ۳: سالنامه ۱۲۹۲: به ضمیمه کتاب تاریخ ایران.

۱۲۹۳: سالنامه منتشر نشده است.

سالنامه شماره ۴: سالنامه ۱۲۹۴ به ضمیمه کتاب مرآت البلدان (جلد اول)^۹؛

سالنامه شماره ۵: سالنامه ۱۲۹۵ به ضمیمه کتاب مرآت البلدان (جلد دوم)؛

سالنامه شماره ۶: سالنامه ۱۲۹۶ به ضمیمه کتاب مرآت البلدان (جلد سوم)؛

سالنامه شماره ۷: سالنامه ۱۲۹۷ به ضمیمه کتاب *مرآت البلدان* (جلد چهارم)؛

سالنامه شماره ۸: سالنامه ۱۲۹۸ به ضمیمه کتاب *منتظم ناصری* (جلد اول)؛

۱۰ سالنامه شماره ۹: سالنامه ۱۲۹۹ به ضمیمه کتاب *منتظم ناصری* (جلد دوم)؛

سالنامه شماره ۱۰: سالنامه ۱۳۰۰ به ضمیمه کتاب *منتظم ناصری* (جلد سوم)؛

سالنامه شماره ۱۱: سالنامه ۱۳۰۱ به ضمیمه کتاب *مطلع الشمس* (جلد اول)؛

۱۳۰۲: سالنامه منتشر نشده است.

سالنامه شماره ۱۲: سالنامه ۱۳۰۳ به ضمیمه کتاب *مطلع الشمس* (جلد سوم)؛

سالنامه شماره ۱۳: سالنامه ۱۳۰۴ به ضمیمه کتاب *خیرات حسان* (جلد اول)؛

سالنامه شماره ۱۴: سالنامه ۱۳۰۵ به ضمیمه کتاب *خیرات حسان* (جلد دوم)؛

سالنامه شماره ۱۵: سالنامه ۱۳۰۶ به ضمیمه کتاب *المآثر والآثار*؛

سالنامه شماره ۱۶: سالنامه ۱۳۰۷ به ضمیمه کتاب *خیرات حسان* (جلد سوم)؛

سالنامه شماره ۱۷: سالنامه ۱۳۰۸ به ضمیمه کتاب *ذرراتیجان* (جلد اول)؛

سالنامه شماره ۱۸: سالنامه ۱۳۰۹ به ضمیمه کتاب *ذرراتیجان* (جلد دوم)؛

سالنامه شماره ۱۹: سالنامه ۱۳۱۰ به ضمیمه کتاب *ذرراتیجان*

(جلد سوم)؛

سالنامه شماره ۲۰: سالنامه ۱۳۱۱ به ضمیمه کتاب *التدوین فی*

احوال جبال شروین؛

سالنامه شماره ۲۱: سالنامه ۱۳۱۲ به ضمیمه کتاب *تاریخ فرانسه*

(جلد اول).^{۱۰}

همان‌طور که پیشتر اشاره شد در بعضی از سال‌های ذکر شده، از جمله ۱۲۹۳ق. و ۱۳۰۲ق. سالنامه منتشر نشده است. در پایان جلد دوم *مطلع الشمس* آورده‌اند که: «چون این جلد از کتاب *مطلع الشمس* که دومین جلد و متعلق به شرح اماکن متبرکه مشهد مقدس و جغرافیای این شهر شریف و تاریخ و رجال و بعضی تحقیقات دیگر آن است، بسطی به هم رسانید و این تفصیل طبع و اختتام آن را به تأخیر انداخت و حسب‌الرسم معمول بود که سالنامه ضمیمه این کتاب گردد همین که به ختم این تألیف منیف فایز گردیدیم ماه ششم سال است و تغییر کلی در وضع ادارات جلیله دولت ابدایت نیز حاصل نشده و سالنامه سال آینده هم مقارن عید نوروز انشاءالله تعالی منتشر خواهد شد. لهذا این جلد دوم *مطلع الشمس* را که همان سمت سالنامه معموله دولتی را دارد به همین جا قطع و ختم نموده منتشر کردیم. احادی را حق ترجمه و طبع جلدین این کتاب مبارک نیست مگر به اذن و اجازه مصنف».^{۱۱}

اعتمادالسلطنه در آن زمان به «اجزا» خود سپرده است که پیش و پس از انتشار سالنامه خبر نشر آن را «اعلان» کنند. چهار نمونه از این نوع «اعلان»‌ها چنین‌اند:

۱. «اعلان: کتاب *مرات البلدان* ناصری در علم جغرافی و تاریخ نقل از کتب عیدیه معتبر قدیم و جدید علمای جغرافی و تاریخ عرب و عجم و ترکستان و فرنگستان و یونان از سیاحت‌نامه‌های مسافری

فرنگی و ایرانی علاوه بر تحقیقات کامله و بیانات وافیه مؤلف و اطلاعات ثقات معاصرین و نکات ادبیه و امثال اشعار عربیه و فارسیه و فواید مختلفه مصور و موشح و تمثال [ناصرالدین شاه] و صور معتبره از قبیل صورت تخت جمشید و ایوان کسری و نقشه مداین و صورت باقی مانده برج بابل و صور بیستون متعلق به داریوش ها و صورت اسکندر با صحت شباهت و صورت شاه سلطان حسین و کریم خان زند وکیل و مرحوم آقامحمدشاه قاجار و خاقان مغفور [...] و ولیعهد [...] نایب السلطنه عباس میرزا و [...] محمد شاه غازی [...] و نقشه قلعه تبر و غیره در بهترین سبک و اسلوبی با کمال دقت و صحت به طبع رسیده و چون در سنه ماضیه کتاب سالنامه از طبع خارج نشد در هذه السنه میمونه معادل کتاب دوساله بل متجاوز، در یک مجلد از این کتاب مستطاب قریب به شصت جزو و پنجاه هزار بیت نوشته شده ضمیمه سالنامه کرده مخارج گزافی در اتمام آن نموده لهذا قیمت کتاب دوساله را که دوازده هزار باشد نرخ آن قرار داده و سوای طبقات نوکر و صاحبان روزنامه دولتی که از قرار حکم کلیه سنوات سابقه باید کتاب سالنامه را مأخوذ و تنخواه آن را به اداره دارالطباعه بپردازند هرکس نیز طالب و مایل این کتاب مستطاب کثیرالفایده باشد در دارالطباعه مبارکه نزد میرزا علی محمد ناظم دارالطباعه از قرار قیمت مرقومه می تواند خریداری نمود و هیچ کس حق طبع و ترجمه این کتاب مستطاب را ندارد و کتاب مرآت البلدان عبارت است از چند جلد که به ترتیب هر سالی مجلدی از آن به طبع می رسد»^{۱۲}

۲. «اعلان: کتاب مستطاب جلد سیم منتظم ناصری و سالنامه هذه السنه [...] از مؤلفات صنیع الدوله وزیر انطباعات و دارالترجمه خاصه که مشتمل و مرکب از سی جزو است به انطباع و اختتام رسیده روز

غره ذی القعدة الحرام موجود است غیر از صاحبان روزنامه ایران که از طبقات چاکران و خدام دولت هستند که با روزنامه از برای ایشان فرستاده می شود و هر کس دیگر طالب باشد به اداره وزارت انطباعات رجوع کرده خریداری نماید قیمت جلدی دوازده هزار [دینار] است.^{۱۳}

۳. «اعلان وزارت انطباعات: جلد اول کتاب خیرات حسان در شرح حال معارف نسون از صدر اسلام تاکنون که به ترتیب حروف تهجی تصنیف و تألیف و به اسلوبی مطبوع و مرغوب نگارش و انطباع یافته و سالنامه مبارکه دولتی نیز منظم به آن است تا نیمه ماه محرم منتشر خواهد گردید سوای صاحبان روزنامه مبارکه ایران و اطلاع که حسب المعمول مستقیماً به توسط فراش مقسم روزنامه دولتی برای آن ها فرستاده خواهد شد هر کس دیگر طالب و مشتری باشد جلدی دوازده هزار دینار در دارالطباعة مبارکه دولتی به فروش می رسد».^{۱۴}

۴. «اعلان وزارت انطباعات: سالنامه هذه السنة ۱۳۱۲ هجری که مقدمه آن کتاب تاریخ و جغرافیای ناحیه کوچک سوادکوه ولی در واقع تاریخ کلیه دارالمرز مازندران و بلکه تمام سواحل بحر خزر موسوم است به کتاب (التدوین فی احوال جبال شروین) که به اسم سامی جناب مستطاب اشرف امجد اکرم صدراعظم تألیف شده است و مصنف ماهر دانشمند آن جناب جلالت مآب اعتمادالسلطنه اسناد تاریخی این کتاب را از مصنفات مختلفه معتبره ایرانی و عربی و ارمنی و لاتینی و یونانی اخذ نموده و از روی ذوق و دانش و خبرتی کامل به تلفیق و ترتیبی رائق با هم مرتبط و مؤتلف ساخته و کتابی وافق و جامع پرداخته اند در این دو روزه از طبع خارج شده و عنقریب به همه جا منتشر می شود غیر از صاحبان روزنامه ایران که حسب المقرر به هر یک از ایشان داده می شود هر کس دیگر طالب

باشد محل فروش در اداره وزارت انطباعات و قیمت از قرار جلدی دوازده هزار دینار است.^{۱۵}

بسیاری از مصححان و کوششگران بازچاپ آثار اعتمادالسلطنه، این سالنامه‌ها را تجدید چاپ کرده‌اند. مثلاً «سالنامه دولت علیه ایران» ۱۳۰۶ ق. به ضمیمه المآثر و الآثار تجدید چاپ شده است. ایرج افشار کوششگر بازچاپ المآثر و الآثار در مقدمه خود درباره سالنامه‌هایی آن دوره نوشته است که: «اعتمادالسلطنه رسم تهیه سالنامه را در سال [۱۲۹۰ ق.] انتشار داد. پس از آن در پایان هر یک از کتاب‌هایی که در هر سال منتشر می‌کرد سالنامه تشکیلات مملکتی مربوط به آن سال را ضمیمه می‌ساخت و همراه اغلب کتاب‌های او چنین سالنامه‌ای هست و از جمله با المآثر و الآثار نیز چنین سالنامه‌ای نشر شده است و هر کس آن سالنامه را دیده است می‌داند که استفاده از آن‌ها به علت درهم بودن خطوط و نحوه ستون‌بندی و پشت هم نوشتن اسامی اشخاص آسان نیست. اعتمادالسلطنه یا دستگاه او برای تنظیم سالنامه‌ها همه‌ساله از دوایر دولتی می‌خواسته‌اند که اسامی افراد خود را با ذکر منصب هر یک بنویسند و بفرستند و به همین ملاحظه است که چون بعضی از دوایر جواب نداده‌اند در چند مورد از این سالنامه قید شده است که اسامی اجزاء را صورت نداده‌اند».^{۱۶}

مطالب مربوط به سازمان‌های دولتی ایران را «دوایر دولتی» برای دفتر روزنامه می‌فرستاده‌اند و اطلاعات راجع به کشورهای دیگر را خود اعتمادالسلطنه با دستیاری فروغی و دیگران تهیه می‌کرده است. چنان که در روزنامه خاطرات همو می‌خوانیم: «چهارشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۲۹۹ ق: من هم شب با میرزا فروغی ترجمه زیاد کردم، جهت سالنامه».^{۱۷}

و یا در جای دیگر آورده است: «سه شنبه ۸ [رجب ۱۳۰۰ ق:] از سه به غروب مانده الی سه از شب رفته با میرزا فروغی مشغول چیز نوشتن بودم. آنچه که باید از وقایع دول فرنگ در سالنامه امسال نوشته شود جز مختصری که باقی مانده همه را نوشتم. سید کاتب هم بود».^{۱۸}

بعضی از «صاحب منصبان» آن روزگار به جای نام خود در سالنامه و مطول بودن زیرمجموعه هایشان بسیار اهمیت می داده اند. اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطراتش می نویسد: «سه شنبه ۲۹ [رجب ۱۳۰۰ ق:] صبح خانه امین السلطان رفتم. از سینه جراحات زیاد آمده بود. خیلی بدحال است، با وجود این مرض که برد ندارد به من اصرار می کرد که در سالنامه عمه خلوت را جزو اداره من بنویس. خدا عالم است تا طبع سالنامه زنده خواهد بود یا نخواهد بود».^{۱۹}

نمونه دیگر اینکه «دیکسون طبیب سفارت انگلیس [...] به طلوزان گفته بود که فلان کس در سالنامه اسم تو را بعد از اسم میرزا نصرالله نوشته است. من سه روز قبل که خانه طلوزان بودم اظهار این مطلب را کرد. من به نرمی جواب دادم که به شما مشتبه شده، به واسطه اینکه فارسی نمی توانید بخوانید. طبیبی فرنگی جدا نوشته می شود، طبیبی ایرانی هم علی حده نوشته می شود. دوازده سال است این رسم برقرار است. دیروز من برای اثبات مدعای خود یک جلد سالنامه دادم میرزا محمودخان که برود به طلوزان حالی کند. رفته بود طلوزان خانه نبوده است به نوکرش داده مراجعت نموده بود. در سفارت روس او را دیده بود مطلب را حالی کرده بود. باز طلوزان برآشفته بود. من امروز صبح خودم رفتم که مطلب را حالی کنم. همین که وارد اطاق شدم حکیم الممالک و ناظم خلوت هم آنجا بودند. انتظار آمدن دیکسون را داشتند که به اتفاق به معالجه چشم

امین‌اقدس بروند. طلوزان تا مرا دید بنای داد و فریاد را گذاشت. من ساکت شده هیچ نگفتم. بدون خداحافظ از منزل طلوزان برخاسته [به] دارالترجمه رفتم. عریضه‌ای تظلم به شاه عرض کردم. شاه دستخط نموده بودند که باید طلوزان ترضیه بدهد. خلاصه نمی‌دانم انگلیس‌ها برای چه تحریک کرده‌اند. گمانم این است هم به واسطه عدوات با من، هم عدوات به شخص اوست. جهنم! اگر طلوزان همان‌طور که شاه فرمود ترضیه ندهد در اول مجلس رسمی که او را دیدم او را خواهیم زد».^{۲۰}

نکته قابل توجه این است که این نوع سهوها را در سالنامه سال بعد نوشته‌اند بلکه در نشریه ایران به آن اشاره کرده‌اند. چنان که درباره همین «اشتباه» در نشریه ایران زیر عنوان «اعلان دارالطباعة» می‌خوانیم: «در سالنامه سنه ماضیه اشتباهاً اسم حکیم‌باشی دکتر طلوزان در عداد حکیم‌باشیان و اطباء مخصوص حضور همایون در موقعی که باید نوشته نشده بود چون دکتر طلوزان در مدت بیست و هفت سال که سمت حکیم‌باشیگری مخصوص حضور همایون در خدمت بوده خاطر مهر مظاهر همایونی از خدمات او راضی بوده و در مواقع رسمی و سایر مواقع همیشه بر طبایب مخصوص تقدم داشته لهذا مقرر شد اسم معزی‌الیه در سالنامه‌ها چه در تعداد حکیم‌باشیان درباری چه در جزء اجزای مجلس حافظ الصحه چون مشارالیه اول مستشار آن مجلس است بر همه مقدم درج شود».^{۲۱}

البته از این‌گونه موارد که اشتباهات سالنامه ایران را در نشریه ایران نوشته‌اند، پیشتر نیز دیده‌ایم. نمونه آن این اعلان است: «در سالنامه هذه السنه در اداره دارالترجمه کاتب سهواً اسم مادر و س‌خان مترجم را از قلم انداخته و بعضی گمان کرده‌اند که مشارالیه از این اداره خارج است رفع این [اشتباه] را اظهار می‌دارد که مادر و س‌خان از

اجزای عمده و محترم دارالترجمه و از حیثیت اقدام و اهتمام در خدمات دارالطباعة بر سایرین مقدم است.^{۲۲}

باری، آخرین سالنامه‌ای که به مدیریت محمدحسن اعتمادالسلطنه انتشار یافت به بلای توقیف دچار شد. البته نه به علت محتوای سالنامه بلکه به دلیل «ترجمه شرح حال مادموازل مونت پانسیه/پانسییر» که سالنامه ۱۳۱۳ به ضمیمه آن بود. عین السلطنه در خاطرات خود درباره «توقیف سالنامه ۱۳۱۳» می‌نویسد: «چهارشنبه ۱۵ [رجب ۱۳۱۳ ق.] - سالنامه [...] ۱۳۱۳ چندی است از چاپ بیرون آمده و پس از تقسیم حکم به توقیف آن شد و از هر کجا ممکن شد گرفته نگاه داشتند. بعضی‌ها ندادند. یک دانه آقای عمادالسلطنه پیدا کرده حضرت والا ملاحظه فرموده التفات کردند من خواندم. سالنامه مزبور شروع می‌کند از اوایل سلطنت فرانسه که طایفه مروئین که در سنه ۴۸۱ میلادی بر آن مملکت مسلط شده تا به سلطنت لویی چهاردهم در سنه ۱۶۴۳ که ایام ترقی و عیش آن مملکت است اختتام تاریخ لویی چهاردهم را به واسطه ترجمه شرح احوال مادموازل مونت پانسیه می‌کند. اصل آن روزنامه شاهزاده خانم چندین جلد است که اکنون به خط خود او در کتابخانه ملی پاریس حاضر است. ترجمه را هم الحق اعتمادالسلطنه بسیار شیرین و خوش عبارت کرده، خیلی بامزه است و حقیقت خواندن دارد. تاریخ صحیحی برای سلطنت لویی چهاردهم است. ضمناً سرگذشت خود را هم تفصیل داده.

جهت توقیف این کتاب از قراری که از خود کتاب فهمیده می‌شود چند چیز است. [...] هرزگی‌ها [...] استقلال صدراعظم [...] شورش شاهزادگان [...] والا کتاب قحط نبود. این حکایت توقیف بیشتر مردم را مایل به خواندن و فهمیدن کرده. چنانچه هرکس طالب و جویا است پیدا کرده می‌خواند.^{۲۳}

اعتمادالسلطنه درباره توقیف سالنامه با ذکر اینکه «هزار و پانصد تومان» در نتیجه توقیف این سالنامه «ضرر» دیده و «هزار و پانصد کرور یأس»، در ذیل وقایع «سه‌شنبه ۱۵ جمادی‌الآخری سنه ۱۳۱۳ قمری» نوشته است: «امروز صبح وقت اذان صبح که علی‌الرسم از اندرون بیرون آمده نمازی خوانده مشغول تصحیح و تبییض جلد هفتم مادموازل منت پانسیر [پانسیه] بودم. آفتاب هنوز در نیامده بود، دیدم ادیب‌الملک آمده است. داخل اتاق شد و آن جایی که [به‌طور کلی] من از این عالم و آدم مأیوسم از ورود ایشان در این وقت جز خبر شر چیزی تصور نکردم. بعد از طی تعارفات گفت دیشب [ناصرالدین‌شاه] ساعت سه از شب رفته مرا احضار کردند و در کمال التفات و مهربانی فرمودند که سالنامه‌های امسال را به کسی تقسیم نکنید و به هر که هم داده شد پس بگیرید. قریب بیست سال است من به سالنامه‌ها یک چیز الحاق می‌کردم و برای بصیرت و اطلاع مردم این مملکت ژغرافیا و تواریخ ایران و رجال و نساء و غیره به طبع می‌رساندم. در ظرف سنه ماضیه چون مشغول ترجمه شرح حال مادموازل منت پانسیر بودم مجال نکرده بودم از این قبیل چیزها تألیفی نمایم، لهذا خواستم از برای بصیرت مردم مختصر تاریخ فرانسه را با لویی چهاردهم از اول سلطنت لویی چهاردهم تا اواخر سلطنت و سرگذشت مادموازل منت پانسیر بنگارم. دو مجلد از هفت جلد امسال به طبع رسیده بود که ابدأ ضرری به دین و دولت و ملت نداشت، نمی‌دانم به چه جهت میل مبارک بر این اقتضا کرده که این کتب جمع شود. هزار و پانصد تومان به من ضرر رسید و هزار و پانصد کرور یأس، دلخوری به من رو داد. غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ای، فی‌الغور اطاعت کردم. فرستادم کتب را جمع نمودند و بعد پیاده درخانه رفته در موقع ناهار بودم.»^{۲۴}

به دنبال توقیف سالنامه، اعتمادالسلطنه «عریضه» ای به ناصرالدین شاه نوشته و او نیز دستخطی در پاسخ وی فرستاده که «سواد دستخط» ناصرالدین شاه از این قرار است: «سواد دستخط همایون: عریضه مفصل شما را خواندم. اکتفا در جواب به همین کلمات می‌کنم و کافی است. شخص باید در دنیا فیلسوف باشد و حکیم. این دنیای بی‌معنی ابداً به این گفتگوها نمی‌ارزد. یعنی هیچ نمی‌ارزد و ابداً هیچ‌کس به هیچ‌کس دردسر نباید بدهد. هرچه را می‌گویند بکن بکند. هرچه را می‌گویند نکند نکند. ابداً سؤال و جواب ندارد. حیف است (کذا) آنکه پریشان کنی دلی

زنهار بد مکن که نکرده است عاقلی
این عالم بی‌مصرف نجس هرگز به این حرف‌ها نمی‌ارزد. آسوده
خاطر باش. خوشحال و خوش‌مسرت باش و از التفات ما نهایت
اطمینان داشته باش.

دمی با غم به سر بردن جهان یک سر نمی‌ارزد. زیاده چه بنویسم
خودت فیلسوف هستی اما نه فیلسوف [...] که هیچ نمی‌فهمد.^{۲۵}
«صورت عریضه» اعتمادالسلطنه نیز به این شرح است: «[...] از
جسارت این عریضه والله با تاج و تخت شاهانه هیچ مقصود ندارد، جز
عرض بیچارگی خود. بدو جسارت می‌کند هفتصد و پنج جلد از این
کتاب تقدیم ادیب‌الملک شد. مابقی نیز تا پنج روز داده می‌شود. هزار
و پانصد تومان ضرر که سهل است، برای رضایت خاطر مبارک جانم
را قربان می‌کنم. از عدم سعادت، خدمات صادقانه خالی از شایبه
چهل و پنج ساله خود و شصت ساله پدرم مقبول آستان مبارک نشد.
چرا که جز شخص پادشاه احدی را در دولت نشناختیم. [...] برای
وجود مبارک [...] نوکر صدیق درست امین دوست‌خواه بودیم. زبان

چاپلوسی و تملق و راه رسوخ به قلوب رجال دولت را بهتر از همه می دانستیم. اما با احدی مرابطه و مخالطه ننمودیم. پدرم که با سی هزار تومان قرض و بی کفن تصدق شد باز خانه زاد او سبک خودمان را از دست نداد. با هزار ناملایمات تقریباً نصف [عمر] را در نوکری گذراند. به امید اینکه قلب ولی نعمت از خانه زاد راضی خواهد بود و هر وقت هم از طرف دولت صدمه و بی مرحمتی می دید تصور می کرد محض رضایت دیگران است که جنساً و طبعاً با غلام بدند، این می دید بی مرحمتی از آن جهت می شود، لهذا هیچ عرضی نکرده دم نزد. امید داشت البته وقتی خواهد رسید که در پیری و از کار افتادگی مراحم شاهانه تلافی مافات را خواهد کرد. اشخاص که ده دوازده سال قبل فراش خلوت بودند و نان یومیه نداشتند در این مدت کم تمام امتیازات دولت را دارا شدند و القابی گرفتند که لازمه اش فتح ختا و ختن است. به علاوه مالک یک کرور مکنت شدند. در اداره نظام و خارجه کسانی سردار با افتخار و سفیر کبیر شدند [...] ده سال اجازه جلوس از غلام نداشتند که نه پدرشان معلوم است و نه خدماتشان و همچنین از سایر طبقات که عرضش جسارت است. دو سه کار مختصر در این مدت به غلام سپرده شد. من جمله کوچه پاک کنی و زباله برداری شهر بود. چهار هزار تومان دیوان در سال می داد. کارگزاران دیوانی آن را هم بر غلام روا ندیدند. سعایت کردند از غلام گرفته شد. حالا چهارده هزار تومان می دهند به علاوه فوج و سوار شهر طهران بدتر و خراب تر از شهر قم و جاجرم است. چون صاحب کار بسته به خودشان است نه مؤاخذه است و نه ایراد. یک کار پرزحمت بی فایده اسماً برای غلام مانده است که اتصالاً ایراد می گیرند. گاهی مسئله اعلان سید هندی را بهانه می کنند و آن اقتضاح چهار سال قبل به سر خانه زاد می آورند و ابداً تمجید از ده

بسیست کرور تألیفات خانه‌زاد ننمودند. حالا دیگر مطالب تاریخ فرانسه را حربه نموده‌اند، با وجودی که به‌قدر ذره‌ای مطالعه این کتاب ضرر به دین و دولت و ملت وارد نمی‌آورد. بلکه ثابت می‌کند که لویی چهاردهم با این تمجید و توصیف که کتب تواریخ از شجاعت و عدالت و سخاوت و علم او پر است چه جور آدمی بوده است تا عوام بدتر از انعام دعا به بقای سلطنت و وجود مبارک کنند که لله الحمد چنین پادشاه رشوف بزرگ عالمی دارند و ناسپاسی ننمایند. نمی‌دانم کدام مطلب این کتاب مضر به حال دولت بود. از این قبیل کتب به فارسی و عربی و ترکی هزار مجلد نوشته و طبع شده. تاریخ پطر کبیر ترجمه سیول که در عهد شاه مرحوم طبع شده حاضر است، ملاحظه فرمایید که بلوای روس را به چه زبان‌ها بیان کرده. تاریخ ناپلئون اول که در وزارت مرحوم اعتضادالسلطنه به فارسی چاپ شد بلوای فرانسه را به چه وضوح بیان نموده. در آن ازمه چون رجال دولت مشغول به خدمات حقیقی دولت بودند ایرادی نمی‌گرفتند. حالا چون بحمدالله آسوده هستند و هیچ کاری ندارند و اثبات وجودی باید بکنند و با خانه‌زاد بی‌لطف هستند تمام حسن خدمتشان را به ایراد به غلام منحصر نموده‌اند. در هر صورت عاجزانه مستدعی است مراحم ثلاثه ذیل درباره خانه‌زاد مبذول شود: اولاً چون هیچ امید ترقی آتی نیست بلکه یقین به ذلت است [به‌طور کلی] خانه‌زاد را معاف فرمایند گوشه‌ای نشسته تا آخر عمر دعاگو باشم و به تلافی مافات، تحصیل آخرت کنم. از دنیا که هیچ فایده نبرده و حقیقه عرض می‌کنم قوه نوکری هم از غلام سلب شده، علیل گشته، مصدر هیچ خدمتی نمی‌تواند باشد. ثانیاً به خلاف آنچه عرضه شده که مادر خانه‌زاد هشتاد هزار تومان پول نقد داشت، در صورتی که شوهر او سی سال قبل با سی هزار تومان قرض مرد، به حق خدا و به نمک پادشاه الان

بعد از فروش حسن آباد و ادای قدری از قروض باز شش هفت هزار تومان قرض تنزیلی دارد، اجازه داده شود خانه و مایملک خود را حراج کند قروض را بدهد، خانه مختصری کرایه کند و زندگانی نماید. ثالثاً حالا هشت هزار تومان بلکه زیاده‌تر موجب و مرسوم به خانه‌زاد مرحمت می‌شود (که از دوازده تومان موجب دارالفنون در چهل و پنج سال قبل متدرجاً به این مبلغ رسیده) از سال نو به‌طور مستمری و شهریه ماهی یکصد و پنجاه تومان به غلام مرحمت شود و باقی ضبط دیوانی گردد که بعد از این مدت نوکری والله با صداقت، بالله با امانت، اقلاً گرسنه نمیرد یا گدایی نکند. داخل شهر طهران هم به واسطه بی‌مرحمتی اجزای حکومتی و پلیس نمی‌تواند بماند که آخر به آبروی قطره قطره تحصیل شده خواهند زد. از جان نمی‌ترسد. مرخص فرمایند در حضرت عبدالعظیم یا تجریش رفته خود را تسلیم مأمورین دیوانی آنجاها نماید و ابد از خانه بیرون نیاید و به تمام مردم اعلان کند که خانه‌زاد مرده، بلکه این دو روز بقیه عمر و زندگانی را آسوده به دعاگویی گذرانند. اگر مثل سوابق ایام اعلیحضرت [...] چنانچه کراراً فرموده‌اند انس و میل به ترجمه خانه‌زاد را داشته باز این جسارت را نمی‌کرد. تا قوه و چشم و گوش و هوش داشت با قلب روشن خدمت می‌کرد، حالا دیگر در خلوت همایونی مشابه زینب زیادی است و ترجمه‌های غلام هم با آنچه فلان [...] یا غیر می‌کند هیچ رجحانی ندارد و مساویست. امر امر قدر قدرت اعلیحضرت اروحنا فداه است.^{۲۶}

سال ۱۳۱۳ق، سال مرگ محمدحسن اعتمادالسلطنه است و سال توقف انتشار سالنامه دولت علیه ایران نیست. پس از محمدحسن، محمدباقر، برادرزاده‌اش که بر جای او تکیه داد، سالنامه‌نگاری را دنبال کرد. مثلاً سالنامه ۱۳۱۴ را به ضمیمه تاریخ سلاطین ساسانی

(جلد اول) و سالنامه ۱۳۱۵ را به ضمیمه تاریخ سلاطین ساسانی (جلد دوم) انتشار داد و پاره‌ای از سالنامه‌های عهد مظفری به ضمیمه نامه دانشوران چاپ شد.

نگارنده آخرین شماره‌ای که از سالنامه ایران (سالنامه دولت علیه ایران) دیده است سالنامه ایران ۱۳۲۴ ق. است که قطع رقیعی دارد و در ۷۰ صفحه با چاپ سنگی به طبع رسیده و یک نسخه از آن در کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی موجود است.

نخستین شماره دومین سالنامه در ایران با عنوان سالنامه احصائیه گمرکی ایران به دو زبان فارسی و فرانسوی با قطع رحلی در ۱۳۲۰ ق./ ۱۹۰۳ م. منتشر شده است.

در سال ۱۳۲۹ ق. اداره کل پست ایران و وزارت معارف اقدام به نشر سالنامه کردند. بیشترین مطالب سالنامه اداره کل پست ایران درباره پست ایران از زمان تأسیس تا سال ۱۳۲۹ ق. بود. این سالنامه دوزبانه فارسی و فرانسوی بعدها به سالنامه پستی و تلگرافی و پس از آن به سالنامه وزارت پست و تلگراف و تلفن تغییر نام داد. عنوان نخستین شماره سالنامه وزارت معارف نیز «سالنامه در باب معارف و تعلیمات عمومی سنه ۱۳۲۸-۱۳۲۹» بود. این سالنامه بعدها به سالنامه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تغییر نام داد.

سالنامه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۲۹۷ در ۸۰ صفحه با قطع رحلی منتشر شد.

«فهرست ابواب و فصول سالنامه» به این شرح است: «قسمت اول حوزه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، قسمت دوم معارف، قسمت سوم راپورت عملیات سالیانه معارف، قسمت چهارم اوقاف، قسمت پنجم معارف و اوقاف ایالات و ولایات، قسمت ششم صنایع مستظرفه، قسمت هفتم قوانین و نظام‌نامه‌ها» که هر قسمت نیز به

فصل‌هایی تقسیم‌بندی شده است. «راپورت به مقام وزارت»، «دیباجه: خطبه افتتاحیه در اسامی هیأت دولت»، و «صورت اسامی وزراء معارف دولت ایران از بدو تأسیس» از دیگر مطالب این سالنامه است. سالنامه وزارت امور خارجه نیز در ۲۵۶ صفحه به قطع خشتی در سال ۱۳۳۵ ق. انتشار یافت. اگر راپورت عملیات اداره انستیتو پاستور دولت علیه ایران را که به قطع رحلی و به دو زبان فارسی و فرانسوی در سال ۱۳۰۰ خورشیدی منتشر شده است، سالنامه به حساب آوریم در طول تقریباً نیم قرن اولیه عمر سالنامه‌نگاری چاپی، بدون احتساب دفترچه‌های عملکرد سالانه سازمان‌های دولتی و «احصائیه‌ها»، تنها شش عنوان سالنامه در ایران منتشر شده است. البته به جز سالنامه ایران که سعی در درج مطالب اجتماعی، اقتصادی و تاریخی داشته است، بقیه به ارائه گزارش سالیانه و عملکرد تشکیلات متبوع خود پرداخته‌اند و در حقیقت در طول حدود پنجاه سال تقریباً یک عنوان سالنامه به مفهوم امروزی در ایران چاپ و منتشر شده است. ناگفته نماند که در سال ۱۲۹۶ ش. از طرف انجمن زرتشتیان تهران «سالنمای یزدگردی ۱۲۹۶» در تهران منتشر شد که در بعضی از کتابخانه‌ها در ردیف سالنامه‌ها قرار گرفته است ولی به نظر می‌رسد همچنان که از نام آن پیداست این مجموعه سالنامه بوده است نه سالنامه.

۱۳۰۱ تا ۱۳۲۰ ش: حدود نیم قرن پس از انتشار اولین سالنامه در ایران و بیش از سی سال بعد از تولد نخستین نشریه طنز و فکاهی در کشور ما، توفیق به مدیریت حسین توفیق انتشار یافت.^{۲۷} حسین توفیق از آغازین سال‌های حیات نشریه توفیق مبادرت به انتشار سالنامه کرد.^{۲۸} اینکه محققان سلف و پژوهشگران متقدم نوشته‌اند: «نخستین شماره سالنامه فکاهی توفیق در فروردین ۱۳۴۲ شمسی

چاپ و منتشر شده» درست نیست، چرا که پاره‌ای از شماره‌های سالنامه توفیق که تاریخ دهه دوم سده حاضر را دارند، موجود است. جالب آنکه پاره‌ای از سالنامه‌های یاد شده در هر سال شماره یک را بر روی جلد یا شناسنامه دارند. مثلاً سالنامه توفیق که در سال ۱۳۱۶ انتشار یافته و نگارنده این سطور به لطف سرکار خانم طاهره مهاجرزاده مسئول گروه مطبوعات آستان قدس رضوی تصویر این سالنامه را در اختیار دارد، در ۷۰ صفحه در تاریخ پانزدهم آبان ماه ۱۳۱۶ در شمارگان ۶۵۰۰ نسخه توزیع شده است.^{۲۹} در ذیل مطلبی با عنوان «از این شماره» در واپسین صفحه‌های سالنامه توفیق می‌خوانیم:

«... این سالنامه برای مشترکین توفیق مجانی فرستاده می‌شود و کسانی که میل به خریداری آن دارند از تمام ایالات و ولایات می‌توانند دو ریال تمبر پست در جوف پاکت با اسم و نشانی خود را در طهران به اداره روزنامه توفیق بفرستند، اداره یک جلد سالنامه برای او می‌فرستد.»^{۳۰}

سالنامه توفیق در سال ۱۳۱۶ بیش از آنکه دربردارنده مطالب منظوم و منثور طنز و فکاهه باشد، مشتمل بر مطالب ادبی و شماری گزارش و کارنامه دستگاه‌های دولتی است. این سالنامه در بدو انتشار مضمون و محتوای دیگری داشت و در ادوار بعد به طنز و فکاهه روی آورد.^{۳۱}

راپورت عملیات اداره انستیتو پاستور دولت علیّه ایران، ایران، ایران شمال، پارس، پارسکاهای اداره تسویّس [نگهبان چند روزه]، تقویم معارف، تقویم نظامی، توفیق، شفق سرخ، گاهنامه طهران، نورگافایار [آرمان نو] سالنامه‌هایی بودند که در دهه نخست قرن چهاردهم خورشیدی منتشر شدند. همچنین بلدیّه طهران، اداره کل

طرق و شوارع، مدرسه ابتدایی و متوسطه سلطانیه شیراز، صحیفه کل، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و ادارات معارف بعضی از شهرها و مناطق کشور در این دهه سالنامه منتشر کردند.

سالنامه معارف یا تقویم معارف، که پیشتر به آن اشاره شد نشریه سالانه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه بود که با نام‌های مختلف در «شعبه احصائیه و نشریات این وزارتخانه» زیر نظر میرزا علی اصغر حکمت چاپ و منتشر شد. سالنامه‌های این وزارتخانه حاوی «احصائیه» و آمار مدارس و تشکیلات آموزشی کشور و برخی نیز مشتمل بر قوانین و مقررات بودند. این سالنامه در دهه‌های بعد نیز با نام‌های دیگری استمرار پیدا کرد.

«با انتشار سالنامه و احصائیه [...] که مشتمل بر خلاصه عملیات معارفی سال ۱۳۱۴ و احصائیه‌های سنوات تحصیلی ۱۳۱۲-۱۳۱۳ و ۱۳۱۳-۱۳۱۴ [...] فصل جدیدی از تاریخ معارف ایران از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

این سالنامه دهمین سالنامه معارفی است که منتشر می‌گردد و ممتازات و خصوصیات نسبت به سالنامه‌های سابق دارد که ذیلاً نوشته می‌شود:

الف- سالنامه‌هایی که تاکنون طبع و نشر می‌شد همیشه یک سال و بلکه بیشتر دیرتر از موعد انقضاء سال تحصیلی که سالنامه به آن مربوط بود منتشر می‌گردید. مثلاً اطلاعات احصایی مربوط به سال تحصیلی ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ در ۱۳۰۸-۱۳۰۹ جمع‌آوری شده و در همان سال یا سال تحصیلی ۱۳۰۹-۱۳۱۰ انتشار می‌یافت، بنابراین همواره بین تاریخ نشر سالنامه و سالی که سالنامه بدان مربوط است فاصله ایجاد می‌گردید. یکی از علل این امر عدم امکان جمع‌آوری اطلاعات و ارقام احصائیه در موقع خود بود ولی چون در سال ۱۳۱۴

با توجهات خاصی که از طرف جناب آقای حکمت وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به سابقه علاقه و عنایت کامل معظم‌الیه به پیشرفت امور اساسی معارف در امر تنظیم سالنامه نیز می‌ذول گردید دایره احصائیه اداره کل انطباعات موفق شد که در سال ۱۳۱۴ علاوه بر احصائیه‌های سال تحصیلی ۱۳۱۲-۱۳۱۳ احصائیه سال تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱۴ را نیز با وجود تنوع مطالب احصا شده در این دو سال، که تاکنون غالب آن‌ها (مانند مطابع و جراید و نمایش‌ها و کتابخانه‌ها و غیره) در سال‌های گذشته سابقه نداشته است جمع‌آوری کرده و در یک جا به طبع برساند و به عبارت اخیری احصائیه دو ساله را در یک مجموعه منتشر سازد تا بدین وسیله این تأخیر غیرمطلوب در انتشار سالنامه‌ها مرتفع شود و سالنامه هر سال بلافاصله در پایان آن سال یا لااقل در ماه‌های اول سال آینده به طبع برسد.

ب- غالباً در سالنامه‌های گذشته جداول احصائیه مفصلی در اوراق بزرگ تنظیم و طبع می‌شد که علاوه بر آنکه سالنامه را نامرغوب و صحافی آن را مشکل می‌ساخت بین صفحات آن زائده ناخوشایندی تشکیل می‌داد. در سالنامه حاضر این نقیصه برطرف شد و جداول کوچک‌تری که از لحاظ فنی واجد مزایای جداول بزرگ نیز هست جانشین جداول مفصل گردیده است.

ج- در سالنامه‌های معارفی که تاکنون به طبع رسیده است فقط مؤسسات تعلیماتی به معنی اخص یعنی مدارس و معلمین و محصلین آن‌ها مورد احصا قرار گرفته و برای جمع‌آوری اطلاعاتی در باب سایر مؤسسات مربوط به وزارت معارف از قبیل مطبوعات و مطابع و امثال آن‌ها اقدامی به میان نیامده است، در صورتی که یکی از وظایف وزارت معارف نظارت در امر مطبوعات است، بدین سبب در ضمن نظارت و مراقبت کاملی که اخیراً از طرف وزارت معارف به

موجب نظام‌نامه اداره کل انطباعات مصوب ۱۸ بهمن ماه ۱۳۱۲ هیئت وزراء در امور مربوط به جراید و مجلات نمایش‌ها و تألیفات و کتب و کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌ها معلوم می‌گردید برای اولین بار احصائیه‌های بالنسبه جامعه‌ی نیز از مؤسسانی که با این امور سروکار دارند در مرکز و ولایات تهیه گردیده و خلاصه آن‌ها برای آگاهی یافتن علاقه‌مندان در این سالنامه وارد و درج شده است...».

در پشت جلد همین سالنامه «فهرست سالنامه‌های فرهنگی که تاکنون انتشار یافته است» را به این شرح آورده‌اند:

۱. گزارش سالانه در باب معارف و تعلیمات عمومی سال تحصیلی

۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ هجری؛

۲. سالنامه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ۱۲۹۷

خورشیدی؛

۳. سالنامه و آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ۱۳۰۴

خورشیدی؛

۴. سالنامه و آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ خورشیدی؛

۵. سالنامه و آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ خورشیدی؛

۶. سالنامه و آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ خورشیدی؛

۷. سالنامه و آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ خورشیدی؛

۸. سالنامه و آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۱۰ - ۱۳۱۱ خورشیدی؛

۹. سالنامه و آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ۱۳۱۱ -

۱۳۱۲ خورشیدی؛

۱۰. سالنامه و آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در دو سال تحصیلی ۱۳۱۲-۱۳۱۳ و ۱۳۱۳-۱۳۱۴ خورشیدی؛
 ۱۱. سالنامه و آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه سال تحصیل ۱۳۱۴-۱۳۱۵ خورشیدی؛
 ۱۲. سالنامه و آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در دو سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ و ۱۳۱۶-۱۳۱۷ خورشیدی؛
 ۱۳. سالنامه و آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در دو سال تحصیلی ۱۳۱۷-۱۳۱۸ و ۱۳۱۸-۱۳۱۹ خورشیدی؛
 ۱۴. سالنامه و آمار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سه سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۰ و ۱۳۲۰-۱۳۲۱ و ۱۳۲۱-۱۳۲۲ خورشیدی.
- همچنین در این دهه ادارات تابعه وزارت معارف در شهرستان‌ها سالنامه انتشار دادند؛ از جمله ادارات معارف گیلان، کرمانشاه، خوزستان، آذربایجان و... نکته جالب اینکه دو مجلد از سالنامه اداره معارف گیلان سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ چاپ برلین است. گرجی‌خان و سلطان دوستعلی ماکویی و سلطان اسدالله گلشائیان نیز در ۱۳۰۳ خورشیدی سالنامه‌ای با نام تقویم نظامی پهلوی سال ۱۳۰۴ در ۴۷۶ صفحه مصور در مطبعة باقرزاده به طبع رساندند. نورگافار [آرمان نو] سالنامه‌ای عمومی بود که به مدیریت دکتر آرشاک قازاریان و به زبان ارمنی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در تهران منتشر شد.
- امیر جاهد نیز در ابتدای همان سال تقویم کوچکی به نام سالنمای ۱۳۰۴ انتشار داد و این مقدمه‌ای بود برای بنیادگذاری سالنامه پارس، که در اواخر آن سال (۲۴ بهمن ۱۳۰۴) چاپ و منتشر شد. در عطف سال اول این سالنامه تاریخ ۱۳۰۵ ذکر شده است. این سالنامه که

پس از آن، همه ساله منتشر می‌شد در بعضی از شماره‌ها بر صفحه عنوان آن نوشته شده است: «سالنامه رسمی مملکتی ایران مشتمل بر مطالب ادبی، اجتماعی، فلاحی، خانه‌داری، فکاهی، فنی، بهداشتی، تجارتی، تاریخی و علمی» و نیز «راهنمای تشکیلات دولتی با مطالبی درباره حوادث سال و مسائل اجتماعی». شماره ۱ تا ۲۸ (۱۳۰۵ تا ۱۳۳۲ ش.) این سالنامه در کتابخانه‌های معتبر موجود است. در بیان مرام سالنامه ۱۳۰۶ پارس می‌خوانیم:

«خدای را سپاس که دومین سالنامه پارس به تشویق دوستان معرفت‌دوست و کمک معارف‌خواهانه بعضی از مصادر امور مملکتی که در تهیه اطلاعات و سایر تسهیلات لازمه تدوین این منشوره اجتماعی بذل مساعی نمودند تا حدی جامع و مفیدتر از سال اول طبع و نشر گردید و نیز اطلاعاً متذکر است که قسمتی از اطلاعات ولایات چون دیر و بی‌موقع رسید در این سالنامه نگنجید. همان‌طور که رشدونمو کل بدایع و صنایع خلقت به قانون ظاهری طبیعت تدریجی است، تکامل صنایع و بدایع فکری بشر نیز دفعه واحده ممکن نیست.

اینک که خوشبختانه به متابعت این اصل کلی در سال دوم این خدمت ملی از هر جهت حسن توفیق حاصل شده امید است در آتیهِ نزدیکی سالنامه پارس متناسب با نشریات یک ملت مترقی و آبرومند منتشر گردد. اسفند ۱۳۰۵ - ا. جاهد.^{۳۲}

تقویم معارف نیز به مدیریت محمدعلی تربیت، ۱۳۰۵ در تبریز منتشر شد. نسخه‌هایی از سال دوم و سوم این سالنامه (سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ خورشیدی) در کتابخانه‌های معتبر موجود است.

گاهنامه «طهران» نیز عنوان سالنامه‌ای بود که به مدیریت سیدجلال‌الدین طهرانی و با هزینه «کتابخانه طهران» در سال ۱۳۰۶

به قطع جیبی در ۱۱۹ صفحه مصور منتشر شد. سیدجلال الدین طهرانی قریب به یک دهه گاهنامه تهران را انتشار داد و هر سال به ضمیمه این سالنامه کتاب‌هایی نیز منتشر کرد: *طبقات الامم صاعد اندلسی*، *چهار مقاله عروضی سمرقندی*، *اصفهان نصف جهان*، *جهانگشای جویی*، *رساله صور قدیمه فلکی*، *رساله آثار قدیمه فارس*، *جامع التواریخ رشیدی*، *حدود العالم من المشرق الى المغرب و لب التواریخ* نام برخی از این کتاب‌هاست. این سالنامه در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در ۲۹+۲۶۴ صفحه جیبی و مصور با جدول منتشر شد. یک شماره از راپورت صحیه کل که گزارش سال ۱۳۰۵ بود نیز در دو قسمت در سال ۱۳۰۶ انتشار یافت.

سالنامه مدرسه خیریه ابتدایی و متوسطه سلطانی شیراز نیز در سال ۱۳۰۶ منتشر شد. سالنامه سال ۱۳۰۸ این مدرسه نیز ۳۸ صفحه داشت.

وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه در سال ۱۳۰۶ ش. راپورت سالیانه اداره کل طرق و شوارع مملکت ایران را در تهران منتشر کرد. این گزارش سالیانه حاوی اخبار و امار مربوط به راه‌های کشور در سال ۱۳۰۵ بود.

سالنامه ایران وابسته به روزنامه ایران در سال ۱۳۰۷ به مدیریت رهنما و در ۱۵۸ صفحه، مصور، به قطع وزیری منتشر شد. «این شماره [سالنامه] دارای ۱۶ عدد بلیط یک قرانی سینمای مردانه و زنانه و دو عدد بلیط یک قرانی اومالتین و یک عدد بلیط یک قرانی صابون پرنس و دو عدد بلیط دهشاهی برای یک لوله دانطالان و یک بسته کاکائو و دو عدد بلیط سی شاهی برای خرید تفوفورد و دو عدد بلیط دوقرانی برای خرید استنول» بود، و در ادامه نوشته بودند که «در موقع خرید دقت کنید که بلیط‌های فوق‌الذکر در صفحات اول موجود و با

مهر اداره باشد».

پارسکاهای اداره تسویتس [نگهبان چند روزه] نیز نام سالنامه‌ای ارمنی‌زبان بود که به مدیریت هایک کاراکاش در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ در تهران چاپ و منتشر شد. همچنین لیون میناسیان به سالنامه ارامنه ایران اشاره کرده که در «سال‌های ۱۹۲۷ و ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ م. توسط هایک کاراکاش منتشر شده است».^{۳۳}

شهرداری تهران که در آن روز بلدیه نام داشت در سال ۱۳۰۹ نخستین سالنامه خود را با عنوان «سالنامه بلدیه طهران» انتشار داد. البته پیش از آن نیز راپورت عملیات یک‌ساله بلدیه از اسد ۱۳۰۳ تا امرداد ۱۳۰۴ منتشر شده بود. دومین شماره سالنامه بلدیه با عنوان سالنامه احصائیه شهر تهران در ۱۳۱۰ انتشار یافت.

نخستین شماره سالنامه چهار فصل به مدیریت حاجی خان جلایی در سال ۱۳۰۹ در چاپخانه خورشید تهران طبع شد. دومین شماره این سالنامه نیز به «ضمیمه یک جلد تقویم بغلی» در ۸۷ صفحه در سال ۱۳۱۰ منتشر گردید.

احصائیه و سجل احوال کل مملکت و سالنامه ایران شمال ۱۳۰۷ از دیگر سالنامه‌هایی بودند که در این دهه در تهران منتشر شدند. در دهه بعد سالنامه‌های آریان، تمدن، تهران، چمن، خراسان، دانش، زمان، شرق ایران (مشرق)، کانون منتشر شدند. همچنین اداره کل فلاحیت، بنگاه علمی و فلاحتی کرج، دارالمعلمین عالی (دانشسرای عالی)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی و ادارات معارف اصفهان، فارس و کردستان و چند دبیرستان در تهران و شهرستان‌ها سالنامه منتشر کردند. البته علاوه بر بعضی از سالنامه‌های دولتی، به‌ویژه وزارت معارف (فرهنگ) و دبیرستان‌ها، سالنامه‌های پارس، و گاهنامه طهران نیز در این دهه به حیات خود

ادامه دادند.

اداره کل فلاحت نخستین شماره سالنامه خود را با نام احصائیه محصولات فلاحی ایران در سال ۱۳۱۰ انتشار داد. از این سالنامه تا سال ۱۳۱۴ پنج مجلد انتشار یافت.

در سال ۱۳۱۱ «رضوانی» سالنامه زمان را انتشار داد.

سالنامه دانش در سال ۱۳۱۲ در مشهد به مدیریت نصرالله حسن‌زاده مستوفی در ۲۴۰ صفحه به قطع جیبی منتشر شد. سردبیر این سالنامه باقر عاملی بود. در شناسنامه سال دوم این سالنامه (۱۳۱۳ خورشیدی) که در ۹۶ صفحه منتشر شد، کتابخانه رحمانیان به‌عنوان ناشر آمده است.

روزنامه چمن مشهد نیز در سال ۱۳۱۳ «به مناسبت جشن هزاره فردوسی» نخستین شماره سالنامه چمن را در قطع رقعی و در ۷۲ صفحه منتشر کرد. صاحب امتیاز چمن، شمس‌المعالی دادستان و سردبیر آن علینقی سامی کرمانی بود. در همان سال در مشهد سالنامه خراسان به همت حسن عمید و عبدالحسین تهرانیان منتشر شد. در هشتمین شماره این سالنامه که تاریخ ۱۳۲۰ را دارد، می‌خوانیم: «... با خبر ساختن توده مردم از گزارش سالیانه کشور و آگاه نمودن افراد از ترقیاتی که در ظرف یک سال برای میهن حاصل شده و برای نشر سایر اطلاعات سودمند هیچ چیز بهتر از سالنامه نیست زیرا همه مردم به‌ویژه طبقه زارع و کشاورز و کارگر که در دهستان‌ها و بخش‌ها زندگی می‌کنند به‌واسطه دور بودن از شهرستان‌ها و گرفتاری‌های پیشه و نداشتن استطاعت یا به جهات دیگر دسترسی به روزنامه نداشته و از حوادثی که در ظرف یک سال به‌وقوع می‌رسد بی‌اطلاع می‌مانند. این موضوع را سالنامه‌ها جبران نموده و در آخر سال خلاصه وقایع و حوادث جهان را با اطلاعات

سودمند دیگر در یک مجموعه گنجانده به بهای ارزانی در دسترس همگان می‌گذارند به‌طوری که همه‌کس می‌تواند به‌جای آنکه دوپست سیصد ریال آئونه روزنامه بدهد با پرداخت هشت ریال همان استفاده را بنماید و از چگونگی اوضاع کشور و اتفاقات جهان باخبر گردد...»^{۳۴}

نهمین شماره سالنامه خراسان با تاریخ ۱۳۲۱ خورشیدی در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. در آغازین سخن شماره یادشده آورده‌اند که: «... برای سالنامه امسال مزایایی بیشتر و مرغوب‌تر از سال‌های گذشته پیش‌بینی کرده بودیم، متأسفانه در حین عمل با موانع و مشکلات بزرگی روبرو شدیم، نرخ کاغذ که هیچ‌تصور ترقی آن نمی‌رفت ناگهان بیش از صد در صد افزون شد، همچنین بهای لوازم چاپ و گراور به وضع حیرت‌انگیزی بالا رفت، پیش‌آمدها و حوادث غیر مترقبه نیز ما را مبهوت و سرگردان ساخته از تسریع در انجام وظیفه بازداشت و چون هیچ‌یک از این وقایع را پیش‌بینی نکرده بودیم در موقع انتشار قبوض پیش‌فروش تغییر در قیمت سالنامه نداده و به همان هشت ریال که بهای سال‌های قبل بود سالنامه را پیش‌فروش کردیم در صورتی که به واسطه گران شدن کاغذ و غیره هر یک جلد سالنامه بیشتر از ۱۲ ریال برای خودمان تمام شد، بدیهی است از این راه مبلغ زیادی به ما زیان رسید، معذرا به این موضوع چندان اهمیتی نمی‌گذاریم زیرا هم ما می‌توانیم این خسارت را تحمل کنیم و هم خریداران محترم می‌توانند اگر عیب و نقصی در سالنامه به نظرشان برسد اغماض نمایند...»^{۳۵}

گفتنی است که در ۱۳۱۱ خورشیدی یک سالنامه به زبان فارسی با عنوان سالنامه کابل به همت یک انجمن ادبی به همین نام منتشر شد. ۱۴ شماره این سالنامه در کتابخانه‌های معتبر موجود است.

احمد تمدنی در مشهد با سرمایه اداره معارف و اوقاف خراسان «سالنامه تمدن در سال ۱۵-۱۳۱۴» را در سال ۱۳۱۵ به قطع خشتی در ۱۳۸ صفحه در چاپخانه خراسان چاپ و منتشر کرد. گویا شماره دوم این سالنامه با عنوان «سالنامه تمدن رضائیه فراهم آورده: احمد تمدنی کارمند اداره فرهنگ آذربایجان غربی» در فروردین ۱۳۱۸ در چاپخانه های تهران طبع شد. متن سالنامه، چاپ طلوع بود و جلد آن در مطبعه مجلس به چاپ رسید.

لیون میناسیان نوشته است که: «مارت (نبرد) مجله ماهانه ای بود که به سالنامه تبدیل شد. این سالنامه از «۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸ م.» در تبریز انتشار می یافت».^{۳۶}

سالنامه مؤسسات علمی و فلاحی کرج «بنگاه علمی فلاحی کرج» در سال تحصیلی ۱۶ - ۱۳۱۵ انتشار یافت. دومین شماره این سالنامه در سال تحصیلی بعد در ۱۸۹ صفحه در قطع ۱۶×۲۳ به همت احمد شبان منتشر شد. ناشر این دو شماره سالنامه، دانشکده و دبیرستان فلاح کرج بود.

عبدالباقی تهرانیان و قاسم تهرانیان در سال ۱۳۱۶ خورشیدی سالنامه شرق ایران (شرق) را در مشهد در ۴۳۲ صفحه جیبی در دو قسمت منتشر کردند. این سالنامه در سال های بعد با عنوان سالنامه شرق در تهران به طبع رسید و در مشهد و سایر شهرهای کشور توزیع شد. بهای این سالنامه «اجتماعی، اداری، اقتصادی، فرهنگی، علمی» قبل از انتشار ۶ ریال و بعد از انتشار، ۷ ریال بود. شماره ۶ این سالنامه (۱۳۲۱ ش.) در کتابخانه مرکزی استان قدس رضوی موجود است. در شماره دوم (۱۳۱۷ ش.) سالنامه شرق آمده است:

«سیاس خداوند جل شانہ که ما را توفیق فرمود تا دومین سالنامه خود را که موسوم است به سالنامه شرق انتشار دهیم. سال اول این

سالنامه به نام سالنامه شرق ایران در سال پیش با همین قطع در خراسان منتشر گردید و از آثار قلمی ادبا و فضلی ایران نیز بهره‌مند شده و مقالات و اشعار و مباحث و مطالب گوناگون مخصوصاً تاریخ خراسان در آن اندراج یافت، و از هر جهت مورد قبول ارباب ذوق و محل توجه اهل دانش قرار گرفت و در اطراف و اکناف ایران و بیرون از ایران به سرعتی که انتظار نمی‌رفت، پذیرفته آمد.

این تشویق عمومی و قدردانی کلی موجب آن شد که امسال نیز با وسایلی کافی‌تر و اسبابی از هر جهت فراهم‌تر با کاغذ و طبع اعلی به نشر دومین سالنامه شرق مبادرت ورزیم، و تا جایی که ممکن است در نفاست و تزیین آن سعی وافی و جهد کافی مبذول داریم و به حکم ناموس تکامل در تکمیل آن کوشش نماییم. بدیهی است که چون امسال این سالنامه در سواد اعظم کشور و پایتخت طهران تدارک و طبع می‌شود ما را به این معنی نوید می‌دهد که بتوانیم در آتیه بهتر و بیشتر از آثار دانشوران و ادبای نامی که غالباً در مرکز رحل اقامت افکنده‌اند [استفاده کنیم] ... فایده این قبیل سالنامه‌ها بسیار است و مجال آن نیست که بر طریق استقصای کامل از فواید و نتایج بی‌شمار آن بحث نمود. همین اندازه گفتن کافی است، که دوره این سالنامه‌ها گذشته از این که دارای تقویمی است که در هر مورد به کار می‌آید حاوی مطالب گوناگون و مباحث علمی و جامع اطلاعات و آگاهی‌های پرفایده و سودمند و دارای شرح وافی از اخبار کشور و تاریخ خلاصه واقعات و حوادث دنیا است که هر کس چند سال پی در پی از این سالنامه داشته باشد می‌تواند از حقایق تاریخی و ترقیات همان سنوات به طریق موجز و مرتب آگاه گردد و صاحب کتابی سودبخش و دفتری مشغول‌کننده شود که هیچ‌وقت کهنگی را در آن راه نباشد و مورخان آینده را راهنمای صادق شمرده آید. در

ایران از قدیم‌ترین ازمینه تاریخی به شهادت نوشته‌های هرودت و سایر مورخان یونانی و رومی و ایرانی، تدارک روزنامه‌ها و سالنامه‌ها، از امهات وظایف بوده و در دربارهای شهنشاهان هخامنشی و پارت ساسانی اشخاصی موظف بوده‌اند که هر واقعه عمده یا هر سخن قیمتی یا هر کار برجسته را روزبه‌روز یادداشت کرده و این روزنامه‌ها را در خزینه سلطانی مضبوط می‌داشته‌اند. و در آخر هر سال با تجمع و گرد کردن آن روزنامه‌ها، سالنامه مفیدی تدارک دیده و آن را ضبط خزانه می‌نموده‌اند و گاهی هم به امر شاهنشاه بر سینه کوه نقر و کتیبه می‌نموده‌اند که کتیبه بیستون یکی از آن یادگارها است. پس تهیه سالنامه یکی از موارد بزرگوار و یادگار پدران نامدار ما ایرانیان است...»^{۳۷}

ذبیح‌الله قدیمی نیز سالنامه آریان را در ۱۳۶ صفحه با قطع جیبی در سال ۱۳۱۷ خورشیدی انتشار داد. انتشار این سالنامه با وقفه‌هایی در دهه‌های بعد نیز ادامه داشت. آریان حاوی مطالب اجتماعی، ادبی، تاریخی و علمی بود و ابتدا در مشهد و سپس از سال سوم تا سال ۱۳۵۶ در تهران طبع و نشر شد.

مؤسسه سرم‌سازی حصارک نیز در سال ۱۳۱۷ نخستین شماره سالنامه این مؤسسه را انتشار داد. نشر این سالنامه با نام‌های مختلف تاکنون استمرار داشته است. این سالنامه نیم قرن پس از حیات در پاره‌ای از سال‌ها به دو زبان انگلیسی و فرانسوی همراه با چکیده فارسی با نام آرشیو مؤسسه رازی به مدیریت کاظم حافظیان و چندی نیز با مدیریت علی‌اکبر محمدی منتشر شد.

به دنبال تغییر نام وزارت معارف و اوقاف به وزارت فرهنگ در سال ۱۳۱۷، سالنامه این وزارتخانه با عنوان سالنامه و آمار وزارت فرهنگ چاپ و منتشر شد. این سالنامه در اداره آمار اداره کل نگارش تهیه

می‌شد. ذکر این توضیح ضروری است که سالنامه‌های این وزارتخانه از سال ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۹ با عنوان وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، از سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۷ با نام وزارت معارف و اوقاف، از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۴۳ با عنوان وزارت فرهنگ و از سال ۱۳۴۳ تاکنون با عنوان وزارت آموزش و پرورش چاپ و منتشر شده‌اند.

از ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ از میان سازمان‌های وابسته به دولت که سالنامه منتشر کرده‌اند مؤسسه‌های فرهنگی، دانشکده‌ها و مراکز آموزشی به‌ویژه دبیرستان‌ها پیشی دارند.

دارالمعلمین عالی که بعدها دانشسرای عالی نام گرفت از سال ۱۳۱۱ خورشیدی «کلپ سالنامه دارالمعلمین عالی» را تأسیس کرد و همه‌ساله سالنامه انتشار می‌داد. نخستین شماره این سالنامه با عنوان سالنامه دارالمعلمین عالی در سال ۱۳۱۲ در ۸۰ صفحه منتشر شد. این سالنامه که حاوی مطالب اجتماعی، خبری و بهداشتی بود در سال‌های بعد با عنوان دانشسرای عالی و به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شد. از دیگر دانشکده‌هایی که در این دهه سالنامه منتشر کردند می‌توان از دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی نام برد. بر صفحه عنوان نخستین مجلد از سالنامه این دانشکده عبارت «سالنامه ۱۳۱۳-۱۴» آمده بود. این سالنامه اگرچه نامرتب منتشر می‌شد ولی با چند وقفه در دهه‌های بعد نیز استمرار یافت. به عنوان مثال شماره هفتم این سالنامه در سال ۱۳۲۸ خورشیدی انتشار یافت.

سالنامه معارف اراک (عراق عجم) و سالنامه معارف اصفهان نیز در سال ۱۳۱۴ انتشار یافتند.

از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ خورشیدی مراکز آموزشی ذیل نیز سالنامه منتشر کردند:

سال ۱۳۱۴: سالنامه‌های دبیرستان ایران‌شهر تهران (صفحه ۱۴۷)؛ دبیرستان تجارت تهران (۵۶ صفحه)؛ دبیرستان شاهرضا مشهد (۱۰۳ صفحه).

سال ۱۳۱۵: سالنامه‌های دانشسرای ایران‌دخت تبریز (صفحه شمار گوناگون)؛ دبیرستان ایران‌شهر تهران (۱۲۹ صفحه)؛ دبیرستان پهلوی تهران (۲۶۰ صفحه)؛ دبیرستان علمیه تهران (۲۵۲ صفحه)؛ دبیرستان فردوسی مشهد (۱۴۴ صفحه)؛ دبیرستان کیخسرو یزد (۸۲ صفحه «به همت پرویز نسیمی»؛ همچنین در این سال سالنامه معارف فارس ۱۵-۱۳۱۴ در ۱۲۶ صفحه در قطع وزیری و سالنامه دبستان صبا تبریز (تاریخچه صدساله دبستان صبا از ۱۲۱۴ تا ۱۳۱۴) منتشر شدند.

سال ۱۳۱۶: سالنامه‌های معارف کردستان «نشریه کانون سالنامه دبیرستان شاهپور سنندج» (۸۲ صفحه)؛ «دبیرستان شاهدخت پهلوی» رضاییه (۹۱ صفحه).

سال ۱۳۱۷: سالنامه‌های دانشسرای مقدماتی پسران کرمان (۹۶ صفحه)؛ دبیرستان ایران‌شهر یزد (۸۳ صفحه «به همت احمد طاهری»، کتاب تاریخ یزد تألیف احمد طاهری رئیس دبیرستان ایران‌شهر یزد در ۲۲۳ صفحه به ضمیمه این سالنامه منتشر شده است)؛ دبیرستان مارکار یزد (صفحه‌شمار گوناگون).

سال ۱۳۱۸: سالنامه‌های دبیرستان فردوسی بندر انزلی (۵۴ صفحه «به تصحیح رضا دادرسی»؛ دبیرستان پهلوی قزوین (۸۹ صفحه).

سال ۱۳۲۰ نیز سالنامه‌های دانشسرای پسران تبریز (۷۶+۱۱۰ صفحه)؛ دبیرستان ایران‌شهر شاهرود (۸۷ صفحه)؛ دبیرستان شاهپور کرمانشاه (صفحه‌شمار گوناگون) منتشر شدند. پس از ۱۳۲۰ شمار سالنامه‌های آموزشگاه‌ها و دیگر مراکز آموزش عالی و دولتی سیر

صعودی داشت، که در این مختصر ادامه مطلب را با نظری به سالنامه‌های عمومی دنبال می‌کنم و به ذکر نامنامه دیگر سالنامه‌ها، از جمله سالنامه‌های مراکز آموزشی در پایان این نوشتار بسنده خواهم کرد.

۱۳۲۱ تا ۱۳۵۷ش: در سال ۱۳۲۱ سالنامه میهن‌پرستان از سوی کانون مطبوعات حزب میهن‌پرستان و با هزینه و مدیریت محمدشفیع امیر توسلی نماینده حزب میهن‌پرستان در بابل منتشر شد. این سالنامه پس از سه سال به سالنامه میهن تغییر نام داد. دلیل این تغییر نام را در سالنامه سال ۱۳۲۴ «اتحاد احزاب چهارگانه و تشکیل حزب میهن» ذکر کرده‌اند.

سالنامه میهن سال ۱۳۲۴ در ۱۴۷ صفحه جیبی به مدیریت محمدشفیع امیرتوسلی دبیر حزب میهن در بابل منتشر شد. در نوروز ۱۳۲۳ منوچهر مهران صاحب امتیاز و مدیر مسؤول مجله نیرو و راستی، به سردبیری منیر مهران نخستین شماره سالنامه نیرو و راستی را منتشر کرد. شماره ۶ این سالنامه ورزشی در سال ۱۳۲۹ منتشر شد. در اینجا ذکر این نکته نیز ضروری است که در روزنامه اطلاعات ۲۶ تیر ۱۳۲۳ آمده است: «سالنامه آزادگان در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۲۴ منتشر می‌شود بهاء ۱۰ ریال» که نگارنده این سالنامه را در کتابخانه‌های معتبر نیافت.

در سال ۱۳۲۴ سالنامه‌های کشور ایران و دنیا انتشار یافتند. سالنامه کشور ایران را محمدرضا میرزازمائی به قطع جیبی و با صفحه‌شمار گوناگون منتشر کرد. نخستین شماره این سالنامه در عطف آن تاریخ ۱۳۲۵ را داشت. این سالنامه با سی‌وسه سال سابقه به لحاظ تداوم و استمرار در انتشار، در زمره باسابقه‌ترین سالنامه عمومی ایران محسوب می‌شود. استقبال علاقه‌مندان از این سالنامه و سالنامه

دنیا باعث شد که این دو سالنامه بارها تجدید چاپ شوند. نخستین شماره سالنامه دنیا به همت سیدعبدالکریم طباطبایی در ۲۸۸ صفحه وزیری، مصور، در فروردین ۱۳۲۴ منتشر شد.

شماره ۳۰ سالنامه دنیا که در زیر عنوان، تاریخ ۱۳۵۳ را دارد در کتابخانه های معتبر کشور موجود است. در صفحه نخست شماره ۳۰ این سالنامه زیر عنوان «صحبت کوتاهی با خوانندگان» آمده است:

«دوره سی ساله انتشار سالنامه دنیا این واقعیت را برای خوانندگان روشن کرد که شیوه ما در ددل کردن نیست و اما بحران کاغذ در سال ۱۳۵۲ به گونه ای بود که در حقیقت ما را خسارت زده ساخت. گرانی کاغذ و افزایش دستمزد چاپ، موضوع پنهانی نبوده و برای همه کسانی که با کاغذ و چاپ سروکار دارند عیان است و اما در مورد کاغذ باید بگوییم برخلاف ادعای واردکنندگان کاغذ، به راستی اجحاف کرده اند و چون یکباره بهای کاغذ روزنامه را سه برابر و کاغذ تحریر را سه برابر و نیم و کاغذ جلد را بیش از سه برابر ترقی دادند و خلاصه اینکه بهای کاغذ و گراور و چاپ و صحافی هر نسخه سالنامه ۱۳۵۳ دنیا با تقویم بغلی پیوست آن سه برابر سال قبل بوده که از طرف اداره سالنامه دنیا پرداخت شد و با چنین خرج گزافی، سالنامه دنیا به همان قیمت ۳۰ سال قبل که قیمت ها ۲۰ درصد کنونی بود به دست شما خوانندگان ارجمند می رسد».^{۲۸}

گفتنی است که سالنامه دنیا مجموعه کم نظیری از خاطرات دولتمردان پیشین ایران را دربردارد. خوشبختانه در سال ۱۳۷۷ به کوشش محمد گلبن و به وسیله مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران فهرست این سالنامه انتشار یافته که پژوهشگران می توانند از آن استفاده کنند.

فهرست سی ساله سالنامه دنیا ۲۶۴ صفحه وزیری است. در این

فهرست پس از «زندگی نامه سیدعبدالکریم طباطبایی» و «سیدعبدالکریم طباطبایی و سالنامه دنیا» مندرجات سالنامه یاد شده رده‌بندی موضوعی شده است: «آب و برق»، «افریقا»، «آمریکا»، «ادبیات»، «ادیان»، «انگلستان»، «اقتصاد و دارایی»، «اوضاع اجتماعی»، «اعتیاد و قاجاق»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «جنگ»، «جهانگردی»، «جمعیت‌شناسی»، «جغرافیا»، «حمل و نقل»، «حوادث طبیعی»، «حیات وحش»، «خبرهایی از انقلاب ...»، «دادگستری»، «داستان کوتاه»، «رادیو و تلویزیون»، «زبان و زبان‌شناسی»، «زنان»، «سازمان ملل متحد و شورای امنیت»، «سد و سدسازی»، «سرمقاله‌های سردبیر»، «سیاسی»، «شرح احوال و خاطرات رجال»، «شوروی»، «صنایع»، «علوم»، «فرانسه»، «فرهنگ‌دوستان»، «فلسفه»، «قانونگذاری»، «کشاورزی»، «مخابرات»، «مردم‌شناسی»، «مطبوعات»، «معرفی کتاب»، «میراث فرهنگی»، «نجات آذربایجان»، «نفت»، «نیروهای نظامی و انتظامی»، «ورزش»، «هنر»، «هواشناسی» و «کشورهای دیگر - آسیا» سرفصل‌های اصلی فهرست سالنامه دنیاست. پایان‌بخش متن نیز «فهرست راهنما» است. «سرمقاله‌های سردبیر» نشانگر آن است که سیدعبدالکریم طباطبایی سی سرمقاله برای سی شماره سالنامه دنیا نگاشته است. زیر مجموعه رده «فرهنگ‌دوستان» دربردارنده نامه «دوستداران سالنامه دنیا» است. همچنین سیدعبدالکریم طباطبایی در پاره‌ای از سال‌ها نامنامه‌ای از دوستداران سالنامه دنیا ارائه داده است. ۱۷ مکاتبه با سالنامه دنیا و نامنامه دوستداران در زیرمجموعه دوستداران سالنامه دنیا فهرست شده است.

از میان مقاله‌های سالنامه دنیا دو مقاله سیدعبدالکریم طباطبایی در سال اول و دوم نشر سالنامه دنیا درباره ذبیح‌الله قدیمی مدیر

سالنامه آریان که جنگ قلمی سالنامه‌نگاران در ایران است، جلب توجه می‌کند.

دیگر سالنامه‌ای که در سال ۱۳۲۴ انتشار یافت سالنامه بهداشتی بود که در ۸۱ صفحه رقی توسط اداره بهداشتی استان هفتم (فارس) منتشر شد.

در سال ۱۳۲۵ سالنامه‌های ایرانشهر، پژوهاد، تیمارستان، خراسان، دین و دانش، کمیته نانوایی‌های ایران، گیتوتیون یوآروست [دانش و هنر] و نور دانش در تهران انتشار یافتند.

سالنامه ایرانشهر را ع. صفاکیش با مطالب اجتماعی، ادبی و تاریخی در ۱۹۲ صفحه جیبی منتشر کرد.

نخستین شماره سالنامه پژوهاد با روش «علمی، بهداشتی، اجتماعی» به مدیریت احسان‌الله آزادی و سردبیری محمدکریم فرهنگ منتشر شد. این سالنامه از انتشارات باهماد آزادگان بود و دومین شماره آن در ۲۵۰ صفحه، سال ۱۳۲۶ انتشار یافت.

سالنامه تیمارستان در ۲۰۲ صفحه به مدیریت عبدالحسین میرسپاسی، اردیبهشت ۱۳۲۵ منتشر شد. شماره دوم این سالنامه نیز مرداد ۱۳۲۶ در ۱۴۹ صفحه انتشار یافت. این دو شماره سالنامه حاوی اخبار و رویدادهای سال و گزارشی از وضعیت تیمارستان‌ها بود. شماره دوم این سالنامه با این شعار منتشر شد: «در همه جا جنون، پرچم افراشته ساکنین کشورها را تهدید می‌کند».

سالنامه ورزشی خراسان، اردیبهشت ۱۳۲۵ در ۱۸۸ صفحه در چاپخانه شرکت سهامی چاپ وزیری تهران به طبع رسید. مدیر این سالنامه مهدی ریاضی بود. نخستین شماره سالنامه دین و دانش با امتیاز روزنامه ستاره غرب و به مدیریت سلیمان یونسی در سال ۱۳۲۵ منتشر شد. از سالنامه دین و دانش تا سال ۱۳۲۸ سه شماره

انتشار یافت. گیتوتیون یوآروست [دانش و هنر] نیز سالنامه‌ای فرهنگی و ادبی بود که از سوی جامعه فارغ‌التحصیلان ارمنی دانشگاه‌ها به زبان ارمنی در سال ۱۳۲۵ در تهران انتشار یافت. نخستین شماره سالنامه نوردانش را انجمن تبلیغات اسلامی به مدیریت عطاءالله شهاب پوری‌هگر در تهران انتشار داد. شماره ۲۸ این سالنامه تاریخ ۱۳۵۱ دارد. این سالنامه از زمره سالنامه‌هایی است که با اقبال عمومی مواجه شد و بعضی از شماره‌های آن را تجدید چاپ کرده‌اند. در صفحات پایانی چاپ دوم شماره هفدهم این سالنامه که در سال ۱۳۴۱ انتشار یافته است، زیر عنوان «چاپ دوم سالنامه» می‌خوانیم: «... در تاریخ ۱۹ اسفند ماه ۱۳۴۰ کلیه نسخ سالنامه را که چاپ کرده بودیم در اثر استقبال زیاد به پایان رسید و چون از آن تاریخ به بعد نیز وجوهی می‌رسید تصمیم به تجدید چاپ گرفتیم و اینک چاپ دوم سالنامه در فروردین ۱۳۴۱ منتشر می‌شود. از چاپ دوم سالنامه نیز جز چند جلدی باقی نمانده است و طالبین باید منتها تا دهم اردیبهشت وجه به مآخذ بعد از انتشار بفرستند تا ارسال گردد. امید است سال آینده نمایندگان عزیز زودتر خبر فروش سالنامه را به ما بدهند که مانند امسال ناچار به تجدید چاپ که از حیث هزینه زیان بسیار دارد نشویم. منظور ما از تحمل این زیان فقط حصول رضایت نمایندگان عزیز بوده است».^{۳۹}

شماره اول و دوم سالنامه کمیته نانوایی‌های ایران نیز به ترتیب در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ انتشار یافت.

در سال ۱۳۲۶ سالنامه‌های ایران باستان، ایران جاویدان، خورشید (خورشید ایران)، غرب، کیان و نیرو منتشر شدند. سالنامه ایران باستان به انضمام یک جلد سالنمای جیبی به بهای ۴۵ ریال توزیع شد. نخستین شماره سالنامه ایران جاویدان را نیز مؤسسه انتشاراتی

جاویدان به قطع جیبی در ۲۴۵ صفحه منتشر کرد. شماره ۱۵ این سالنامه سال ۱۳۴۰ منتشر شد. مدیر این دو سالنامه جعفر شیدیان بود. سالنامه خورشید را علی نوری زاده در ۲۹۶ صفحه مصور در همان سال در تهران انتشار داد. این سالنامه تا سال ۱۳۳۰ قطع جیبی داشت.

سالنامه غرب به مدیریت رکن الدین حجتی در ۳۵۸ صفحه جیبی با ۶۴ گراور در کرمانشاه انتشار یافت. شماره دوم این سالنامه سال ۱۳۲۷ منتشر شد.

منوچهر رجایی سالنامه کیان را با مطالب متنوع سال ۱۳۲۶ در تهران انتشار داد. شماره ۱۹ این سالنامه سال ۱۳۴۶ منتشر شد.

سالنامه نیرو با روش اجتماعی، ادبی، تاریخی سال ۱۳۲۶ با مدیریت محمدباقر نجفی در اصفهان چاپ و منتشر شد.

در سال ۱۳۲۷ سالنامه های اصفهان، جاوید، روئین، سپهر، فارس، کارون اهواز، گلچین اسلامی و جهان امروز منتشر شدند.

سالنامه اصفهان را محمود زاهدی انتشار داد. اولین و دومین شماره این سالنامه در ۲۹۴ صفحه رقمی و مصور در اصفهان منتشر شد.

سالنامه جاوید به مدیریت علی برادران ساداتی در ۲۵۴ صفحه جیبی و مصور در تهران انتشار یافت. سالنامه جاوید ۱۳۲۶ سال ۱۳۲۷ عبارت «سومین نشریه»، و سال ۱۳۲۹ که در ۳۰۰ صفحه منتشر شد «ششمین نشریه»، و سال ۱۳۳۱ که در ۳۰۱ صفحه منتشر شد عنوان «نهمین نشریه» را در زیر عنوان آورده بود. سالنامه جاوید ۱۳۳۴ با زیرعنوان «چهاردهمین نشریه» در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی موجود است.

سالنامه ورزشی روئین را نیز احمد مولا از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ در سه مجلد در شیراز انتشار داد. شماره یکم این سالنامه ۱۲۷ صفحه با

قطع پستی و شماره سوم آن در ۱۵۰ صفحه رقعی منتشر شد. انتشارات باهماد آزادگان از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ سالنامه سپهر را به مدیریت حسین یزدانیان و سردبیری محمدکریم فرهنگ منتشر کرد. این سالنامه با صفحه شمار گوناگون در قطع رقعی انتشار یافت. سال اول: ۳۰۸ صفحه؛ سال دوم: ۲۸۸ صفحه؛ سال سوم: ۳۰۰ صفحه. مطالب این سالنامه «علمی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی» بود. در «آغاز گفتار» شماره سوم این سالنامه آمده است:

«... این روزها سالنامه، سالنامه‌نویس، پراکندن سالنامه، از معنی خود، و راه خود، و خواستی که از آن در میان است یک‌باره به دور افتاده است. ما داریم سالنامه‌هایی که با سابقه‌های چندین‌ساله جز شناساندن ستاره‌های سینمایی، راه‌های گوناگون فالگیری، آوردن آخرین مد لباس اسکی، پیراهن شنا برای توده بی‌سواد و آلوده ما کاری انجام نمی‌دهند... ما سراغ داریم کسانی را که با نام سالنامه، رسیدهای پیش‌فروش پراکنده‌اند و پولی گزاف از مردم گرفته‌اند، هنوز خریداران چشم به راهند که سالنامه آن‌ها با پست برسد...»^{۴۰}

اتحادیه هنرمندان فارس با همکاری غلامحسین هاتفی سال ۱۳۲۷ سالنامه فارس را منتشر کرد. شماره سوم این سالنامه ۱۳۲۹ انتشار یافت. در صفحه عنوان این سالنامه آمده است «ادبی، اجتماعی، هنری، انتقادی، ورزشی، بهداشتی، خانه‌داری، تاریخی، باستانی و اداری».

محمدصادق والی‌پور سال ۱۳۲۷ در تهران سالنامه کارون اهواز را در ۱۲۵ صفحه جیبی مصور انتشار داد.

سالنامه گلچین اسلامی به‌وسیله محمود کاشف در ۳۰۲ صفحه رقعی در تهران انتشار یافت. سالنامه جهان امروز را منوچهر رجایی «مدیر و مؤسس» و مهدی عباسقلی «مدیر داخلی»، در ۲۵۶ صفحه جیبی

و مصور در تهران منتشر کردند. در شناسنامه این سالنامه آمده است: ناشر «انتشارات انجمن فرهنگی و مطبوعاتی جهان امروز». درباره سالنامه و سالنامه‌نگاری در نخستین شماره این سالنامه می‌خوانیم:

«سالنامه‌نگاری در کشورهای متمدن جهان یک سبک و روش خاصی دارد که بایستی کاملاً نکات آن مراعات شود اگر بخواهیم از نظر مطبوعات بسنجیم زحمت و مشقت فن سالنامه‌نگاری از تنظیم روزنامه و مجله فوق‌العاده زیاده‌تر است. سالنامه‌نگار بایستی به طور کلی حوادث و جریان امور جهان را در مدت یک سال تهیه نموده [...] در دسترس عموم قرار دهد ولی متأسفانه آن قدرها وسیله فراهم نیست که بتوان گفته‌ها را کاملاً عمل نمود. خوانندگان محترم می‌دانند هر فردی یک سبک مخصوصی در پسندیدن مطالب دارد، ما برای اینکه بتوانیم تا اندازه‌ای هر خواننده‌ای را از سبک و روش مورد پسند خود بی‌نیاز نماییم قسمت‌های متنوعی علاوه بر جریان یک‌ساله کشور و زبده‌ترین اخبار جهان در سالنامه قرار داده‌ایم که هر بخش آن مطابق ذوق و سلیقه دوستان فرهنگی قرار گیرد».^{۴۱}

سالنامه جهان امروز سال ۱۳۳۰ در ۲۵۱ صفحه با همان قطع منتشر شد. سالنامه جهان امروز ۱۳۳۲ نیز در کتابخانه شماره ۱ مجلس شورای اسلامی موجود است.

مرکز انتشارات لنگرود به مدیریت اردشیر آزموده از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۰، ۳ جلد سالنامه در قطع جیبی با عنوان عالم در تهران انتشار داد.

همچنین در روزنامه وظیفه آمده است: «کتاب سال ۱۳۲۸ حکیم الهی در هزار صفحه و چندین هزار جلد، برای دادن آگهی و خرید قبض پیش‌فروش به خیابان لاله‌زار پاساژ بهار دفتر حکیم‌الهی مراجعه فرمایید».^{۴۲} این سالنامه را نه در کتابخانه‌های عمومی یافتیم و

نه در مجموعه‌های خصوصی.

خانبابا مشار نیز در فهرست کتاب‌های چاپی فارسی نوشته است: «سالنامه جاودان در ۲۳۶ صفحه رقعی سال ۱۳۲۸ منتشر شده است».^{۴۳} این سالنامه را در کتابخانه‌های تهران نیافتم اما در فهرست مجلات موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی سالنامه‌ای با نام جاودان معرفی شده است که شماره ۱ آن سال ۱۳۲۸ در تهران منتشر شده است.^{۴۴}

سالنامه هنر نیز با مطالب هنری و اجتماعی در سال ۱۳۲۸ در تهران به زیور طبع آراسته شد.

سال ۱۳۲۹ سالنامه‌های برادران، ستاره صلح و پیام اسلام انتشار یافتند. سالنامه برادران را حزب برادران در ۱۷۱ صفحه وزیری و مصور به چاپ رساند. ستاره صلح و پیام اسلام نیز در تهران انتشار یافتند. ستاره صلح با امتیاز هفته‌نامه سیاسی و خبری ستاره صلح به مدیریت مرتضی لنگرانی در تهران منتشر شد. سعید نفیسی در سالنامه کشور ایران می‌نویسد: «روزنامه ایران وقتی سالنامه‌ای منتشر کرد [سالنامه ایران منظور نظر نفیسی از سال ۱۳۰۷ منتشر شده است]. روزنامه توفیق چند سال این روش را دنبال کرد و روزنامه کانون و اخگر اصفهان و بازپرس قزوین هم سالنامه‌هایی انتشار دادند».^{۴۵}

در فروردین ۱۳۲۹ نشریه‌ای با عنوان «سالنامه گیتی» به‌وسیله «بنگاه مطبوعاتی و بازرگانی فرهنگ» انتشار یافت که در شناسنامه آن آمده است: «هر سه ماه یک شماره منتشر می‌شود» دلیل این کار را در نخستین شماره زیر عنوان «سخنی چند با خوانندگان» این‌چنین نوشته‌اند: «... اما در خصوص طرز انتشار این سالنامه باید گفته شود که چون مطالب و مسائلی که در اینجا درج می‌گردد زیاد و چاپ

تمام آن‌ها در یک جزوه و به‌صورت یک سالنامه مستقل مشکل به‌نظر می‌رسد علی‌هذا تصمیم بر این قرار گرفته که آن را در چهار قسمت جداگانه منتشر کرده و ابتدای هر فصل از فصول چهارگانه، یک جزوه کامل و جامع که شامل سالنمای همان فصل باشد تقدیم خوانندگان عزیز نماییم. اینک اولین جزوه سالنامه مزبور که مخصوص فصل بهار می‌باشد به عنوان نمونه و ارمغان عید منتشر شده در دسترس خوانندگان قرار می‌گیرد...»^{۲۶}

در سال ۱۳۳۲ سالنامه‌های ایران نو، مه‌یاد، ماه و کانون مهندسين ایران منتشر شدند. سالنامه ایران نو را محمدحسن مقدم در ۳۰۲ صفحه رقعی انتشار داد. شماره سوم این سالنامه که سال ۱۳۳۴ منتشر شده است در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. سالنامه مه‌یاد را محمد مجدی در کرمانشاه به دو زبان فارسی و کردی در دو مجلد سال‌های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ انتشار داد. سالنامه فکاهی ماه نیز از انتشارات مجله ماه بود که به کوشش اسدالله شهریار به زیور طبع آراسته شد. این سالنامه در ۱۰۰ صفحه و به بهای ۲۵ ریال در تهران انتشار یافت. در این سالنامه آمده است: «مرام ما خندانند است زیرا خنده سرچشمه سلامت و سلامت پایه هر مرام است».

سالنامه کانون مهندسين ایران نیز با تاریخ اسفند ۱۳۳۲ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. در سال ۱۳۳۳ سالنامه‌های کانون دانش فارس (پارس)، کیهان ما و ماهتاب منتشر شدند.

کانون دانش فارس در شیراز با ۱۷۹ صفحه وزیری و مصور انتشار یافت. در زیر عنوان شماره سال بعد این سالنامه «نشریه شماره ۳» نوشته شده است.

سالنامه کیهان ما نیز در ۷ مجلد از سال ۱۳۳۳ به بعد همه ساله با قطع جیبی توسط کانون فرهنگی کیهان ما در تهران منتشر شد. در صفحه عنوان این سالنامه آمده است: «پولی که به مصرف خرید کتاب برسد جزو خرج محسوب نمی شود زیرا از بنیه مالی می کاهد و بر بنیه معنوی می افزاید». لازم به ذکر است که کانون فرهنگی کیهان ما در فروردین ۱۳۳۳ تأسیس شد.

سالنامه فکاهی ماهتاب «به گردآوری شایان» تنها یک بار و آن هم در سال ۱۳۳۳ خورشیدی در ۹۶ صفحه به بهای ۲۵ ریال چاپ و منتشر شد. نشانی این سالنامه در شناسنامه اش «بنگاه گوتنبرگ» ذکر شده است. ناگفته نماند که در سال ۱۳۳۳ یک شماره سالنامه نیز در تهران با نام «قیام بیست و هشت مرداد» انتشار یافت.

در سال ۱۳۳۴ سالنامه های امیرکبیر، کیهان و گلستان منتشر شدند. فراهم آورنده سالنامه امیرکبیر مهدی سهیلی بود. این سالنامه به کوشش وی و به وسیله مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر تهران چاپ و منتشر شد. شماره نخست این سالنامه در ۲۷۸ صفحه جیبی و مصور و دومین شماره آن در سال بعد با صفحه شمار گوناگون [۴۶۴ صفحه] انتشار یافت. کتابشناسی موضوعی ایران به سالنامه ای با عنوان سالنامه کیهان اشاره کرده اند که ۱۳۳۴ در ۲۲۴ صفحه جیبی و مصور با مدیریت محمد قورچیان در تهران منتشر شده است.^{۲۷} این سالنامه به گمانم همان سالنامه کیهان ما است که پیشتر به آن اشارت رفت.

بنگاه سالنامه گلستان به مدیریت محمدهادی جواهری سال ۱۳۳۴ سالنامه ای علمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ادبی با نام گلستان منتشر کرد. نخستین شماره این سالنامه در ۲۳۲ صفحه به «ضمیمه یک تقویم بغلی زرکوب» با بهای ۴۰ ریال توزیع شد. از این

سالنامه تا سال ۱۳۴۱ هشت جلد چاپ و منتشر شد. در سال ۱۳۳۶ سالنامه مکتب تشیع در قم و سالنامه نادر در تهران چاپ و منتشر شدند. در مقاله‌ای با عنوان «یک عمر جهاد و مبارزه خستگی‌ناپذیر: زندگینامه شهید دکتر محمدجواد باهنر از زبان خودش» آمده است:

«... نهضت تألیف و تحقیق و ترجمه کارهای مطبوعاتی تازه شکل می‌گرفت و ما به کمک چند نفر از دوستان مکتب تشیع را به راه انداختیم. از سال ۳۶ بود که سالنامه‌ای و بعد فصلنامه‌ای را منتشر کردیم و این ادامه داشت تا بعد از ۷ شماره این سالنامه را توقیف کردند... نکته جالبی را عرض کنم که آن روزها هنوز تیراژ کتاب‌ها بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ بود. اما ما خبر انتشار اولین سالنامه را اعلام کردیم و شروع به فروختن قبوض مربوطه کردیم. چون اولاً ما هیچ بودجه جهت چاپ این سالنامه نداشتیم و از طریق فروش قبوض درصدد تهیه مخارج چاپ سالنامه بودیم و طلاب هم بسیار کمک کردند و وقتی مردم صورت مقالات و نویسندگان را مشاهده کردند، به قدری استقبال شد که ما مجبور به چاپ ۱۰/۰۰۰ نسخه شدیم. ولی با این چاپ تقاضا به قدری زیاد بود که مجدداً ۵۰۰۰ نسخه دیگر هم منتشر کردیم و برای آن روز تیراژ ۱۵۰۰۰ بسیار جالب و شاید واقعاً بی‌نظیر بود به هر حال جریان تازه‌ای بود...»^{۴۸}

بر روی جلد سالنامه مکتب تشیع ۱۳۳۸ آمده است: «شماره اول». نخستین شماره سالنامه نادر سال ۱۳۳۶ در تهران چاپ و منتشر شد. ناشر این سالنامه کانون فرهنگی نادر و مدیر آن کاظم کیهانی بود. این سالنامه در سال‌های بعد نیز منتشر شد. سالنامه ۱۳۴۰ نادر با قطع جیبی در ۲۷۸ صفحه و سالنامه ۱۳۴۱ نادر به همان قطع و با ۲۸۴ صفحه منتشر شد.

سال ۱۳۳۸ سالنامه ایران به مدیریت رهنما در ۲۰۸ صفحه جیبی در تهران منتشر شد. در همان سال در مشهد رحمت‌الله وظیفه‌دان سالنامه‌ای با عنوان سالنما و راهنمای مشهد منتشر کرد. این سالنامه حاوی مطالب سیاسی، اجتماعی، ادبی و تاریخی بود. کتاب سال یا سالنامه شهرت ماه ۱۳۳۸ به مدیریت اکبر ساوجبلاغی در ۲۹۲ صفحه جیبی منتشر شد. کتاب سال ۱۳۴۹ این مؤسسه در ۳۱۰ صفحه و کتاب سال ۱۳۵۰ در ۳۲۰ صفحه انتشار یافت.

سال ۱۳۳۹ سالنامه‌های اطلاعات، امید ایران و مولن‌روژ انتشار یافتند. سالنامه اطلاعات یا اطلاعات سالانه یکی از انتشارات مؤسسه مطبوعاتی اطلاعات بود که در قطع ۲۸×۲۱/۵ با صفحه‌شمار گوناگون از سال ۱۳۳۹ چاپ و منتشر شد. بنیادگذار این سالنامه عباس مسعودی و نخستین سردبیرش حمید افرهی بود. سال‌های بعد سردبیری این سالنامه را سیامک جلالی، دکتر حسن صدر حاج سید جوادی و دیگران بر عهده داشتند. در مقدمه نخستین شماره این سالنامه آمده است:

«سالنامه یعنی مجموعه‌ای متضمن وقایع هر ساله و از نشریات سودمندی است که با مرور زمان کهنه نمی‌شود، بلکه ارزش و اهمیت آن افزوده می‌گردد. تألیف و انتشار سالنامه حتی پیش از پیدایش صنعت چاپ در ایران و سایر ممالک جهان معمول بوده که وقایع عمده هر سال را به‌طور روزانه برای اطلاع آیندگان تدوین می‌کرده‌اند و پس از آنکه چاپخانه در ایران دایر شد سالنامه به صورت منظم‌تری درآمد. مشهورترین سالنامه‌های چاپی که اکنون نیز مورد کمال استفاده است به همت مرحوم صنیع‌الدوله (بعدها اعتمادالسلطنه) وزیر انطباعات و دارالترجمه دوره ناصری تنظیم گردید... پس از مشروطیت تهیه و طبع سالنامه آن هم در پایان

سال کهنه و آغاز سال نو به شکل تازه‌تری درآمد. به این قسم که علاوه بر درج وقایع سال گذشته و تقویم سال نو مطالب مفید علمی و ادبی نیز ضمن سالنامه‌ها گنجایده شد و در واقع انتشار این نوع سالنامه‌ها اقتباس از تألیفات و سالنامه‌های غربی بود. اخیراً عده‌ای از خوانندگان نشریات اطلاعات و علاقه‌مندان به تألیف و انتشار مجموعه‌های سالانه از ما تقاضا کردند که برای رفع نیازمندی‌های عمومی در مراجعه به قوانین و مقررات و اطلاع از اوضاع و احوال حال و گذشته ایران و سایر ممالک جهان سالنامه‌ای به نام سالنامه اطلاعات منتشر سازیم. مؤسسه اطلاعات اکنون نخستین سالنامه اطلاعات را در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌دهد و تصمیم قطعی بر آن است که هر سال این مجموعه نفیس مانند سایر نشریات این مؤسسه در اثر تشویق و قدردانی علاقه‌مندان سیر تکاملی خود را پیموده سالنامه اطلاعات نیز هر سال کامل‌تر از پارسال بشود... نخستین شماره اطلاعات سالانه مشتمل بر پنج بخش است که مطالب آن‌ها با در نظر گرفتن موضوع تقسیم‌بندی شده است. هر کدام از بخش‌ها به ترتیب و به وسیله کاغذهای ألوان مشخص شده و فهرست جداگانه قسمت‌ها در اول هر بخش درج گردیده است تا خوانندگان در موقع مراجعه دچار زحمت نگردند.^{۲۹}

آخرین شماره دوره اول اطلاعات سال با «شماره ۱۷ و ۱۸» در ۷۵۴ صفحه با قطع رحلی طبع و توزیع شد. در شناسنامه «شماره ۱۷ و ۱۸» نوشته‌اند: «مدیر و صاحب امتیاز: فرهاد مسعودی» و به دنبال آن «همکاران این شماره در تهیه و نگارش مقالات، ترجمه، عکس، طرح، کاریکاتور، میزآیناژ، آگهی، رپورتاژ، تصحیح، امور فنی و چاپ» را قید کرده‌اند. مؤسسه اطلاعات پس از سال‌ها وقفه، در سال ۱۳۸۵ دوره جدید اطلاعات سال را منتشر کرد.

در سال ۱۳۳۹ نیز با امتیاز مجله سیاسی، اجتماعی امید ایران (صاحب امتیاز و مدیر مسئول علی‌اکبر صفی‌پور، سردبیر مهدی فشنگچی) سالنامه امید ایران با قطع رقعی در ۳۳۵ صفحه مصور در تهران منتشر شد. شماره دوم این سالنامه نیز به کوشش مهدی فشنگچی در ۴۱۶ صفحه جیبی با قیمت ۵۰ ریال انتشار یافت. از فروردین سال ۱۳۳۹ به مدت پنج سال، سالنامه‌ای به نام مولن‌روز انتشار یافت که بیشتر مطالب آن تبلیغ فیلم‌های وارداتی بود.

از سال ۱۳۴۰ به مدت سه سال سالنامه ایساتیس در یزد منتشر شد. مدیر این سالنامه غلامرضا کریمی بود. در همان سال، نخستین شماره سالنامه معارف جعفری در قم منتشر شد. مدیر این سالنامه احمد محصل یزدی و ناشر آن انتشارات جعفری بود. شماره ۱۵ این سالنامه در سال ۱۳۵۴ انتشار یافت.

نخستین شماره سالنامه ایران آلماناک در سال ۱۳۴۰ به زبان انگلیسی به‌وسیله ایران اکو منتشر شد. در همین سال ایرج نوریان قادیکلایی و علی عباسی سالنامه پیک شمال را در ۱۸۴ صفحه رقعی منتشر کردند. ناشر این سالنامه مؤسسه مطبوعاتی پیک شمال بود. شماره سوم این سالنامه با همان قطع در ۲۱۰ صفحه «به ضمیمه یک جلد تقویم مجانی» در سال ۱۳۴۲ منتشر شد.

در سال ۱۳۴۱ سالنامه‌های کیهان، رافی، تاره‌گیرک انتشار یافتند. بنیان‌گذار کتاب سال کیهان یا کیهان سالانه که از سال ۱۳۴۹ به کیهان سال تغییر نام داد، دکتر مصطفی مصباح‌زاده بود. مدیر این سالنامه حسن قریشی و سردبیری آن را - از سال ۱۳۴۳ - محمود پورشالچی عهده‌دار شد. نخستین شماره این سالنامه که در زیر عنوان آن «اولین دایره‌المعارف اجتماعی و راهنمای عمومی در ایران» به

چشم می‌خورد، در ۹۵۸ صفحه با قطع رحلی به «بهای ۲۶۰ ریال» توزیع شد. در این شماره نوشته‌اند:

«خواننده عزیز کتابی که در دست دارید هدیه تازه دیگری است که از طرف سازمان چاپ و انتشارات کیهان به شما تقدیم می‌شود. این کتاب که به صورت یک دایره‌المعارف اجتماعی و راهنمای عمومی برای اولین بار در ایران تهیه گردیده در مجموعه کارهای مؤسسه کیهان و در نوع خود کار تازه و بی‌سابقه‌ای است. نام این کتاب را کتاب سال گذاشته‌ایم و از آن جهت که آن را وسیله دست شما برای یک سال و برای همیشه قرار دهیم و هدف ما در تنظیم این کتاب آن بوده است که برای کاری تازه اساسی نو نهاده باشیم ... کتاب سال کیهان در ماه اول هر سال منتشر می‌شود. امیدواریم کتاب امسال خدمتگزار روزهای پیروزی و کامکاری شما باشد و نیز آرزو داریم که کتاب آینده‌ما به یاری راهنمایی‌های شما، کامل‌تر، جامع‌تر و نفیس‌تر از آنچه امروز هست به مردم ارجمند ایران عرضه گردد و افتخار نشر چنین کتابی در ایران برای مؤسسه کیهان به یادگار بماند.»^{۵۰}

شماره ۱۵ دوره اول کیهان سال در سال ۱۳۵۵ انتشار یافت. سالنامه تازه‌گیرک یا سالنامه رافی در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ به زبان ارمنی در تهران منتشر شد. سردبیر و ناشر این سالنامه تاجات بوغوسیان بود. گویا در کتابخانه و موزه کلیسای وانک جلفای اصفهان نیز سالنامه رافی ۱۳۴۸، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ موجود است.^{۵۱}

در سال ۱۳۴۱ به مناسبت آغاز یازدهمین سالگرد مجله هفتگی تهران اکونومیست، دکتر باقر شریعت مدیر این مجله، تصمیم گرفت که افزون بر انتشار مجله هفتگی و چند نشریه دیگر، یک سالنامه هم منتشر کند. نخستین سالنامه تهران اکونومیست / تهران اکونومیست

سالانه/ در نوروز ۱۳۴۲ به مدیریت وی و سردبیری محمدحسین یزدانفر منتشر شد. در سال‌های بعد سردبیر این سالنامه محمدمهدی بهشتی‌پور بود. آخرین شماره این سالنامه در نوروز ۱۳۵۱ منتشر شد. در چهارمین شماره سالنامه تهران اکونومیست (نوروز ۱۳۴۵) می‌خوانیم:

«... برای اولین بار تصمیم گرفتیم سالنامه را در دو جلد منتشر نماییم که جلد دوم در پایان خرداد منتشر خواهد شد زیرا یک سالنامه باید مهم‌ترین و آخرین آمار سال را داشته باشد و این باید چند ماه پس از پایان سال انجام گیرد... برای اینکه سالنامه ما واقعاً حاوی کلیه آمار و ارقام باشد تصمیم گرفتیم... جلد دومی را هم هر سال منتشر نماییم».^{۵۲}

نخستین شماره دوره دوم سالنامه فکاهی توفیق با ۱۱۲ صفحه و بهای ۳۰ ریال فروردین ۱۳۴۲ چاپ و منتشر شد. آخرین شماره دوره دوم این سالنامه، شماره ۱۰ بود که در ۱۲۲ صفحه و به قیمت ۴۰ ریال در سال ۱۳۵۱ چاپ و منتشر شد. این سالنامه در طول یک دهه، منظم، یا شب چهارشنبه‌سوری و یا عید نوروز انتشار می‌یافت. چنانچه پیشتر اشاره شد توفیق پیش از ۱۳۴۲ در دهه نخست سال انتشار مجله توفیق نیز، سالنامه منتشر کرد.

گویا نخستین شماره دوره دوم سالنامه کانون مهندسين ايران نیز به مدیریت حسن ایزدی دربردارنده مطالب علمی، صنعتی و اقتصادی بود که در سال ۱۳۴۲ و شماره دوم آن در ۱۳۴۳ منتشر شد.

از دیگر سالنامه‌های دهه چهل سالنامه بورس بود که از سال ۱۳۴۲ به مدیریت یوسف رحمتی انتشار می‌یافت. این سالنامه اقتصادی از سلسله انتشارات روزنامه و ماهنامه بورس بود. در سال ۱۳۴۴ دو عنوان سالنامه در ایران وارد بازار نشر مطبوعات

شد؛ سالنامه جوانان و کتاب سال تالار ایران. سالنامه جوانان در ۳۰۱ صفحه جیبی در قم به مدیریت ناصر مکارم شیرازی منتشر شد. ناشر این سالنامه «مجمع علمی نجات نسل جوان» بود. دو شماره از این سالنامه در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی موجود است که تاریخ ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ را دارند. کتاب سال تالار ایران نیز در تهران به قطع رقعی در ۱۵۶ صفحه مصور انتشار یافت. در شناسنامه این سالنامه که حاوی مطالب هنری و ادبی است صاحب امتیاز و ناشر: تالار ایران و سردبیر: پاکباز و جودت ذکر شده است.

سال ۱۳۴۵ جواد کلهر سالنامه ورزش و زندگی را در ۱۴۳ صفحه با قطع پستی بزرگ در تهران انتشار داد. در همان سال سازمان زنان ایران سالنامه زنان ایران را در ۱۷۲ صفحه رقعی در تهران منتشر کرد. در شناسنامه این سالنامه آمده است: تهیه و تنظیم از «اکواف ایران».

همچنین سال ۱۳۴۵ سالنامه پیام اسلام «با سرمایه انتشارات پیام اسلام» در قم منتشر شد. این سالنامه حاوی مطالب دینی، تحقیقی و اجتماعی بود. شماره ششم این سالنامه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

۱۳۴۵ در مشهد سالنامه معارف اسلام و قرآن به مدیریت سید حسین موسوی خراسانی انتشار یافت.

ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در سال ۱۳۴۵ سالنامه‌ای با عنوان اندیشه دانشجو به دو زبان فارسی و انگلیسی در بیروت به وسیله «دانشجویان ایرانی دانشگاه‌های بیروت» منتشر شد. این سالنامه دربردارنده مطالب علمی، ادبی و هنری بود. سه شماره از سالنامه اندیشه دانشجو در کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی و کتابخانه مرکزی فارس موجود است.

نوروز ۱۳۴۶ سالنامه پلیس تهران: «اولین نشریه سالانه پلیس تهران» به وسیله روابط عمومی پلیس تهران در ۵۴ + ۱۴۰ صفحه انتشار یافت. سرهنگ دوم مجتبی سجادی زیر عنوان «خواننده ارجمند و گرام» درباره سالنامه پلیس تهران نوشته است:

«... اگر امروز مجموعه‌ای تحت عنوان سالنامه برای اولین بار در تاریخ موجودیت پلیس بدین‌سان تقدیم آستان همگان می‌شود از این‌روست که دینی نسبت به گذشتگان ادا و خدمتی به آیندگان شده باشد و این اطمینان هست که گردآورنده فردا به صورتی قشنگ‌تر و کامل‌تر به آیندگان ما تحویل خواهد داد و همین حد در قدر و ارزش خدمتی که به عهده گرفته‌ایم ما را مسرور و دلشاد می‌دارد... مطالب این مجموعه برجسته اخبار ایران و جهان، شهربانی کل کشور، پلیس تهران، تاریخچه پلیس و رؤسای این سازمان تا آن جا که فراهم شده با موقعیت و چگونگی سازمان فعلی پلیس تهران و رؤسای واحدها و رویدادها و اطلاعاتی چند از نیازمندی‌های عمومی با تقویمی از سال نو می‌باشد که تقدیم به خوانندگان ارجمند می‌شود».^{۵۳}

فهرست صفحه «مندرجات» سالنامه پلیس تهران به این شرح است: «بخش یکم: اخبار»، «بخش دوم: نیازمندی‌ها»، «بخش سوم: تاریخچه پلیس تهران و کلاتری‌ها»، «بخش چهارم: دوائر و قسمت‌ها»، «بخش پنجم: تقویم سال ۱۳۴۶».

در سال ۱۳۴۸ نخستین شماره سالنامه تاج ورزشی در ۳۲۰ صفحه مصور با قطع پستی بزرگ به مدیریت پرویز خسروانی و زیر نظر هیئت تحریریه چاپ و منتشر شد. این سالنامه در صفحه عنوان «سالانه تاج ورزشی» و در شناسنامه «تاج سالانه» نام داشت. شماره سوم این سالنامه در سال ۱۳۵۲ منتشر شد.

در بررسی مطبوعات ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۳ آمده است:

«پردرآمدترین نوع نشریه در ایران، سالنامه است، به شرط آنکه ناشر راهش را بدانند. راهی که دو مؤسسه بزرگ مطبوعاتی در پیش گرفته‌اند. یعنی تهیه مقدار زیادی آگهی و رپورتاژ، چاپ آن‌ها به صورت یک کتاب و افزون بر آن خلاصه وقایع سال گذشته، همراه با چند داستان و سرگرمی و تصاویر رنگی و سیاه و سفید.

... تیراژ یک سالنامه به‌سختی به یک هزار نسخه می‌رسد و از این جهت در دسترس عموم قرار نمی‌گیرد. هر آگهی‌دهنده یک یا چند نسخه برای مقاصد تبلیغاتی خود تهیه می‌کند، تعدادی در آرشیوها و کتابخانه‌های خصوصی و عمومی خاک می‌خورد و بقیه می‌ماند برای روزی که کیلویی فروش رود. اگر اشتباه نکنم فقط سالنامه دنیا اوایل سال پخش می‌شود و بقیه گاه چند ماه پس از فروردین... اسامی سالنامه‌های مرتب در دهه گذشته به این شرح است: سالنامه کشور ایران، کتاب سال کیهان، کتاب سال اطلاعات، سالنامه دنیا، سالنامه ایران آلماناک (به زبان انگلیسی)، سالنامه شهرت ماه، سالنامه نور دانش، سالنامه تهران اکونومیست».^{۵۴}

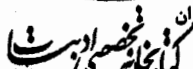
سالنامه‌های یادشده و کتاب سال آریان از جمله سالنامه‌هایی بودند که قدم در دهه ۵۰ گذارده‌اند و درمیان این عنوان‌ها اگرچه انتشار کتاب سال کیهان و اطلاعات سالانه ادامه داشت اما کماکان چون سالنامه‌های آریان، دنیا و کشور ایران منتشر می‌شدند به لحاظ سابقه پیشتاز بودند.

در نیمه نخست دهه پنجاه افزون بر سالنامه‌های دولتی و سالنامه‌های اطلاعات، کیهان، دنیا، کشور ایران و... سالنامه‌های دیگری نیز ظهور کردند. از سالنامه‌هایی که در نیمه نخست دهه پنجاه انتشار یافتند، کتاب سال فوتبال ایران بود که نخستین شماره

آن از سوی فدراسیون فوتبال ایران و با همکاری جعفر دهقان در سال ۱۳۵۳ منتشر شد. بهای این سالنامه در سال اول ۸۰ ریال بود اما دومین و سومین شماره سالنامه یاد شده که در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ منتشر شد ۱۰۰ ریال قیمت داشت.

۱۳۵۸ تا ۱۳۸۶ ش: بعد از انقلاب نخستین سالنامه به مدیریت عزیزالله جعفریان و توسط انجمن خدمات اسلامی: «مجمع دینی و تحقیقاتی و علمی» الغدیر تهران با نام ویژه‌نامه سال ۱۳۵۸ در ۷۳۶ صفحه و با قطع رقی در سال ۱۳۵۹ منتشر شد. شماره دوم این سالنامه نیز با همان قطع، سال ۱۳۶۰ با عنوان ویژه‌نامه سال ۱۳۵۹ انتشار یافت. مطالب این سالنامه علمی، سیاسی و مذهبی بود. کتاب سال پرهام در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ در دو مجلد منتشر شد. در آغاز سخن کتاب سال ۱۳۶۰ پرهام می‌خوانیم:

«کتاب سال ۱۳۶۰ پرهام که اینک تقدیم شما می‌شود نخستین گام در راهی است که سازمان‌های انتشاراتی و فرهنگی کشورهای پیشرفته جهان سابقه پنجاه‌ساله و صدساله در آن دارند... البته این نخستین باری نیست که در ایران، مؤسسه‌ای مبادرت به انتشار کتاب سال می‌نماید [دیگران سال‌ها پیش] مبادرت به انتشار کتاب‌های سال نموده‌اند. لیکن متأسفانه با همه امکاناتی که در اختیار داشته‌اند هدف آن‌ها از انتشار کتاب سال بیشتر نشر رپرتاژ و آگهی بوده و کسانی که این کتاب‌های قطور و پرورق را دیده‌اند به زحمت مطلب ارزنده و درخور توجهی در لایه‌لای آگهی‌های آن یافته‌اند. سالنامه‌های دیگری نیز که در ایران منتشر می‌شده است بیشتر حاوی اسامی اشخاص و مقامات و صاحبان مشاغل و عناوین بوده و هزینه چاپ این سالنامه‌ها هم بیشتر از جانب کسانی که نامه یا عکس آن‌ها در این نشریات بوده تأمین می‌شده است. اما هدف ما از



انتشار کتاب سال، به همان معنی و مفهوم است که کتابی با چنین نام و عنوان در کشورهای پیشرفته جهان دارد...^{۵۵}

نخستین شماره کتاب سال پرهام در ۳۵۲ صفحه وزیری و دومین شماره در ۳۴۴ صفحه با همان قطع در تهران منتشر شد.

سال ۱۳۶۳ کتاب سال ورزش ۱۳۶۲ از سوی انتشارات پارس ورزش و به کوشش ناصر مفخم، بهمن صفوت و علیرضا باری پور در تهران منتشر شد. در همان سال سالنامه رسمی فدراسیون والیبال به مدیریت حسین علیرضایی تهرانی و سردبیری جمشید آریا و قدرت الله سالخورده در تهران منتشر شد. در سال های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ از سوی روزنامه خبر جنوب، کتاب سال خبر جنوب در دو مجلد با قطع رحلی در شیراز به طبع رسید. این دو شماره سالنامه به همت حسین واحدی پور مدیر روزنامه خبر جنوب انتشار یافت. سال ۱۳۷۷ گردانندگان خبر جنوب در تدارک خبر سال بودند که در سال ۱۳۷۸ با عنوان خبر سال: ایران ۷۷ در آینه مطبوعات به همت محمود مصور رحمانی در ۷۸۴ صفحه رحلی بزرگ با قیمت ۸۰۰۰ تومان چاپ و منتشر شد. این سالنامه از سال بعد به طور مستقل به اهتمام محمود مصور رحمانی انتشار یافت. ایران ۷۸ در آینه مطبوعات در دو مجلد، ایران ۷۹ در آینه مطبوعات در چهار مجلد، ایران ۸۰ در آینه مطبوعات در هشت مجلد تدوین شد و گفته می شود ایران ۸۱ در آینه مطبوعات در حال آماده سازی است.

سال ۱۳۶۴ شرکت چاپ و انتشارات کیهان (مؤسسه مطبوعاتی کیهان) جلد اول از دوره جدید کیهان سال را منتشر کرد. در آغاز شماره نخست دوره جدید این سالنامه می خوانیم:

«... کتاب حاضر گرچه نخستین دوره از سال ۱۳۵۵ به این طرف است ولی عمدتاً نگاه به رویدادها، حوادث و مسائل سال ۱۳۶۴ و

به‌ندرت تا اوایل ۶۵ دارد و تنها در برخی مقوله‌ها به سال‌های گذشته و گذشته‌های دورتر برخورد پیدا می‌کند، زیرا پرداختن به همه گفتمانی‌های دهه اخیر در گنجایش این کتاب و حتی یکی دو کتاب دیگر با این حجم و ظرف زمانی نیست...»^{۵۶}

نخستین مجلد دوره دوم این سالنامه با صفحه‌شمار گوناگون در ۱۱ بخش ارائه شد. شماره دوم این سالنامه که ویژه سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ نام گرفته بود در دو مجلد منتشر شد. جلد اول آن زیر نظر هادی خانیکی و محمدمهدی فرقانی با بیش از ۸۶۴ صفحه انتشار یافت و جلد دوم زیر نظر محمدمهدی فرقانی در بیش از ۸۸۸ صفحه منتشر شد. در جلد اول این مجموعه «نگاهی به رویدادهای کشور»، «گزارش و گفتگو»، «جهان سیاست»، «کارنامه ۲ ساله مؤسسات خصوصی و دولتی»، «هنر و ادبیات» آمده بود و بخش‌های جلد دوم عبارت بود از «گوناگون»، «تازه دانش»، «کارنامه ۲ ساله مؤسسات خصوصی و دولتی»، «فرهنگ و اندیشه» و «چشم‌انداز اقتصاد».

از سال ۱۳۶۴ هفته‌نامه العمل الاسلامی وابسته به سازمان عمل اسلامی عراق در دهه اول محرم، سالنامه عاشورا را به زبان عربی در تهران منتشر کرد. صاحب امتیاز و مدیر مسئول این نشریه عبدالحسین اسدی و سردبیر آن نزار حیدر بود.

شرکت مطبوعاتی و تحقیقاتی فراندیش سال ۱۳۶۶ ابتدا سالنامه‌ای با عنوان رویدادهای سال ۱۳۶۵ در ۴۴+۲۶۲ صفحه رحلی منتشر کرد و سال بعد سالنامه دیگری با عنوان رویدادهای سال ۱۳۶۶، در تهران انتشار داد. این سالنامه حاوی «رویدادهای سال ایران»، «سرگذشت شخصیت‌های صاحب‌نامی که در طول سال بدرود حیات گفته‌اند»، «جهان در سالی که گذشت»، «تصویری از ۱۷۴ کشور جهان همراه با داده‌های آماری، پرچم و نقشه جغرافیایی هر کشور»

است. رویدادهای سال ۱۳۶۶ «کرونیک ۶۶» در ۱۹۸ صفحه مصور منتشر شد.

سال ۱۳۶۷ مؤسسه گروه نشریات علمی و تحقیقاتی علم الکترونیک و کامپیوتر به مدیریت فرامرز علیزاده مقدم نخستین شماره سالنامه «علم الکترونیات و الکتونیور» را به دو زبان عربی و انگلیسی با شمارگان ۲۰,۰۰۰ هزار نسخه منتشر کرد. این مؤسسه مجموعه انتشارات سالانه خود را در سالهای بعد با نام سالنامه ۱۳۷۰ اختصاصی مدارات الکترونیک، سالنامه ۱۳۷۰ اختصاصی سیستمهای کامپیوتر، سالنامه ۱۳۷۰ اختصاصی کامپیوترهای خانگی، سالنامه ۱۳۷۱ اختصاصی سیستمهای کامپیوتری و... سالنامه ۱۳۷۱ اختصاصی تجارت ایران منتشر کرد.

کیومرث صابری (گل آقا) به دنبال انتشار مجله هفتگی و مجله ماهانه گل آقا، سال ۱۳۷۰ سالنامه گل آقا را انتشار داد. گل آقا در مقدمه نخستین شماره «بانی سالنامه» را «شاغلام» ذکر کرده بود. سالنامه گل آقا تاکنون پانزده شماره در قطع رحلی عرضه شده است:

شماره ۱، ۱۳۷۰، ۲۲۴ صفحه؛ شماره ۲، ۱۳۷۱، ۱۶۲ صفحه؛
شماره ۳، ۱۳۷۲، ۱۸۶ صفحه؛ شماره ۴، ۱۳۷۳، ۲۳۲ صفحه؛ شماره ۵، ۱۳۷۴، ۱۶۶+۶ صفحه؛ شماره ۶، ۱۳۷۵، ۱۹۲ صفحه؛ شماره ۷، ۱۳۷۶، ۱۶۸ صفحه؛ شماره ۸، ۱۳۷۷، ۲۰۲ صفحه؛ شماره ۹، ۱۳۷۸، ۱۹۲ صفحه؛ شماره ۱۰، ۱۳۷۹، ۱۸۴ صفحه؛ شماره ۱۱، ۱۳۸۰، ۲۴۰ صفحه؛ شماره ۱۲، ۱۳۸۱، ۲۰۸ صفحه؛ شماره ۱۳، ۱۳۸۲، ۲۰۸ صفحه؛ شماره ۱۴، ۱۳۸۳، ۲۱۶ صفحه؛ شماره ۱۵، ۱۳۸۴، ۲۰۸ صفحه؛ شماره ۱۶، ۱۳۸۵، ۱۶۸ صفحه.

سالنامه گل آقا براساس سنت سالانه در پایان هر سال توزیع می شود

و از حیث ترتیب انتشار در زمره سالنامه‌های منظم تاریخ ایران است. سالنامه گل آقا در سال بازدهم (۱۳۸۰) «فهرست مندرجات و نمایه سالنامه گل آقا» (از شماره ۱ تا ۱۰، ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹) «گردآوری و تنظیم سیدفریدقاسمی (و) پرتو حسینی‌زاده» را منتشر کرد. نمایه دهساله گل آقا نشانگر آن است که در دهه نخست انتشار سالنامه گل آقا آثار و گفتارهایی از افراد ذیل در این سالنامه می‌توان خواند:

بیژن ابهری، منوچهر احترامی، احمد اخوت، ریتا اصغرپور، ایرج افشار، اسدالله امرایی، ناصر ایرانی، محمدابراهیم باستانی پاریزی، محمدعلی بنی‌اسدی، محمد مهدی بهشتی‌پور، جهانگیر یارساخو، پیمان پاکشیر، ناصر پاکشیر، مسعود پرتوی، رافی پطروسیان، محمدتقی پور احمد جکتاجی، محمد پورثانی، ذبیح‌الله پیرقیمی، ابوتراب جلی، محمدعلی جمالزاده، ابوالقاسم حالت، بزرگمهر حسین‌پور، بهاء‌الدین خرمشاهی، محمد خرمشاهی، پرویندخت خطیبی، محمد خواجه‌پور، عباس خوش‌عمل، کامبیز درم‌بخش، ولی‌الله درودیان، نجف دریابندری، علی دیواندری، علی رادمند، بهمن رضایی، جلال رفیع، رضا رفیع، ابوالفضل زرویی‌نصرآباد، حسین زیادلو، احمد سیدنا، پرویز شاپور، خسرو شاهانی، یونس شکرخواه، صابر شکبیا، صالح شکبیا، جعفر شهری، پوپک صابری، کیومرث صابری، آرمان صالحی، مریم صبور، رویا صدر، گیتی صفرزاده، عمران صلاحی، ابراهیم صهبا، محمدرفیع ضیایی، سیروس طاهباز، سیامک ظریفی، احمد عبداللهی‌نیا، احمد عربانی، جواد علیزاده، محمود عمرانی، مرتضی فرجیان، فریبا فرشادمهر، سیدفرید قاسمی، محمد قاضی، علی‌اکبر قاضی‌زاده، بهروز قطبی، پروین کرمانی، علی‌اکبر کسمایی، غلامرضا کیانی، مسعود کیمیگر، حسین گلستانی، محمدعلی گویا، محمود گیوی، غلامعلی لطیفی، مهدی مجرذزاده

کرمانی، افشین محمد، حمید محمدی، احمد مدنی، هوشنگ مرادی کرمانی، هوشنگ معمارزاده، مسعود مهرابی، داریوش مؤدبیان، ماریا ناصر، سیدابراهیم نبوی، سعید نوری نشاط، صفورا نیری، توکا نیستانی، محمود واصفی، پانته‌آ واعظنیا، حسین هاشمی، آرش همایون‌پور، اعظم یزدان‌مهر و ...

زنده‌یاد کیومرث صابری ۱۳ سال مقدمه سالنامه گل‌آقا را نوشت. آخرین مقدمه او بر سالنامه این است:

«مذمت در باب آش بی‌نمک به قدری در تواریخ مضبوط است که اگر بگوئیم نصف صفحات تاریخ را همین مطلب به خود اختصاص داده، سخنی به گزاف نگفته‌ایم، مگر به مقدار قابل قبولی. این مطلب به قدری اظهار من‌الشمس است که همگان آن را قبول دارند، مگر اطبای دارنده مدرک فوق تخصص در راستای «فشار خون» که هر امری از امور حیات آدمی را «بی‌نمک» می‌پسندند، حتی آش را که به اعتقاد جمیع عقلای ناقص‌العقل عالم، بی‌نمکش مفت نمی‌ارزد، و هکذا همین‌جور است «آش سرد»، علی‌الخصوص مقارن با ایامی که سار از درخت پریده باشد. حالا تصور بفرمایید که یک آشی، هم سرد باشد و هم بی‌نمک. اینجا دیگر آدمیزاد چاره‌ای ندارد که به جای آش سنتی، برود همان سوپ فرنگی را نوش جان نماید که معمولاً دو پیمانه آب است و یک چمچه مشکوکات شناور در آن!

آری، فلذاست که اگر آدم یک سالنامه‌ای منتشر نماید که هر سالش بهتر از سال قبل باشد و هر شماره‌اش خواندنی‌تر از شماره قبل، باز عین یک آش بی‌نمک است، اگر در ابتدایش یک مقدمه‌ای نبوده باشد و در انتهایش یک مؤخره‌ای. حال اگر شما خواننده عزیز همین مقدار را به‌عنوان «مقدمه» قبول بفرمایید، دیگر کارمان تمام‌شده تلقی می‌شود (یعنی کار دیگری نداریم مگر نگارش یک

مؤخره‌ای در صفحه پایانی سالنامه).

پس بنابراین تا شما صفحات همین سالنامه را یک مختصر قرائتی یا دست‌کم تורقی می‌فرمایید، ما می‌رویم سرنگارش «مؤخره» که اگر آن را هم بنگاریم، فی‌الواقع سر و ته و چک و چانه سالنامه ۱۳۸۲ گل‌آقا را بسته‌ایم!

امضا، گل‌آقا.

(در آستانه خروج از سال قوی نیل).^{۵۷}

اردیبهشت ۱۳۸۳ کیومرث صابری فومنی دیده از جهان فروبست و پوپک صابری فومنی - دخترش - با غیرتی مثال‌زدنی چراغ مؤسسه گل‌آقا را روشن نگاه داشت و نشریه‌ها و کتابهای مؤسسه گل‌آقا بی‌وقفه انتشار یافتند. چهاردهمین شماره سالنامه گل‌آقا با این شناسنامه منتشر شد:

بنیادگذار: کیومرث صابری فومنی، صاحب امتیاز و مدیر مسئول: پوپک صابری فومنی، مشاور اجرایی و گردآورنده آثار: ریتا اصغرپور، مشاور فنی و صفحه‌بندی: بهزاد شفایی شیرازی، طرح و اجرای جلد: امیرحسین داودی و ...

گلنسا (پوپک صابری) در «مقدمه» چهاردهمین شماره سالنامه گل‌آقا نوشت:

«هر سال اسفند ماه - در خانه طنز - اصحاب و اذناب آبدارخانه حال و هوای خاصی دارند. همه در تلاشند با نشریات نوروزی یعنی هفته‌نامه بچه‌ها ... گل‌آقا، ماهنامه و سالنامه گل‌آقا سرموقع در کیوسکهای مطبوعاتی آماده باشند. این‌ها یک طرف، مشغله‌های آخر سال تمام کردن طرح‌های نیمه‌تمام، طرح‌های پیشنهادی سال آینده و ... طرف دیگر.

چند سال است که در این میان جای زنده‌یاد هفته‌نامه گل‌آقا

خالی است و امسال جای خود گل آقا.

نوشتن مقدمه برای من که هر سال از ۲۰ بهمن ماه مسئول سالنامه یک یادداشت روی میز می گذاشت که روی آن نوشته بود: «شب در منزل به گل آقا یادآوری کن مقدمه و مؤخره سالنامه یادشان نرود.» و این یادداشت‌ها روزهای ۴ و ۵ اسفند تبدیل می شد به قسم و آیه که «سالنامه رفت برای چاپ، مقدمه و مؤخره هنوز به دست ما نرسیده!»، از هر کاری سخت تر است. ادب حکم می کند که از تمام همکاران، طنزنویسان، کاریکاتوریست‌ها، محققین که در طول سال ۸۳ ما را همراهی کردند و خصوصاً کسانی که برای سالنامه اثر دادند تشکر کنم. امسال آثار سالنامه حتی زودتر از سال‌های پیش به دست خانم اصغرپور که مسئول گردآوری سالنامه بود رسید و به گفته خودشان تعداد کسانی که در این نشریه اثر دارند از سالهای پیش بیشتر است. خدا را شکر که شرمندۀ شما خوانندگان خوب و وفادار نشدیم. همچنان منتظر پیام‌های محبت آمیز و همچنین انتقادهای پیشنهادی شما هستیم و از آنجا که عادت داریم سالنامه را که باز می کنیم مقدمه را از زبان گل آقا بخوانیم، مقدمه‌ای با قلم گل آقا را که در سالنامه ۱۳۷۳ چاپ شده و هنوز پس از ده سال تازه است و زبان حال ما، برایتان تجدید چاپ می کنیم:

گلنسا

به قلم: گل آقا

«حبذا! ما را بین الاقران، سربلند کردی. دیگر بر همه عالم ثابت شد که «حرف حساب» همین است که ما تاکنون زده، از این پس نیز خواهیم زد و حالا هم داریم می بینیم. ای نور به قبرت ببارد! می گوید: گل آقا جان! قربانت بگردم. چی چی به کجا ببارد؟ ما که عجالتاً مرحوم نشده ایم فدات شم! ما همین جا بفل دست حضرت تعالی

جلوس نموده، آن وقت سرکار عالی حواله به ناکجا آباد نموده، می‌فرمایی نور به آنجا ببارد؟ عجب! ولی تصدقت، ما از آنجا تا اینجا، یک نفس دویده، صحاری و دریاها را درنور دیده، از کوه و کمر پریده، این یک جلد سالنامه ۷۳ را همین جور داغ، از تنور چاپخانه درآورده، دو دستی روی میز مبارک گذاشته، تقدیم محضر جنابعالی نمودیم که «مشتلق» بگیریم. شما صاف زدی چشمه ذوق مان را گل گرفته، ما را بین الاقران، خیط و پیط فرمودی که! ما شما را بین الاقران، آن جوری و شما ما را بین الاقران، این جوری؟ پس معلوم می‌شود بین الاقران شما با بین الاقران ما، تومنی هفتصنار فرق و فصول دارد. ما دیگر شما را بین الاقران هیچی نمی‌نماییم. شما اصلاً فکر احساسات آدم را نمی‌نمایی. فلذا! ما را از تدارک سالنامه در سال آتی، معاف و مرخص بفرما یکی از سایر اذنان بیاید، ببینیم چند مرده حلاج می‌باشد. می‌گویم: مرد حسابی! کاغذ مجله گل آقا را به توپ بسته، تنخواه آبدارخانه را به هکذا، تازه دو قورتونیم جنابعالی باقی؟ با این مقدار کاغذ که شما سالنامه چاپ کرده‌ای (آن هم به این قد و قواره که نه می‌شود تویش فلفل زردچوبه پیچید، نه می‌شود رویش سبزی پاک نمود!) ما می‌توانستیم یک سال مجله در بیاوریم و امورات! بگذرانیم. این غضنفر، همین پیش پای سرکار، شاخ غول شکسته، هیچ ادعایی ندارد. شما دو برابر خرج و مخارج کرده، پا از گلیم خود درازتر نموده، بیخود نیست که ۸ حضرتعالی گرو ۹ می‌باشد. از فردا، تنخواه آبدارخانه را که مقطوع می‌نمایم هیچ، سبیل جنابعالی را هم ایضاً زبانت را نیز به هکذا. حالا خودت برو قیاس کن و بین که اصلاً اسم اینکار چه چیز است؟

می‌گوید: کار فرهنگی!

ملاحظه فرمودید؟ دارد «کار فرهنگی» می‌کند! یک جوری هم بیان

مطلب می‌کند که انگار یک تخم دو زرده‌ای نموده
 ... اصلاً چرا با این عوام، چانه به چانه و دهن به دهن بشویم؟ شما خودتان هم‌ن سالنامه را یک تورقی بفرمایید، ببینید امسال چه دسته گلی به آب داده .. اما البته احتیاطاً التفات بفرمایید و عنایت داشته باشید که ورق زدن هر چیزی قبل از اکتیاع آن، کراهت دارد! می‌فرمایید نه؟ از فروشنده همین سالنامه بپرسید! سال ۱۳۷۳^{۵۸}.
 سه شماره «سالنامه سینمایی» در سال‌های ۱۳۷۱، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ توسط ماهنامه فیلم منتشر شد. مطالب این سه شماره سالنامه به همت مسعود پورمحمد گردآوری شده بود.

راهنمای سینمای ایران، ۱۳۷۱ در ۴۲۸ صفحه و در پنج بخش حاوی اطلاعات سینمای ایران، در سال ۱۳۷۰ انتشار یافت و راهنمای سینمای ایران ۱۳۷۲ در ۴۲۸ صفحه و در چهار بخش منتشر شد. این راهنما سال ۱۳۷۳ با عنوان کتاب سال سینمای ایران در بیش از ۵۰۰ صفحه و شماره چهارم این سالنامه، ۱۳۷۴، و پنجمین شماره آن زمستان ۱۳۷۵ انتشار یافت. این سالنامه تا زمستان ۱۳۸۵ همه‌ساله منتشر شده است و امید می‌رود که تداوم یابد. چون از ۱۳۸۲ مجوز جداگانه برای این نشریه دریافت شد و با عنوان سالنامه فیلم به مدیریت مسعود مهرابی مجوز نشر گرفت. گردانندگان مجله فیلم در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ نیز یک شماره از ماهنامه خود را به «کارنامه سال» اختصاص دادند.

سال ۱۳۷۲ کتاب سال شیدا در ایران تجدید چاپ شد. سومین کتاب سال شیدا در دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران توزیع شد. کتاب سال شیدا بعدها به‌طور مرتب انتشار یافت. ششمین و هفتمین کتاب سال شیدا با گردآوری محمدرضا لطفی در ۳۷۲ صفحه وزیری با تاریخ ۱۳۸۴ سال ۱۳۸۵ به‌وسیله نشر کتاب

خورشید با قیمت ۴۰۰۰ تومان توزیع شد.

همشهری: کتاب سال ۱۳۷۲ را با امتیاز شهرداری تهران و مدیریت غلامحسین کرباسچی با صفحه‌شمار گوناگون به قیمت ۲۸۰۰۰ ریال در نیمه اول سال ۱۳۷۳ در تهران انتشار داد. مدیر طرح، تهیه و اجرای این سالنامه منوچهر شمس ایلی و حمیدرضا رضایی بودند. دومین کتاب سال همشهری با عنوان همشهری کتاب سال ۱۳۷۳ با بیش از ۹۸۲ صفحه و با قیمت ۳۲۰۰ تومان شهریور ۱۳۷۴ توزیع شد. سال‌های بعد، همشهری کتاب سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ را با این تعداد صفحه انتشار داد:

کتاب سال ۱۳۷۴: ۸۷۲ صفحه؛ کتاب سال ۱۳۷۵: ۷۸۴ صفحه؛ کتاب سال ۱۳۷۶: ۷۸۴ صفحه؛ کتاب سال ۱۳۷۷: ۱۱۸۰ صفحه؛ کتاب سال ۱۳۷۸: ۷۵۸ صفحه؛ کتاب سال ۱۳۷۹: ۷۲۰ صفحه؛ کتاب سال ۱۳۸۰: ۷۵۲ صفحه. در شناسنامه کتاب سال ۱۳۸۰ همشهری که با قیمت ۴۵۰۰ تومان توزیع شده، آورده‌اند: «صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری، گردآوری و تدوین: محمد عطریانفر».

مؤسسه همشهری - پس از چند سال وقفه - سال ۱۳۸۵ بار دیگر تشکیلات سالنامه را راه‌اندازی کرد و فروردین ۱۳۸۶ سالنامه ۱۳۸۵ را انتشار داد.

در شناسنامه این سالنامه که همشهری سال ۱۳۸۵ نام داشت، آورده‌اند: «صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری؛ مدیر مسئول: حسین انتظامی؛ مشاور: سیدفرید قاسمی؛ سردبیر: احمد توکلی؛ تحریریه: علیرضا شیخی، ابراهیم زاهدی مطلق، محمدعلی کریمی؛ مدیر هنری: محمد توکلی ...».

همشهری سال ۱۳۸۵ دربردارندهٔ آثاری است از: رضا آشفته، بابک اخوت، میترا اسدنیا طبرستانی، اسدالله افلاکی، حجت اکبرآبادی.

اسدالله امرایی، سرگه بارسقیان، امیر بهادری نژاد، محمود توسلیان، عباس ثابتی راد، جمال جعفری آثار، احمد جلالی فراهانی، حامد فرحبخش، حمیدرضا حسینی، حسین خانی، لیلا خدابخشی، سروش خسروی، مریم خورسند، صدیقه داورزنی، عباسعلی ذرافشانی، جواد دلیری، حوریه رضایی زاده، روح الله رجایی، لیلا رضوی، وصال روحانی، بهزاد رنجبر، فاطمه ستوده، علی شاکری، محمد شمخانی، محمد شهسواری، مصطفی شوقی، احمد شهدادی، محمد عباسی، حسین امیرعبدالهیان، محمد عدلی، محمد رضا عسگری، ناصر علاقه‌بندان، ابوالحسن علوی طباطبایی، سحر قاسم‌نژاد، سمیه قاضی زاده، سینا قنبرپور، محدثه قیدی، سیامک کاکایی، شیده لالمی، عباس لقمانی، کامیار محسنین، سعید مستغاثی، محمد معماری، الهه موسوی، مهرداد مشایخی، وحیدرضا نعیمی، اعظم ویسمه، رضا یغمایی، مجید یونسیان، در ادامه نیز نوشته‌اند: «با تشکر از آقایان فرج‌الله صبا، رضا مقدسی، یونس شکرخواه، خسرو قدیری، فریدون صدیقی، اصغر واعظی، حسن نمکدوست تهرانی، محمد هادی پروین، هیوا مسیح، کیوان کثیریان، امیرعلی ابوالفتح، رحیم اخباری».

فهرست مطالب همشهری سال بر این اساس است: «اجتماعی، فرهنگی»، «سیاسی»، «شهری»، «علمی»، «اقتصادی»، «بین‌الملل»، و «ورزشی». افزون بر آن، «سراغاز کتاب همراه روزنامه در ایران» نوشته سیدفرید قاسمی و «آموختن برای همشهری بودن: نگاهی به مرکز آموزش همشهری» نگارش دکتر حسن نمکدوست تهرانی، صفحات پایانی همشهری سال را در بر می‌گیرند.

کتاب سال کشاورزی، دامپروری و آب ایران در ۴۳۲ صفحه - بدون احتساب آگهی - با قطع رحلی و با مقدمه ابوالقاسم گلایف سال ۱۳۷۴ در تهران توزیع شد. ناشر این سالنامه، مجله گزارش بود.

سال ۱۳۷۸ آگهی انتشار سومین شماره این سالنامه را در روزنامه‌ها دیدم.

نخستین شماره دوره سوم کیهان سال اواخر سال ۱۳۷۳ با عنوان کیهان سال «ویژه سال ۷۲» با مدیریت و سردبیری عباس سلیمی نمین در بیش از ۷۶۱ صفحه در تهران چاپ و منتشر شد. دومین شماره دوره سوم کیهان سال با ۷۶۰ صفحه نوروز ۱۳۷۵ توزیع شد. نخستین شماره افتابگردان: کتاب سال ۱۳۷۴ ویژه نوجوانان به سردبیری فریدون عموزاده خلیلی در ۲۷۲ صفحه - بدون احتساب آگهی‌ها - با قطع رحلی به قیمت ۱۰۰۰۰ ریال طبع و توزیع گردید. مجلد دوم این سالنامه به صفحه‌آرایی هم رسید اما گویا توفیق نشر پیدا نکرد.

همچنین سال ۱۳۷۴ سه عنوان «کتاب سال» دیگر نیز منتشر شد: کتاب سال کوچصفهان، کتاب سال ورزش و ایران سال. کتاب سال کوچصفهان به کوشش حمید ملاح و با همکاری شهرداری کوچصفهان در ۱۰۴ صفحه، به قطع رقی در رشت چاپ شد و با قیمت ۳۵۰۰ ریال توزیع گردید. کتاب سال ورزش «مجموعه‌ای از رویدادهای ورزشی ایران و جهان» به همت کوروش طاهر نسبی دی‌ماه ۱۳۷۴ در ۶۸۶ صفحه و با قیمت ۳۸۰۰۰ ریال توزیع شد.

ایران سال که عنوان «ایران: کتاب سال ۱۳۷۴» را داشت در ۱۰۰۰ صفحه با قطع رحلی به‌وسیله مرکز انتشارات مؤسسه مطبوعاتی ایران که تحت پوشش «ایرنا» است، انتشار یافت.

در شناسنامه ایران سال آورده‌اند: «صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ مدیر مسئول: فریدون وردی‌نژاد؛ جانشین مدیر مسئول و سردبیر: دکتر حسین الله مرادی؛ مشاوران: سیدفرید قاسمی و سید محسن

میرزایی؛ صفحه‌آرا: کامران افشار مهاجر؛ مدیر اجرایی: علیرضا شیخی؛ ناشر: مرکز انتشارات مؤسسه ایران.

مطالب ایران سال را پس از «اول دفتر» و «پیشگفتار» در بخش‌های ذیل می‌توان خواند:

«سیاسی»، «اجتماعی»، «اقتصادی»، «روزشمار خارجی»، «فرهنگ و هنر»، «تاریخی» و «ورزشی».

نشر ایران سال مدتی متوقف شد تا اینکه پس از یک وقفه، اداره سالنامه به امید مسعودی واگذار شد. وی درباره شماره دوم ایران سال در سرمقاله شماره سوم نوشته است: «... ایران سال شماره ۲ پس از انتشار به سرعت نایاب شد و تماس‌های مکرر هموطنان داخل و ایرانیان خارج از کشور ما را به چاپ مجدد آن واداشت ...»^{۵۹}

ایران سال تا سال ۱۳۸۲ در مجموع شش شماره انتشار یافت. ایران سال ۱۳۸۲، در سال ۱۳۸۴ توزیع شد.

در پاییز ۱۳۷۵ با امتیاز خانه روزنامه‌نگاران جوان و با مدیریت محمدرضا زائری و با سردبیری علی‌اصغر سیدآبادی و سید علی کاشفی خوانساری نخستین شماره سالنامه مطبوعات کودک و نوجوان در ۱۹۶ صفحه با قطع بیاضی به «بهاء ۳۰۰ ریال» در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. در بخشی از سرمقاله این سالنامه که عنوان «ضرورت‌های فراموش شده» را دارد آورده‌اند که: «... به طرح مباحث تئوریک، نقد و بررسی مطبوعات کودک و نوجوان، انجام پژوهش‌ها و تحقیقات مستمر و انتقال تجربیات و دیدگاه‌ها نیازمندیم و در حقیقت ضرورت وجود سالنامه نیز از همین جا نشأت می‌گیرد...»^{۶۰}

دومین مجلد سالنامه مطبوعات کودک و نوجوان با «شماره ۳۰۲» و با تاریخ «۱۳۷۶/۱۳۷۷» در ۳۹۲ صفحه با همان قطع به قیمت ۱۴۰۰

تومان در نیمه سال ۱۳۷۷ توزیع شد.

ابرار هنری سال که از زمره «نشریات ابرار» بود، فروردین ۱۳۷۶ منتشر شد. این مجموعه با احتساب جلد در ۱۸۰ صفحه و به «قیمت ۵۰۰۰ ریال» توزیع شد. «ادبیات»، «خوشنویسی»، «نگارگری و نقاشی»، «موسیقی»، «کاریکاتور»، «سینما و تئاتر» عنوان سرفصل‌های این سالنامه‌اند.

سال ۱۳۷۶ دو عنوان سالنامه دیگر نیز بر شمار سالنامه‌های منتشر شده در ایران افزوده شد. سالنامه تفرش با سرمایه انجمن تفرشی‌ها به قیمت ۳۰۰۰ ریال انتشار یافت. «طرح، تنظیم و اجرا»ی این سالنامه را غلامرضا سبحان عهده‌دار بود و تا نوروز ۱۳۸۶ همه‌ساله شاهد انتشار «سالنامه» یا به سخن دیگر سالنمای تفرش بوده‌ایم. دیگر نشریه‌ای که در این سال منتشر شد، پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران: نخستین نشریه تخصصی در زمینه تاریخ مطبوعات ایران است که با سرمایه، مدیریت و سردبیری سیدفرید قاسمی در ۸۷۲ صفحه با قطع وزیری و به قیمت ۲۰۰۰ تومان عرضه گردید. البته پیشتر قاسمی - نگارنده این سطور - از سال ۱۳۷۴ به بعد همه‌ساله مجموعه‌ای با عنوان سالنمای مطبوعات ایران انتشار داده است که به مناسبت اطلاعات سالانه مندرج در آن خود حکم یک سالنامه دارد و بیشتر سالنامه است تا سالنما. آخرین مجلد این سالنما با عنوان وقایع‌نامه مطبوعات ایران ۱۳۸۱ طبع و نشر شد.

«کتاب سال روابط عمومی ۷۷» با سرمایه اداره کل تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۳۳۲ صفحه به قیمت ۲۵۰۰ تومان در سال ۱۳۷۸ منتشر شد. «رویدادها»، «گزارش»، «مقالات»، «گفت‌وگو»، «آموزش»، «پژوهش»، «گزارش‌های ویژه»، «یاد و یادداشت» و «اطلاع‌رسانی» عنوان‌های سرفصل این «کتاب سال» اند. این کتاب سال

گرچه تداوم نیافت اما به وسیله انجمن روابط عمومی در ایران سال ۱۳۷۹ و انجمن متخصصان روابط عمومی در سال ۱۳۸۱ مجموعه‌هایی انتشار یافت که بر آن‌ها نیز می‌توان نام سالنامه نهاد.

روزنامه خراسان که دو سال «گزارش سالانه» منتشر کرده بود، بهار ۱۳۷۸ خراسان سال را انتشار داد. این سالنامه که بر روی جلد عنوان خراسان ۷۷ را دارد با احتساب جلد در ۱۶۶ صفحه رحلی کوچک با عکس‌های چهاررنگ در ششمین جشنواره مطبوعات ایران (اردیبهشت ۱۳۷۸) توزیع شد. درباره انگیزه گردانندگان و هدف آنان از انتشار این سالنامه آورده‌اند: «در یکی دو سال گذشته، که فکر انتشار یک نشریه به صورت سالی یکبار در تحریریه مطرح شد، گمان نمی‌رفت که آنچه از تحقق این فکر حاصل می‌شود، برای خودش جایی پیدا کند، در این حد که کرده است. شاید آنچه اینک در اختیار دارید سومین نمونه از گزارش سالانه روزنامه خراسان به خوانندگانش باشد، با این تفاوت که قطعاً با دو مورد مشابه گذشته‌اش تفاوت‌های ظاهری و باطنی بسیاری دارد و کم‌کم دارد برای خودش هویت ویژه‌ای پیدا می‌کند. از این تفاوت‌ها برمی‌آید که این نشریه سالانه هم، به تدریج در یک مسیر رشد کاملاً محسوس، هر سال نسبت به گذشته‌اش کامل‌تر می‌شود... سالنامه می‌خواهد فرصتی پدید بیاورد که مخاطبین خراسان بتوانند با استفاده از آن یک سال گذشته خراسان را به شیوه‌ای شبیه به مینیاتور در اختیار داشته باشند...»^{۶۱}

شماره صفر سالنامه اخبار «پار» در پاییز ۱۳۸۵ بدون احتساب جلد در ۴۸۸ صفحه رحلی انتشار یافت. در شناسنامه اخبار پار نیز می‌خوانیم:

«صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود مصور رحمانی؛ سردبیر میهمان: سیدفرید قاسمی؛ همکاران این شماره: دبیر: سام محمودی،

سارا مسعودیان، راحله سامانی، ر. بخشی، مریم درویشی، محمد میری، غزل افغان‌پور؛ مدیر اجرایی: سرور فرهی؛ مدیر بازرگانی: مازیار مصور رحمانی؛ صفحه‌آرا: ناظم رام، سپیده مصور رحمانی، پونه شیدایی؛ عکس: رضا خنکدار؛ ناظر چاپ: محمد معصوم‌بیگی».

اخبار پار به دو بخش تقسیم شده است. «بخش اول»: «آغاز روزآمد در پایان یک غم غربت رنگ‌باخته» مدیر مسئول، «دلیل حضور» ربخشی، «تاریخچه سالنامه‌نگاری در ایران» سیدفرید قاسمی، «۱۵ سال، سالنامه‌نگاری از دریچه آمار» مریم درویشی، «سالنامه‌نگاری در عرصه جهانی» راحله سامانی، «تغییر محمل، حیاتی دوباره: گفت‌وگو با سیدفرید قاسمی» سام محمودی، «روزگار برزخی سالنامه‌نگاری: گفت‌وگو با دکتر محمدمهدی فرقانی» سارا مسعودیان، «عاشقی میان میراث گذشته: گفت‌وگو با محمد گلبن» محمد میری و غزل افغان‌پور. در بخش دوم سالنامه اخبار پار، برای نخستین بار گزیده‌ای دربردارنده سالنامه‌های پیشین ایران دیده می‌شود. «عنوان سالنامه»، «تاریخ انتشار» و «مطالب برگزیده» چاپکرده‌های اخبار پار از این قرار است:

سالنامه دولت علیه ایران ۱۲۹۲ قمری: «مقدمه»، سالنامه وزارت امور خارجه ۱۳۳۵ قمری: «تعرفه احوال اعضاء وزارت امور خارجه»؛ سالنامه بلدیة طهران ۱۳۰۴ خورشیدی: «جدول آماری چگونگی توزیع جمعیت در محلات طهران»؛ چهار فصل ۱۳۱۰: «تفريح»؛ گاهنامه ۱۳۱۵: «تقویم»؛ بنگاه علمی و فلاحی کرج: ۱۳۱۷ - ۱۳۱۶: «دامپزشک و اهمیت علم دامپزشکی، فهرست زندگی، تقویم زراعی»؛ پارس ۱۳۱۸: «گردش و ورزش»؛ دانشسرای عالی ۱۳۲۰ - ۱۳۱۹: «از نظامیه بغداد تا دانشگاه تهران» (میراحمد طباطبایی)، یک نامه (یارشاطر)؛ دانشکده ادبیات ۱۳۲۳ - ۱۳۲۲: «یک قطره اشک»

(مرتضی یحیوی)، غزل (محمدیان)، اندیشه یک پرنده (یمینی شریف)، میهن پرستان ۱۳۲۳: «تاریخ ایران در نظر مورخین اروپایی (خان ملک)؛ دانشکده حقوق ۱۳۲۴ - ۱۳۲۳: «دیباجه (مهدی افتخاری، نظری اجمالی به دانشگاه تهران، تاریخچه مختصر تأسیس دانشکده حقوق، انجمن‌ها، مهم‌ترین خبرهای دانشکده در سال تحصیلی ۱۳۲۴ - ۱۳۲۳، گوناگون»؛ نگاه جنگل‌ها ۱۳۲۹: «تاریخچه سازمان جنگلبانی»؛ گیتی ۱۳۲۹: «نسبیت (مهدی نوین)»؛ دبیرستان ادب اصفهان ۱۳۳۰ - ۱۳۲۹: «انجمن سالنامه، اصفهان در عهد باستانی (محمد مهریار)، بازیهای المپی (مهدی امیرافشار)»؛ سالنامه کشور ایران ۱۳۳۴: «یک بحث مهم ادبی»؛ فرهنگ کرمان ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵: «فهرست مندرجات، دیباجه، سالنامه‌های فرهنگ کرمان، ارگ بم»؛ دین و دانش ۱۳۳۴: «فهرست مندرجات، نفت و دکتر امینی»؛ کتاب سال ۱۳۳۸: «تاریخچه اولین اتومبیل و هواپیما که به ایران آمد (علی جواهرکلام)»؛ علوم اداری و بازرگانی ۱۳۳۹ - ۱۳۳۸: «فهرست مندرجات، دکتر موسی عمید را بشناسیم»؛ اطلاعات سالانه ۱۳۴۰: «فهرست مندرجات»، انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی»؛ علوم اداری و بازرگانی ۱۳۴۱: «فهرست مندرجات، تاریخچه مختصری از علوم اداری در دنیا و ایران»؛ کیان ۱۳۴۱: «فهرست مطالب، سلطان نویسندگان، ضعف حافظه ... مطیع‌الدوله حجازی»؛ دنیا ۱۳۴۲: «فهرست مطالب، نوزدهمین سال سالنامه دنیا، دموکراسی، چپرا مولوی به شمس عشق می‌ورزید»؛ آریان ۱۳۴۸: «خواب (دکتر داود منادی‌زاده) مناجات و اندرز (ذبیح‌الله قدیمی)»؛ سینمای آزاد ۱۳۵۲: «حرفهایی درباره یک سینمای بهتر».^{۶۲}

در نیمه سال ۱۳۸۵ اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد که هیئت نظارت بر

مطبوعات از ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵ مجوز انتشار ۲۴ عنوان سالنامه را صادر کرده است. «عنوان سالنامه»، «صاحب امتیاز»، «مدیر مسئول» و «سال اخذ مجوز» سالنامه‌ها از این قرار است:

۱. سالنامه پزشکی هسته‌ای، دانشگاه علوم پزشکی تهران، محسن ساغریان، ۱۳۷۰.

۲. سالنامه معیار، سیدابوالقاسم موسوی، ۱۳۷۰.

۳. سالنامه حقوق تطبیقی بین‌الملل، گودرز افتخارچهرمی، ۱۳۷۰.

۴. سالنامه گل‌آقا، مؤسسه فرهنگی گل‌آقا، کیومرث صابری فومنی، و پس از او، پوپک صابری فومنی، ۱۳۷۰.

۵. سالنامه آفات و بیماری‌های گیاهی، وزارت کشاورزی؛ سازمان تحقیقات کشاورزی، غلامعباس عبداللهی، ۱۳۷۲.

۶. سالنامه بیماری‌های گیاهی، جمعیت کارشناسان بیماری‌های گیاهی ایران، جعفر ارشاد، ۱۳۷۳.

۷. سالنامه تجارت ایران. شرکت تولیدی فارس، فرامرز علیزاده مقدم، ۱۳۷۳.

۸. سالنامه بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، حسین غریبی، ۱۳۷۵.

۹. کتاب سال همشهری، شرکت همشهری، غلامحسین کرباسچی،

۱۳۷۶ [...] پس از تغییر نام: همشهری سال، حسین انتظامی، ۱۳۸۵.

۱۰. ایران سال، سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی، [...]، ۱۳۷۷.

۱۱. کتاب سفید، مهدی خزعلی، ۱۳۷۷.

۱۲. کتاب اول، شرکت کتاب اول (بانک اطلاعات شهری)، امیر

نوروزخانی تهرانی، ۱۳۷۸.

۱۳. سالنامه رشد، اداره کل دفتر انتشارات کمک آموزشی، علیرضا

حاجیان‌زاده، ۱۳۸۱.

۱۴. سالنامه گیاه‌شناسی ایران، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع وزارت جهاد کشاورزی، محمد حسن عصاره، ۱۳۸۱.
 ۱۵. سالنامه موقف، بهمن خدابخش میرکلایی، ۱۳۸۱.
 ۱۶. سالنامه معادن و صنایع معدنی، سیدمحمود فاطمی عقدا، ۱۳۸۲.
 ۱۷. سالنامه بیمه، انجمن کارشناسان صنعت بیمه، حمید مقیسی، ۱۳۸۲.
 ۱۸. سالنامه ترکیب، مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی، هادی حمیدی امانی، ۱۳۸۲.
 ۱۹. سالنامه ره‌آورد علوم انسانی، مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی، هادی حمیدی امانی، ۱۳۸۲.
 ۲۰. سالنامه ره‌فنون، مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی، هادی حمیدی امانی، ۱۳۸۲.
 ۲۱. سالنامه فیلم، مسعود مهرابی، ۱۳۸۲.
 ۲۲. Iranian journal of animal bio sistemati، دانشگاه فردوسی مشهد، جمشید درویش، ۱۳۸۳.
 ۲۳. سالنامه نظام پیشنهادها، مؤسسه توسعه فرهنگ مشارکت به‌پوی تهران، محمدعلی ذاکر، ۱۳۸۳.
 ۲۴. سالنامه اخبار پار، محمود مصور رحمانی، ۱۳۸۶.^{۶۳}
- در سال ۱۳۸۵ نخستین شماره دوره دوم اطلاعات سال با شناسنامه ذیل انتشار یافت: صاحب امتیاز: مؤسسه اطلاعات؛ زیر نظر: جلال رفیع؛ طراح جلد: رضا گنجی‌زاده؛ انتخاب مطالب: بهروز طیرانی؛ و...
- مندرجات اطلاعات سال یا به سخن درست‌تر اطلاعات هشتاد سال پس از «مقدمه» به بخش‌های «سیاسی»، «اقتصادی»، «اجتماعی»، «فرهنگی»، «ورزشی» و «آگهی‌ها» تقسیم شده است.

«مقدمه» دربردارنده سه مطلب است: سر مقاله جلال رفیع با عنوان «... شب سمور گذشت و لب تنور گذشت! : اشارات و بشاراتی درباره مجموعه حاضر و مجموعه‌های آتی»، «یاد یار مهربان آید همی: گزارشی از حضور دکتر سیدمحمد خاتمی در مؤسسه اطلاعات» و «اطلاعات مخلص و مخلص اطلاعات: قضای آسمان است این و دیگرگون نخواهد شد» نوشته محمدابراهیم باستانی پاریزی.

جلال رفیع هدف از انتشار گزیده‌ای از مندرجات ۸۰ ساله روزنامه اطلاعات را چنین نوشته است: «... روزنامه اطلاعات به صورت مجموعه‌های سال به سال در حال انتشار است. این مجموعه‌ها که در واقع همان دوره‌های سالانه روزنامه را شامل می‌شود، بخش‌های بیشتر و گسترده‌تری از آرشیو تاریخی اطلاعات را در دسترس عموم پژوهشگران قرار داده و می‌دهد. مجموعه حاضر، خلاصه و چکیده‌ای از همان دوره‌های سالانه است ... آرشیو مؤسسه اطلاعات، دوره‌های سالانه روزنامه و مجموعه حاضر یعنی چکیده کارنامه هشتاد ساله - البته با غلبه مقطع قبل از انقلاب ... مجموعه حاضر (کتاب هشتاد سال) ابتدا حجمی انبوه یافت. آنگاه ناگزیر خلاصه‌ای از آن برگزیده شد. سرانجام پای این طرح به میان آمد که کارنامه هشتاد سال (کتاب کنونی) عمدتاً به دهه‌های قبل از انقلاب مربوط است و گردآوری اخبار و گزارش‌های روزگار پس از انقلاب اسلامی، به کتاب دیگر و کارنامه دیگری نیازمند است. به عبارت دیگر کارنامه هشتاد ساله اطلاعات از دو فصل قبل از انقلاب و بعد از انقلاب حکایت دارد. فصل دوم (فصل انقلاب و پس از انقلاب) را جلد دوم کتاب دوم و طبیعتاً مجالی دیگر باید. «کتاب هشتاد سال»، البته غیر از کتاب سال و اطلاعات سال است. بنابراین است که انشاءالله پس از این برای هر سال از کارنامه سالانه اطلاعات، یک کتاب سال منتشر شود. کتاب

سال دیگر نه کتاب هشتاد سال بلکه کتاب یکسال خواهد بود ...».^{۶۴}
در سال‌های دهه ۱۳۸۰ رسم بر این شده که به ضمیمه آخرین
شماره سال‌روزنامه، کتاب سال می‌گویند.^{۶۵} از میان «کتاب سال»
ضمیمه روزنامه‌ها، سالنامه شرق قابل ذکر است که در واپسین
روزهای ۱۳۸۵ به دلیل توقیف موقت منتشر نشد و برای نوروز ۱۳۸۶
روزنامه‌های اعتماد، اعتماد ملی، جام‌جم، همشهری و ... ویژه‌نامه سال
انتشار دادند.

نامنامه شماری دیگر

افزون بر سالنامه‌هایی که پیشتر ذکر آن‌ها به میان آمد، از ۱۳۲۰ به این سو، این سالنامه‌ها نیز منتشر شده‌اند: سالنامه‌های آرشیو؛ آرشیو مؤسسه رازی؛ آفات و بیماری‌های گیاهی؛ آمار؛ آمار آموزش فنی و حرفه‌ای؛ آمار بازرگانی خارجی ایران؛ آمار تجارتي ایران؛ آمار سال تحصیلی؛ آمار سالیانه رودخانه‌های ایران؛ آمار صادرات و واردات؛ آمار کارگاه‌های بزرگ صنعتی؛ آماری؛ آماری صنایع و معادن؛ آماری کشور؛ آموزش عالی جنگل؛ آموزشگاه مسعود سعد؛ آموزشگاه‌های زرتشتیان تهران؛ آموزش و پرورش شهرستان برازجان؛ آیینة فرهنگ ایران و جهان؛ اتحادیه شهرداری‌های ایران؛ اداره کل تعلیمات اکابر؛ ارک؛ ارمغان؛ اطلاعات پروانه‌های ساختمانی؛ انجمن دبیران ادبیات فارسی؛ انجمن مرکزی معلمان علوم تجربی؛ اندیشه؛ انرژی هسته‌ای؛ انستیتو پاستور ایران؛ ایران باستان؛ ایران سبز؛ ایران در آئینه آمار؛ بازرگانی کشور ایران با کشورهای خارجی؛ بانک ایران و خاورمیانه؛ بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران؛ بانکداری ایران؛ بانک صنعتی و

معدنی ایران؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (و دیگر بانک‌ها)؛ بغداد؛ بنگاه جنگل‌ها؛ بنگاه علمی و کشاورزی کرج؛ بنگاه مستقل آبیاری؛ بولتن دهه فجر؛ بولتن سالانه خبری؛ بولتن شبکه لرزه‌نگاری؛ بهار؛ پژوهش؛ پژوهشنامه؛ سالنامه معاونت پژوهشی دانشگاه تهران؛ پست و تلگراف و تلفن؛ پستی و تلگرافی؛ پیک بهار؛ پیک بهاری؛ پیک شادی؛ پیک نوروزی؛ تجارتی؛ ترازنامه سال؛ تربیت رشت؛ تربیت معلم؛ تمدن (ارومیه)؛ توده؛ تهران؛ جشنواره تئاتر دانشجویان کشور؛ جشنواره سراسری تئاتر فجر؛ جشنواره فجر (فیلم‌های ۸ و ۱۶ میلی‌متری)؛ جشنواره فیلم فجر (و دیگر جشنواره‌ها)؛ جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران؛ جمعیت شیر و خورشید سرخ خراسان؛ جوانان؛ جهاد دانشگاهی؛ حوزه فرهنگی شهرستان شهرضا؛ خبرنگار سال؛ خط و ربط؛ دارالفنون؛ دانشسرای ایراندخت تبریز؛ دانشسرای پسران تبریز؛ دانشسرای پسران تهران؛ دانشسرای عالی تهران؛ دانشسرای مقدماتی پسران کرمان؛ دانشسرای مقدماتی خرم‌آباد؛ دانشسرای مقدماتی دختران مهاباد؛ دانشکده ادبیات تبریز؛ دانشکده ادبیات تهران؛ دانشکده پزشکی شیراز؛ دانشکده پزشکی و آموزشگاه‌های عالی بهداری شیراز؛ دانشگاه تبریز. دانشکده ادبیات؛ دانشگاه تهران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی؛ دانشگاه تهران. دانشکده فنی؛ دانشگاه تهران سالنامه خبری؛ دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی؛ دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده حقوق؛ دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده پزشکی؛ دبستان فرخی بجنورد؛ دبستان فیروزکوهی؛ دبستان همت مشهد؛ دبیرستان ادب اصفهان؛ دبیرستان ادیب تهران؛ دبیرستان اسرار سبزوار؛ دبیرستان البرز تهران؛ دبیرستان امیرکبیر تهران؛ دبیرستان ایراندخت یزد؛ دبیرستان ایرانشهر تهران؛ دبیرستان

ایران شهر شاهرود؛ دبیرستان ایران شهر لاهیجان؛ دبیرستان ایران شهر یزد؛ دبیرستان بایندر خرمشهر؛ دبیرستان پانزده بهمن تهران؛ دبیرستان پهلوی اراک، دبیرستان پهلوی بروجرد؛ دبیرستان پهلوی تهران؛ دبیرستان پهلوی خرم آباد؛ دبیرستان پهلوی سمنان؛ دبیرستان پهلوی قزوین؛ دبیرستان پهلوی کاشان؛ دبیرستان پهلوی کرمان؛ دبیرستان پهلوی همدان، دبیرستان تجارت تهران؛ دبیرستان تربیت اصفهان؛ دبیرستان تربیت تهران؛ دبیرستان تهران؛ دبیرستان جم کرمان؛ دبیرستان حرفه‌ای و هنرستان مشهد؛ دبیرستان حکمت قم؛ دبیرستان حکیم نظامی قم؛ دبیرستان خاقانی تهران؛ دبیرستان خرد تهران؛ دبیرستان دارالفنون تهران؛ دبیرستان دارایی تهران؛ دبیرستان داوری تهران؛ دبیرستان دخترانه رضاییه؛ دبیرستان دکتر ولی... نصر تهران؛ دبیرستان رازی آبادان؛ دبیرستان راهنما تهران؛ دبیرستان سعدی اصفهان؛ دبیرستان شاهپور تجریش تهران؛ دبیرستان شاهپور رشت؛ دبیرستان شاهپور شیراز؛ دبیرستان شاهپور کرمانشاه؛ دبیرستان شاهدخت اصفهان؛ دبیرستان شاهدخت پهلوی رضاییه؛ دبیرستان شاهرضا مشهد؛ دبیرستان شرف تهران؛ دبیرستان شماره ۱ پسران هدف تهران؛ دبیرستان ششم بهمن قم؛ دبیرستان صمصامی اراک؛ دبیرستان طباطبایی تهران؛ دبیرستان علمیه تهران؛ دبیرستان ملی ادب تبریز؛ دبیرستان فردوسی تهران؛ دبیرستان فردوسی بندر پهلوی (انزلی)؛ دبیرستان فردوسی تبریز؛ دبیرستان فردوسی مشهد؛ دبیرستان فرهنگ؛ دبیرستان فرهنگ اصفهان؛ دبیرستان فیروز بهرام؛ دبیرستان قائم مقام؛ دبیرستان قریب تهران؛ دبیرستان قوام تهران؛ دبیرستان کرمانشاهان؛ دبیرستان مروی تهران؛ دبیرستان محمدرضا شاه بروجرد؛ دبیرستان محمدرضا شاه قزوین؛ دبیرستان ملک الشعراء بهار خرم آباد؛ دبیرستان ملی ابن سینا شیراز؛ دبیرستان

ملی ادب تبریز؛ دبیرستان مهیار تهران؛ دبیرستان ناصر خسرو تهران؛ دبیرستان ناظمیه شیراز؛ دبیرستان هدف تهران؛ دبیرستان همدان تهران (... و برخی دیگر دبیرستان‌های کشور)؛ دهه فجر؛ دین و ورزش؛ راهنمای اقتصاد و آبادانی؛ راهنمای اقتصادی ایران؛ راهنمای انتشارات سازمان‌های دولتی ایران؛ راهنمای ایران؛ راهنمای ایران امروز؛ راهنمای تلفن؛ راهنمای پوشاک و ...؛ راهنمای دانشجویان؛ راهنمای دانشسرای عالی؛ راهنمای دانشگاه ملی ایران؛ راهنمای روزنامه و مجله‌های ایران؛ راهنمای زرین ایران؛ راهنمای کار و صنعت اصفهان؛ راهنمای کامل اطلاعات؛ ژورنال گیاه‌شناسی ایران؛ سازمان انرژی اتمی ایران؛ سازمان ورزشی دانشگاه؛ سازمان ورزشی دانشگاه تهران؛ سالنامه؛ سالنامه سال ۸۹؛ سالنامه نمایه‌ها و چکیده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی؛ سالنامه و آمار؛ سالنامه و احصائیه؛ سالنامه و آمار وزارت پست و تلگراف؛ سالنامه و آمار وزارت فرهنگ؛ سالنامه و راهنمای تحصیلی دانشکده علوم اداری و بازرگانی؛ سالنامه انجمن ادبی هنری امیرکبیر «اراک‌های تهران»؛ سالنامه استان دهم؛ سخنگو؛ شهناز؛ شیراز؛ شهرداری‌ها؛ شرکت ملی نفت ایران؛ شفق سرخ؛ شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور؛ شورای ورزشی آموزشگاه‌های شیراز؛ شورای ورزشی بانوان تهران؛ عراق؛ فجر جوان؛ فجر رزمندگان؛ فجر نوجوانان؛ فجر نونهالان؛ فرهنگ آباده؛ فرهنگ آذربایجان شرقی؛ فرهنگ آمل؛ فرهنگ اراک؛ فرهنگ استان پنجم (کرمانشاهان)؛ فرهنگ استان مرکزی؛ فرهنگ اصطهبانات؛ فرهنگ اصفهان؛ فرهنگ الیگودرز؛ فرهنگ ایران‌زمین؛ فرهنگ بنادر جنوب (بندر بوشهر)؛ فرهنگ بنادر و جزایر خلیج فارس؛ فرهنگ خرمشهر؛ فرهنگ خوانسار؛ فرهنگ خوزستان؛ فرهنگ دزفول؛ فرهنگ دشت‌میشان؛ فرهنگ رشت و حومه؛ فرهنگ سیرجان؛ فرهنگ شاهرود؛

فرهنگ قزوین؛ فرهنگ کازرون؛ فرهنگ کرمان؛ فرهنگ گرگان؛
فرهنگ گلپایگان؛ فرهنگ مسجد سلیمان؛ فرهنگ مهاباد؛ فرهنگ
نایین (سالنامه کتابخانه فرهنگ نایین)؛ فرهنگ نوشهر؛ فرهنگ و
ارشاد اسلامی همدان؛ فرهنگ یزد؛ و ادارات فرهنگ دیگر شهرهای
ایران؛ فیروزان؛ فهرست استانداردهای ایران؛ قالی و گلیم (نشریه
نمایشگاه‌های فرش ایران)؛ کار+ دانش؛ قابوس (نشریه سالانه
دبیرستان کاووس تهران)؛ کارنامه سالانه؛ کارنامه سالانه کتابخانه
مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه شیراز؛ کارنامه نشر؛ کانون ادب؛ کانون
سینماگران آماتور ایران؛ کتاب زرد؛ کتاب سال؛ کتاب سال
استانداردهای ایران؛ کتاب سبز؛ کتاب سبز تبریز؛ کیوان؛ گاهنامه؛
گروه فرهنگی هدف؛ گزارش فعالیت‌های دانشگاه اصفهان؛ گزارش
تحصیلی سال؛ گزارش کار سالانه؛ گزارش سالیانه؛ گزارش
فعالیت‌های دانشگاه اصفهان؛ گلنامه؛ گل‌های پرپر شده انقلاب؛
گمرک؛ لهستان امروز؛ مجرد؛ مجموعه قوانین سال؛ مجموعه قوانین و
مقررات فرهنگی؛ مرجع؛ کارنامه منابع اسلامی ایران مرکز آموزش
کشاوری خراسان؛ مرکز پزشکی فیروزگر؛ مکتب الامام المنتظر (ع)؛
مؤسسه علمی و فلاحتی و دامپزشکی کرج؛ مؤسسه استاندارد و
تحقیقات صنعتی ایران؛ مؤسسه علوم اداری و بازرگانی؛ مهاباد؛
مهندسی دانشگاه؛ نشریه سالانه؛ نشریه سالانه پژوهشی؛ نما؛ نور
ایران؛ نیرو؛ نیوار؛ ورزش؛ ورزشی دانشگاه تهران؛ ورزشی دبیرستان
شاهرضا؛ ورزشی دبیرستان شهناز پهلوی؛ ورزشی فرهنگ چهارم؛
وزارت آموزش و پرورش؛ وزارت اقتصاد؛ وزارت امور خارجه؛ وزارت راه
و ترابری؛ وزارت صنایع و معادن؛ وزارت فرهنگ و... هنرستان نمازی
شیراز؛ هنرستان و دبیرستان محمدرضا شاه شیراز؛ هواشناسی کشور

افزون بر این عنوان‌ها همه‌ساله راهنماهای سالانه سیاحتی؛ راهنماهای دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی؛ گزارش‌های سالانه عملکرد فدراسیون‌ها و باشگاه‌های ورزشی؛ و دیگر اداره‌های دولتی و سازمان‌های کشوری و لشکری؛ نشریه‌های نمایشگاه‌هایی که سالانه برگزار می‌شوند؛ انتشار یافته‌اند.

نکته‌ها

سالنامه‌نگاری در ایران تا سال ۱۳۸۶، ۱۳۶ سال پیشینه در ایران دارد؛ از ۱۲۹۰ ق. / ۱۲۵۱ تا ۱۳۸۶ ش.

بنابر تحقیق و یادداشت‌های نگارنده، در این گستره زمانی، بدون احتساب سالنامه‌های تبلیغاتی بیش از ۵۰۰ عنوان نشریه ادواری با عنوان سالنامه و کتاب سال در ایران منتشر شده است که بعضی از شماره‌های سالنامه‌های عمومی با اقبال مواجه و بارها تجدید چاپ شده‌اند و برخی طلوع نکرده، غروب کرده‌اند. اگرچه بیش از نیمی از سالنامه‌ها کارنامه عملکرد سالانه و معرف بخش‌ها و ادارات تابعه سازمان‌های دولتی بوده‌اند، لیکن چون حاوی اطلاعات دقیق درباره تشکیلات اداری هستند، در ارتباط با برخی از موضوع‌ها می‌توانند منبع مرجع باشند. در این میان سازمان‌های فرهنگی و آموزشی نظیر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و دبیرستان‌ها پیشی دارند و دیگر سازمان‌های دولتی نیز بنابر وظایف محوله، سالنامه‌های آماری، فهرست‌ها، راهنماها و مجموعه‌هایی انتشار داده‌اند که به جهت دقت در تهیه و تنظیم و تخصص موضوعی پدیدآورندگان، ابزار کار محققان

به‌شمار می‌روند.

سالنامه‌نگاری در ایران از یک‌سو پیشینه‌ای پیوسته و از سوی دیگر تاریخ گسسته‌ای دارد؛ به سخن دیگر سالنامه‌نگاری در کشور ما روزگاری رونق داشته و سال‌هایی هم در رکود به‌سر برده، سال‌هایی که سالنامه‌نگاری را جدی گرفته‌اند و اطلاعات سال را ثبت و ضبط کرده‌اند، تاریخ‌نگاران و به‌طور کلی پژوهشگران با مشکلات کمتری مواجه بوده‌اند. پاره‌ای از حلقه‌های مفقود در تاریخ معاصر متعلق به سال‌هایی است که سالنامه‌نگاری در رکود به‌سر برده است. باید به این نکته دقت کرد که سالنامه‌نگاری در یک مقطع تغییر ماهیت داد. بسیاری تصورشان این است که گزیده مطالب یک سال روزنامه را می‌توان کتاب سال یا سالنامه قلمداد کرد و حال آنکه سالنامه چکیده روزنامه نیست. پاره‌ای دیگر سالنامه را با آگهی‌نامه یکی گرفتند. باید توجه داشت که سالنامه در ردیف منابع مرجع است. بسیاری از مختصات ادواری‌ها و کتاب را باید دارا باشد و پاره‌ای از ویژگی‌هایشان را نداشته باشد. باین‌همه، حتی اگر شماری از سالنامه‌های گذشتگان را بعضی «کشکول» بنامند به‌هیچ‌وجه از قدر و قیمت‌شان کاسته نمی‌شود، چرا که منبع و مأخذ قابل استنادی به‌شمار می‌آیند و اگر ما امروز آنچه که «کشکول»‌ها خوانده می‌شود را در اختیار نداشتیم اطلاعات دقیقی نیز از پاره‌ای رویدادهای تاریخ معاصر وجود نداشت. این نکته را باید همواره مد نظر قرار دهیم که با معیارهای امروزی به داوری تلاش‌ها و عشق فردی گذشتگانمان ننشینیم. توجه داشته باشیم که در صورت ارج نهادن به تلاش‌های پیشینیان، آیندگان نیز به کوشش‌های ما احترام خواهند گذاشت. باید به این نکته افزود که ابزارهای نوین جهان امروز توقع مخاطبان را بالا برده و به ما این امکان را می‌دهد که افزون بر نسخه چاپی، سالنامه آنلاین را نیز در دستور کار خود قرار دهیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. ایران، ش ۱۴۳، ۲۰ ذی‌القعدة ۱۲۸۹ ق.. ص ۱.
۲. ایران، ش ۱۵۲، چهارشنبه ۲۴ محرم ۱۲۹۰ ق.. ص ۴.
۳. *چهل سال تاریخ ایران...* به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳، ص ۱۴۹.
۴. «سالنامه‌نگاری در ایران»، نوشته سیدفرید قاسمی، همشهری: کتاب سال، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۲، ص ۱۵-۲۴.
۵. *سالنامه ایران*، س ۱، ش ۱، ۱۲۹۰ ق.. بدون صفحه‌شمار.
۶. *سالنامه ایران (سالنامه دولت علیه ایران)* در دوره ناصری در سه شماره نخست قطع رقمی دارد و پس از آن تا ۱۳۱۳ ق. با قطع رحلی منتشر شد.
۷. *سالنامه دولت علیه ایران*، س ۳، ش ۳، ۱۲۹۲ ق.. بدون صفحه‌شمار.
۸. ایران، ش ۲۵۵، جمعه ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۲۹۲ ق. ص ۲.
۹. پس از آن که شماره چهارم سالنامه به ضمیمه کتاب مرآت‌البلدان انتشار یافت «میرزا محمدتقی لسان‌الملک سپهر مستوفی از مرتبه اول نگارنده کتاب مستطاب ناسخ‌التواریخ» به اعتمادالسلطنه درباره مرآت‌البلدان ناصری و سالنامه دولت علیه نامه‌ای به این شرح نوشت: «فدایت شوم مبلغ‌ها از کتاب سالنامه مطالعه کردم و بس فیض‌ها بردم و دیدم (گلستانی است در وی بوستان‌ها - در اوراقش هزاران داستان‌ها) [...] (آفرین بر بنان و خامه تو - که از آن‌ها چه‌ها پدیداری) اگرچه

اخلاص من به سرکار عالی موروثی است اما می‌توانم گفت بعد از مطالعه این کتاب که مرآت‌البلدان ناصری است و بر صفای مرآت ضمیر سرکار دلیلی روشن و حجتی مبرهن است ده‌چندان اخلاص حاصل شد و دانستم که سزاوار همه نوع تمجید و تحسین هستید. در حقیقت این کتاب مانند کتاب مروج‌الذهب مسعودی است که حامل اخبار و شامل آثار و حاوی جغرافیا و جامع قصص عجیبه و حکایات غریبه است. انشاءالله تعالی [...] آدر هر سال این کار را ترقی کامل خواهید داد و مردمان را محظوظ می‌فرمائید. برحسب اقتضای انصاف لازم دانستم که از مافی‌الضمیر خود اندکی اظهار دهم انشاءالله تعالی این مزاحمت را از قبیل بعضی نگارستان نخواهید دانست باقی ایام افاضت مستدام باد» (ایران، ش ۳۱۹، دوشنبه ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۲۹۴ ق.، ص ۴؛ روزنامه علمی، ش ۱۶، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۹۴ ق، ص ۱).

۱۰. چندی است که در پی دستیابی به کتاب توقیف شده «سرگذشت مادموازل مونب پانسیر»، یا بنابر قول دیگر «سرگذشت مادموازل مونب پانسیر» ترجمه محمدحسن اعتمادالسلطنه هستم. آنچه که مرا در پی جویی این کتاب مصمم‌تر می‌کند این است که خانباها مشار در فهرست کتاب‌های چاپی فارسی تعداد صفحه‌های کتاب یاد شده را (۲۱۷+۱۵) ص ثبت کرده است. دور نیست که آن ۱۵ صفحه شماره‌ای دیگر از سالنامه دولت علیه ایران باشد؟

۱۱. مطلع/الشمس، تهران: [انتطاعات]، ۱۴۰۲ ق.، ج ۲، بدون صفحه‌شمار.

۱۲. /ایران، ش ۳۱۷، یکشنبه غره ربیع‌الثانی ۱۲۹۴ ق.، ص ۴.

۱۳. /ایران، ش ۵۲۵، شنبه ۲۸ شوال ۱۳۰۰ ق.، ص ۴.

۱۴. /ایران، ش ۶۳۸، شنبه ۶ محرم ۱۳۰۵ ق.، ص ۴.

۱۵. /اطلاع، ش ۳۵۷، سه‌شنبه سلخ ربیع‌الثانی ۱۳۱۲ ق.، ص ۴.

۱۶. /چهل سال تاریخ ایران...، ج ۱، ص ۱۲-۹.

۱۷. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.

ص ۱۵۴.

۱۸. همان، ص ۲۳۲.

۱۹. همان، ص ۲۳۵-۲۳۶.

۲۰. همان، ص ۳۴۵-۳۴۶.

۲۱. *ایران*، ش ۵۷۱، سه‌شنبه ۱۲ رجب ۱۳۰۲ ق.، ص ۲.
۲۲. *ایران*، ش ۴۲۰، یکشنبه ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۲۹۷ ق.، ص ۲.
۲۳. *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور (و) ایرج افشار، تهران: اساطیر: ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۸۷۵.
۲۴. *روزنامه خاطرات*، ص ۱۰۴۳.
۲۵. همان، ص ۱۰۴۴.
۲۶. همان، ص ۱۰۴۵.
۲۷. *تاریخ روزنامه‌نگاری ایران* (مجموعه مقالات)، سیدفرید قاسمی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۰۳ - ۲۰۸.
۲۸. پیش از انتشار توفیق به مدیریت حسین توفیق در تهران، نشریه‌ای به همین نام در سال ۱۳۳۱ ق. به سردبیری حسین معاون دیوان میلانی (بعدها معاون‌السلطنه و معاون‌الدوله) در تبریز منتشر شد. شماره ۳۱ این نشریه با تاریخ ۱۳۳۲ ق. در مخزن هفتم کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. راهنمای مطبوعات *ایران عصر قاجار*، ...، سیدفرید قاسمی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۲، ص ۱۱۲.
۲۹. گردانندگان توفیق در پاره‌ای از نوشته‌های خود در سالنامه ۱۳۱۶ از سالنامه‌های پیشین نیز یاد کرده‌اند.
۳۰. *سالنامه توفیق*، آبان ۱۳۱۶، ص ۶۶.
۳۱. «سرآغاز سالنامه‌نگاری طنز در ایران». سیدفرید قاسمی، *سالنامه گل‌آقا*، س ۱۳، ش ۱۳، ۱۳۸۲، ص ۸۰ - ۸۲.
۳۲. *سالنامه پارس*، ش ۲، ۱۳۰۶، بدون صفحه‌شمار.
۳۳. *پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران*، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۶، ص ۵۶۲.
۳۴. *سالنامه خراسان*، ش ۸، ۱۳۲۰، ص ۷.
۳۵. *سالنامه خراسان*، ش ۹، ۱۳۲۱، ص ۳.
۳۶. *پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران*، س ۱، ش ۱، ۱۳۷۶، ص ۵۷۳.
۳۷. *سالنامه شرق*، ش ۱، ۱۳۱۷، ص ۲.
۳۸. *سالنامه دنیا*، ش ۳۰، ۱۳۵۳، ص ۳.
۳۹. *سالنامه نور دانش*، ش ۱۷، ۱۳۴۱، ص ۲۷۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

- سالنامه‌نگاری اسلامی در ایران. سیدفرید قاسمی، مطبوعات اسلامی، ش ۲، بهمن ۱۳۸۲، ص ۲۹.
۴۰. سالنامه سپهر، ش ۳، ۱۳۳۰، ص ۳.
۴۱. سالنامه جهان امروز، ش ۱، ۱۳۲۷، ص ۳.
۴۲. وظیفه، س ۵، ش ۳۳۷، ۱۰ بهمن ۱۳۲۷، ص ۴.
۴۳. فهرست کتابهای چاپی فارسی، خانیابا مشاور، تهران: مؤلف، ۱۳۵۰، ج ۳، ص ۲۸۸۸.
۴۴. فهرست مجلات موجود در کتابخانه مرکزی استان قدس رضوی، تنظیم رمضانعلی پور قوچانی، مشهد: استان قدس، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۷.
۴۵. سالنامه کشور ایران، ش ۵، ۱۳۲۹، ص ۲۰.
۴۶. سالنامه گیتی، ش ۱، ۱۳۲۹، ص ۲.
۴۷. کتابشناسی موضوعی ایران از ... تا ۱۳۵۴، حسین بنی آدم، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۹۵.
۴۸. اطلاعات، ش ۱۹۴۱، ۷ شهریور ۱۳۷۰، ص ۱۱.
۴۹. اطلاعات سالانه، ش ۱، ۱۳۳۹، ص ۳.
۵۰. کتاب سال کیهان، ش ۱، ۱۳۴۱، ص ۵.
۵۱. «مطبوعات ارمنی زبان در ایران». آرمن بیگلریان، پیمان، ش ۵، بهار - تابستان ۱۳۷۶، ص ۱۱۰-۱۳۶.
۵۲. سالنامه تهران اکونومیست، ش ۴، ۱۳۴۵، ص ۳.
۵۳. سالنامه پلیس تهران، ش ۱، ۱۳۴۶، ص ۵.
۵۴. مطبوعات ایران ۵۳ - ۱۳۴۳، مسعود برزین، تهران: بهجت، ۱۳۵۴، ص ۱۰۲ - ۱۰۴.
۵۵. کتاب سال پرهام، ش ۱، ۱۳۶۰، ص ۲-۳.
۵۶. کیهان سال، دوره دوم، ش ۱، ۱۳۶۴، ص ۲.
۵۷. سالنامه گل آقا، س ۱۳، ۱۳۸۲، ص ۵.
۵۸. سالنامه گل آقا، ش ۱۴، ۱۳۸۳، ص ۵-۶.
۵۹. ایران سال، ش ۳، ۱۳۸۰، ص ۵.
۶۰. سالنامه مطبوعات کودک و نوجوان، ش ۱، ۱۳۷۵، ص ۴.

۶۱ خراسان سال، ش ۱، ۱۳۷۸، ص ۴.

۶۲ اخباریار، ش ۱، ۱۳۸۵، ص ۲ - ۳.

۶۳ همان، ص ۴۲ - ۴۳.

۶۴ اطلاعات سال، دوره دوم، ش ۱، ۱۳۸۵، ص ۱۰ - ۱۱.

۶۵ بعضی از مجله‌ها در طول تاریخ مطبوعات ادواری ایران یک شماره ویژه‌نامه در سال انتشار داده‌اند و نام «سالنامه» بر آن گذارده‌اند و یا دوره‌های سالانه خود را با عنوان «سالنامه» ارائه کرده‌اند! بعضی از ناشران «تقویم» نیز «سالنامه‌هایی که منتشر کرده و می‌کنند با عنوان «سالنامه» به بازار عرضه می‌دارند که درست نیست. ناگفته نماند که تمام یا بخشی از سالنامه‌های جهانی نیز به فارسی ترجمه شده است؛ که پرداختن به این سالنامه‌ها و سالنامه‌های فارسی زبان چاپ خارج از کشور و اطلاعات بیشتر درباره سالنامه‌ها و سالنامه‌نگاری در ایران مجال دیگری می‌طلبد و موضوع رساله دیگری تواند بود.

نمایه

- آرمان نو ← نورگافار
آفتابگردان: کتاب سال، ۸۷
- پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران، ۸۹
پیک بهار، ۹۸
پیک بهاری، ۹۸
پیک شادی، ۹۸
پیک نوروزی، ۹۸
- ابرار هنری سال، ۸۹
احصاییه محصولات فلاحی ایران، ۴۸
احصاییه و سجل احوال کل مملکت، ۴۷
اطلاعات سال، ۶۸، ۹۴، ۹۵، ۱۰۴
اطلاعات سالانه ← اطلاعات سال
ایران ۷۷ در آیین مطبوعات، ۷۶
ایران سال، ۸۷
ایرانیین ژورنال، ۹۴
- بولتن دهه فجر، ۹۸
بولتن سالانه خبری، ۹۸
- جشنواره تئاتر دانشجویان کشور، ۹۸
جشنواره سراسری تئاتر فجر، ۹۸
جشنواره فجر (فیلم‌های ۸ و ۱۶ میلی‌متری)، ۹۸
- پارسکاهای اداره تسویتس، ۴۰، ۴۷
پژوهشنامه، ۹۸
- تاج سالانه ← سالنامه تاج ورزشی
ترازنامه سال، ۹۸
تقویم معارف، ۴۰
تقویم نظامی پهلوی، ۴۴
تهران اکونومیست سالانه ← سالنامه
تهران اکونومیست

چشواره فیلم فجر، ۹۸

خبر سال، ۷۶

ژورنال گیاهشناسی ایران، ۱۰۰

سالنامه، ۱۰۰

سالنامه آرشیو، ۹۷

سالنامه آرشیو مؤسسه رازی، ۵۲، ۹۷

سالنامه آریان، ۴۷

سالنامه آزادگان، ۵۵

سالنامه آفات و بیماری‌های گیاهی، ۹۳

۹۷

سالنامه آمار، ۹۷

سالنامه آمار آموزش فنی و حرفه‌ای، ۹۷

سالنامه آمار بازرگانی خارجی ایران، ۹۷

سالنامه آمار تجارتی ایران، ۹۷

سالنامه آمار سال تحصیلی، ۹۷

سالنامه آمار سالیانه رودخانه‌های ایران، ۹۷

۹۷

سالنامه آمار صادرات و واردات، ۹۷

سالنامه آمار کارگاه‌های بزرگ صنعتی، ۹۷

۹۷

سالنامه آماری، ۹۷

سالنامه آماری صنایع و معادن، ۹۷

سالنامه آماری کشور، ۹۷

سالنامه آموزش عالی جنگل، ۹۷

سالنامه آموزش و پرورش شهرستان

برازجان، ۹۷

سالنامه آموزشگاه مسعود سعد، ۹۷

سالنامه آموزشگاه‌های زرتشتیان تهران، ۹۷

۹۷

سالنامه آیین فرهنگ ایران و جهان، ۹۷

سالنامه اتحادیه شهرداری‌های ایران، ۹۷

راپرت سالیانه اداره کل طروق و شوارع، ۴۶

راپرت عملیات اداره انستیتو یاستور

دولت علیه ایران، ۳۹، ۴۰

راپورت عملیات یک ساله بلدیہ ←

سالنامه بلدیہ طهران

راپورت صحیہ کل، ۴۶

راهنمای اقتصاد و آبادانی، ۱۰۰

راهنمای اقتصادی ایران، ۱۰۰

راهنمای انتشارات سازمان‌های دولتی

ایران، ۱۰۰

راهنمای ایران، ۱۰۰

راهنمای ایران امروز، ۱۰۰

راهنمای پوشاک و...، ۱۰۰

راهنمای تلفن، ۱۰۰

راهنمای دانشجویان، ۱۰۰

راهنمای دانشسرای عالی، ۱۰۰

راهنمای دانشگاه ملی ایران، ۱۰۰

راهنمای روزنامه‌های ایران، ۱۰۰

راهنمای زرین ایران، ۱۰۰

راهنمای سینمای ایران ← سالنامه

فیلم

راهنمای کار و صنعت اصفهان، ۱۰۰

راهنمای کامل اطلاعات، ۱۰۰

رویدادهای سال، ۷۷

- سالنامه احصائیه شهر تهران ← سالنامه
بلدیه طهران
سالنامه احصائیه گمرکی ایران، ۳۸
سالنامه اخبار پار، ۹۰
سالنامه اختصاصی سیستم های
کامپیوتری، ۷۸
سالنامه اختصاصی مدارات الکترونیک،
۷۸
سالنامه اخگر اصفهان، ۶۳
سالنامه اداره کل پست ایران ←
سالنامه وزارت پست و تلگراف و
تلفن
سالنامه اداره کل تعلیمات اکابر، ۹۷
سالنامه اداره معارف گیلان، ۴۴
سالنامه ارک، ۹۷
سالنامه ارمغان، ۹۷
سالنامه استان دهم، ۱۰۰
سالنامه اصفهان، ۶۰
سالنامه اطلاعات ← اطلاعات سال
سالنامه اطلاعات پروانه های ساختمانی،
۹۷
سالنامه امید ایران، ۶۷
سالنامه امیرکبیر، ۶۵
سالنامه انجمن ادبی هنری امیرکبیر
«راکی های تهران»، ۱۰۰
سالنامه انجمن دبیران ادبیات فارسی،
۹۷
سالنامه انجمن مرکزی معلمان علوم
تجربی، ۹۷
سالنامه اندیشه، ۹۷
سالنامه اندیشه دانشجو، ۷۲
سالنامه انرژی هسته ای، ۹۷
سالنامه انستیتو پاستور ایران، ۹۷
سالنامه ایران ← سالنامه دولت علیه
ایران
سالنامه ایران آلماناک، ۶۹، ۷۴
سالنامه ایران باستان، ۵۹، ۹۷
سالنامه ایران جاویدان، ۵۹
سالنامه ایران در آئینه آمار، ۹۷
سالنامه ایران سبز، ۹۷
سالنامه ایران شمال، ۴۷
سالنامه ایران نو، ۶۴
سالنامه ایرانشهر، ۵۸
سالنامه ایساتیس، ۶۹
سالنامه بازپرس قزوین، ۶۳
سالنامه بازرگانی کشور ایران با
کشورهای خارجی، ۹۷
سالنامه بانک اطلاعات محققین و
متخصصین کشور، ۹۳
سالنامه بانک ایران و خاورمیانه، ۹۷
سالنامه بانک توسعه صنعتی و معدنی
ایران، ۹۷
سالنامه بانک صنعتی و معدنی ایران،
۹۸
سالنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی
ایران، ۹۸
سالنامه بانکداری ایران، ۹۷
سالنامه برادران، ۶۳
سالنامه بغداد، ۹۸
سالنامه بلدیه طهران، ۴۷

- سالنامه بنگاه جنگل‌ها، ۹۸، ۹۲
 سالنامه بنگاه علمی و کشاورزی کرج، ۹۸
 سالنامه بنگاه مستقل آبیاری، ۹۸
 سالنامه بورس، ۷۱
 سالنامه بولتن شبکه لوزه‌نگاری، ۹۸
 سالنامه بهار، ۹۸
 سالنامه بهداشتی، ۵۸
 سالنامه بیماری‌های گیاهی، ۹۳
 سالنامه بیمه، ۹۴
 سالنامه پارس، ۴۰، ۴۷
 سالنامه پزشکی هسته‌ای، ۹۳
 سالنامه پژوهاد، ۵۸
 سالنامه پژوهش، ۹۸
 سالنامه پستی و تلگرافی ← سالنامه وزارت پست و تلگراف و تلفن
 سالنامه پستی و تلگرافی، ۳۸، ۹۸
 سالنامه پلیس تهران، ۷۳
 سالنامه پیام اسلام، ۶۳، ۷۲
 سالنامه پیک شمال، ۶۹
 سالنامه تاج ورزشی، ۷۳
 سالنامه تازه‌گیرک، ۷۰
 سالنامه تجارت ایران، ۷۸، ۹۳
 سالنامه تجارتی، ۹۸
 سالنامه تربیت رشت، ۹۸
 سالنامه تربیت معلم، ۹۸
 سالنامه ترکیب، ۹۴
 سالنامه تفرش، ۸۹
 سالنامه تمدن، ۴۷، ۹۸
 سالنامه توده، ۹۸
 سالنامه تهران، ۴۷، ۹۸
 سالنامه تهران اکونومیست، ۷۰، ۷۴
 سالنامه تیمارستان، ۵۸
 سالنامه جلودان، ۶۳
 سالنامه جاوید، ۶۰
 سالنامه جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران، ۹۸
 سالنامه جمعیت شیر و خورشید سرخ خراسان، ۹۸
 سالنامه جوانان، ۷۲، ۹۸
 سالنامه جهاد دانشگاهی، ۹۸
 سالنامه جهان امروز، ۶۱، ۶۲
 سالنامه چمن، ۴۸
 سالنامه چهار فصل، ۴۷
 سالنامه حقوق تطبیقی بین‌الملل، ۹۳
 سالنامه حکیم الهی، ۶۲
 سالنامه حوزه فرهنگی شهرستان شهرضا، ۹۸
 سالنامه خبرنگار سال، ۹۸
 سالنامه خبری دانشگاه تهران، ۹۸
 سالنامه خراسان، ۴۷
 سالنامه خط و ربط، ۹۸
 سالنامه خورشید، ۵۹، ۶۰
 سالنامه خورشید ایران ← سالنامه خورشید
 سالنامه دارالفنون، ۹۸
 سالنامه دارالمعلمین عالی ← سالنامه دانشسرای عالی
 سالنامه دانش و هنر ← گیتوتیون یوآروست

- سالنامه دانش، ۴۷
- سالنامه دانشسرای ایراندخت تبریز، ۵۴
- ۹۸
- سالنامه دانشسرای پسران تبریز، ۵۴
- ۹۸
- سالنامه دانشسرای پسران تهران، ۹۸
- سالنامه دانشسرای عالی، ۹۸
- سالنامه دانشسرای مقدماتی پسران کرمان، ۵۴، ۹۸
- سالنامه دانشسرای مقدماتی خرم‌آباد، ۹۸
- سالنامه دانشسرای مقدماتی دختران مهاباد، ۹۸
- سالنامه دانشکده ادبیات تبریز، ۹۸
- سالنامه دانشکده ادبیات تهران، ۹۸
- سالنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۹۸
- سالنامه دانشکده پزشکی شیراز، ۹۸
- سالنامه دانشکده پزشکی و آموزشگاه‌های عالی بهداری شیراز، ۹۸
- سالنامه دانشکده پزشکی، ۹۸
- سالنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۹۸
- سالنامه دانشکده حقوق، ۹۸
- سالنامه دانشکده فنی، ۹۸
- سالنامه دانشگاه تبریز. دانشکده ادبیات، ۹۸
- سالنامه دانشگاه تهران، ۹۸
- سالنامه دانشگاه شهید بهشتی، ۹۸
- سالنامه دانشگاه شهید چمران اهواز، ۹۸
- سالنامه دبستان صبا تبریز، ۵۴
- سالنامه دبستان فرخی بجنورد، ۹۸
- سالنامه دبستان فیروزکوهی، ۹۸
- سالنامه دبستان همت مشهد، ۹۸
- سالنامه دبیرستان ادب اصفهان، ۹۲، ۹۸
- سالنامه دبیرستان ادیب تهران، ۹۸
- سالنامه دبیرستان اسرار سبزوار، ۹۸
- سالنامه دبیرستان البرز تهران، ۹۸
- سالنامه دبیرستان امیرکبیر تهران، ۹۸
- سالنامه دبیرستان ایراندخت یزد، ۹۸
- سالنامه دبیرستان ایران‌شهر تهران، ۵۴، ۹۸
- سالنامه دبیرستان ایران‌شهر شاهرود، ۵۴، ۹۹
- سالنامه دبیرستان ایران‌شهر لاهیجان، ۹۹
- سالنامه دبیرستان ایران‌شهر یزد، ۵۴، ۹۹
- سالنامه دبیرستان یابندر خرمشهر، ۹۹
- سالنامه دبیرستان پانزده بهمن تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان پهلوی اراک، ۹۹
- سالنامه دبیرستان پهلوی بروجرد، ۹۹
- سالنامه دبیرستان پهلوی تهران، ۵۴، ۹۹
- سالنامه دبیرستان پهلوی خرم‌آباد، ۹۹
- سالنامه دبیرستان پهلوی سمنان، ۹۹
- سالنامه دبیرستان پهلوی قزوین، ۵۴، ۹۹
- سالنامه دبیرستان پهلوی گلستان، ۹۹

- سالنامه دبیرستان پهلوی کرمان، ۹۹
- سالنامه دبیرستان پهلوی همدان، ۹۹
- سالنامه دبیرستان تجارت تهران، ۵۴، ۹۹
- سالنامه دبیرستان تربیت اصفهان، ۹۹
- سالنامه دبیرستان تربیت تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان جم کرمان، ۹۹
- سالنامه دبیرستان حرفه‌ای و هنرستان مشهد، ۹۹
- سالنامه دبیرستان حکمت قم، ۹۹
- سالنامه دبیرستان حکیم نظامی قم، ۹۹
- سالنامه دبیرستان خاقانی تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان خرد تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان دارالفنون تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان دارایی تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان داوری تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان دخترانه رضاییه، ۹۹
- سالنامه دبیرستان دکتر ولی... نصر تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان رازی آبادان، ۹۹
- سالنامه دبیرستان راهنما تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان سعدی اصفهان، ۹۹
- سالنامه دبیرستان شاهپور تجریش تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان شاهپور رشت، ۹۹
- سالنامه دبیرستان شاهپور شیراز، ۹۹
- سالنامه دبیرستان شاهپور کرمانشاه، ۵۴، ۹۹
- سالنامه دبیرستان شاهدخت اصفهان، ۹۹
- سالنامه دبیرستان شاهدخت پهلوی رضائیه، ۵۴، ۹۹
- سالنامه دبیرستان شاهرضا مشهد، ۵۴، ۹۹
- سالنامه دبیرستان شرف تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان ششم بهمن قم، ۹۹
- سالنامه دبیرستان شماره ۱ پسران هدف تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان صمصامی اراک، ۹۹
- سالنامه دبیرستان طباطبایی تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان علمیه تهران، ۵۴، ۹۹
- سالنامه دبیرستان فردوسی بندر انزلی، ۵۴، ۹۹
- سالنامه دبیرستان فردوسی تبریز، ۹۹
- سالنامه دبیرستان فردوسی تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان فردوسی مشهد، ۵۴، ۹۹
- سالنامه دبیرستان فرهنگ، ۹۹
- سالنامه دبیرستان فرهنگ اصفهان، ۹۹
- سالنامه دبیرستان فیروز بهرام، ۹۹
- سالنامه دبیرستان قائم مقام، ۹۹
- سالنامه دبیرستان قریب تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان قوام تهران، ۹۹
- سالنامه دبیرستان کرمانشاهان، ۹۹
- سالنامه دبیرستان کیخسرو یزد، ۵۴
- سالنامه دبیرستان مارکار یزد، ۵۴
- سالنامه دبیرستان محمدرضا شاه بروجرذ، ۹۹
- سالنامه دبیرستان محمدرضا شاه قزوین، ۹۹

سالنامه سازمان ورزشی دانشگاه تهران.

۱۰۰

سالنامه سال ۸۹، ۱۰۰

سالنامه سپهر، ۶۱

سالنامه ستاره صلح، ۶۳

سالنامه سخنگو، ۱۰۰

سالنامه سینمایی ← سالنامه فیلم

سالنامه شرق، ۴۷، ۵۰

سالنامه شرق ایران ← سالنامه شرق

سالنامه شرکت ملی نفت ایران، ۱۰۰

سالنامه شفق سرخ، ۴۰، ۱۰۰

سالنامه شورای عالی هماهنگی آموزش

فنی و حرفه‌ای کشور، ۱۰۰

سالنامه شورای ورزشی آموزشگاه‌های

شیراز، ۱۰۰

سالنامه شورای ورزشی بانوان تهران.

۱۰۰

سالنامه شهرت ماه، ۶۷، ۷۴

سالنامه شهرداری‌ها، ۱۰۰

سالنامه شهناز، ۱۰۰

سالنامه شیراز، ۱۰۰

سالنامه عاشورا، ۷۷

سالنامه عالم، ۶۲

سالنامه عراق، ۱۰۰

سالنامه غرب، ۵۹

سالنامه فارس، ۶۱

سالنامه فرهنگ آباد، ۱۰۰

سالنامه فرهنگ آذربایجان شرقی، ۱۰۰

سالنامه فرهنگ آمل، ۱۰۰

سالنامه فرهنگ اراک، ۱۰۰

۹۹

سالنامه دبیرستان مروی تهران، ۹۹

سالنامه دبیرستان ملک‌الشعراء بهار

خرم‌آباد، ۹۹

سالنامه دبیرستان ملی ابن سینا شیراز.

۹۹

سالنامه دبیرستان ملی ادب تبریز، ۹۹.

۱۰۰

سالنامه دبیرستان مهیار تهران، ۱۰۰

سالنامه دبیرستان ناصر خسرو تهران.

۱۰۰

سالنامه دبیرستان ناظمیه شیراز، ۱۰۰

سالنامه دبیرستان هدف تهران، ۱۰۰

سالنامه دبیرستان همدان تهران، ۱۰۰

سالنامه دریاب معارف و تعلیمات

عمومی ← سالنامه و آمار وزارت

آموزش و پرورش

سالنامه دنیا، ۵۶، ۵۷، ۷۴، ۹۲

سالنامه دولت علیه ایران، ۱۸-۳۸

سالنامه دهه فجر، ۱۰۰

سالنامه دین، ۵۸

سالنامه دین و ورزش، ۱۰۰

سالنامه رافی ← سالنامه تازه‌گیرک

سالنامه رسمی فدراسیون والیبال، ۷۶

سالنامه رشد، ۹۳

سالنامه ره‌آورد علوم انسانی، ۹۴

سالنامه رهنون، ۹۴

سالنامه زمان، ۴۷

سالنامه زنان ایران، ۷۲

سالنامه سازمان انرژی اتمی ایران، ۱۰۰

- سالنامه فرهنگ استان پنجم (کرمانشاهان)، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ استان مرکزی، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ اصطهبانات، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ اصفهان، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ الیگودرز، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ ایران زمین، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ بنادر جنوب (بندر بوشهر)، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ بنادر و جزایر خلیج فارس، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ خرمشهر، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ خوانسار، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ خوزستان، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ دزفول، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ دشت میشان، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ رشت و حومه، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ سیرجان، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ شاهرود، ۱۰۰
- سالنامه فرهنگ قزوین، ۱۰۱
- سالنامه فرهنگ کازرون، ۱۰۱
- سالنامه فرهنگ کرمان، ۱۰۱، ۹۲
- سالنامه فرهنگ گرگان، ۱۰۱
- سالنامه فرهنگ گلپایگان، ۱۰۱
- سالنامه فرهنگ مسجد سلیمان، ۱۰۱
- سالنامه فرهنگ مهاباد، ۱۰۱
- سالنامه فرهنگ نایین (سالنامه کتابخانه فرهنگ نایین)، ۱۰۱
- سالنامه فرهنگ نوشهر، ۱۰۱
- سالنامه فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان، ۵۰
- ۱۰۱
- سالنامه فرهنگ یزد، ۱۰۱
- سالنامه فکاهی توفیق، ۳۹، ۷۱
- سالنامه فکاهی ماه، ۶۴
- سالنامه فکاهی ماهتاب، ۶۵
- سالنامه فیروزان، ۱۰۱
- سالنامه فیلم، ۸۴
- سالنامه قیام بیست و هشت مرداد، ۶۵
- سالنامه کابل، ۴۹
- سالنامه کارون اهواز، ۶۱
- سالنامه کامپیوترهای خانگی، ۷۸
- سالنامه کانون دانش فارس، ۶۴
- سالنامه کانون مهندسين ایران، ۶۴، ۷۱
- سالنامه کانون، ۴۷
- سالنامه کشور ایران، ۵۵، ۷۴
- سالنامه کمیته ناتوایی های ایران، ۵۹
- سالنامه کیان، ۵۹
- سالنامه کیوان، ۸۶، ۱۰۱
- سالنامه کیهان ← کیهان سال
- سالنامه کیهان ما، ۶۵
- سالنامه گروه فرهنگی هدف، ۱۰۱
- سالنامه گل آقا، ۷۸، ۷۹، ۸۰
- سالنامه گلچین اسلامی، ۶۱
- سالنامه گلستان، ۶۵
- سالنامه گمرک، ۱۰۱
- سالنامه گیاهشناسی ایران، ۹۴
- سالنامه گیتی، ۶۳
- سالنامه لهستان امروز، ۱۰۱
- سالنامه مؤسسات علمی و فلاحی کرج، ۵۰

- . سالنامه مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۰۱
 سالنامه مؤسسه علمی و فلاحی و دامپزشکی کرج، ۱۰۱
 سالنامه مؤسسه علوم اداری و بازرگانی، ۱۰۱
 سالنامه مارت، ۵۰
 سالنامه مدرسه خیریه ابتدایی و متوسطه سلطانیه شیراز، ۴۶
 سالنامه مرکز آموزش کشاورزی خراسان، ۱۰۱
 سالنامه مرکز پزشکی فیروزگر، ۱۰۱
 سالنامه مشرق ← سالنامه شرق
 سالنامه مطبوعات ایران ← وقایع نامه مطبوعات ایران
 سالنامه مطبوعات کودک و نوجوان، ۸۸
 سالنامه معادن و صنایع معدنی، ۹۴
 سالنامه معارف اراک، ۵۳
 سالنامه معارف اسلام و قرآن، ۷۲
 سالنامه معارف اصفهان، ۵۳
 سالنامه معارف جعفری، ۶۹
 سالنامه معارف عجم ← سالنامه معارف اراک
 سالنامه معارف فارس، ۵۴
 سالنامه معارف کردستان، ۵۴
 سالنامه معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، ۹۸
 سالنامه معیار، ۹۳
 سالنامه مکتب الامام المنتظر (ع)، ۱۰۱
 سالنامه مکتب تشیع، ۶۶
 سالنامه موقف، ۹۴
 سالنامه مولن روز، ۶۷
 سالنامه مهاباد، ۱۰۱، ۶۴
 سالنامه مهندسی دانشگاه، ۱۰۱
 سالنامه میهن، ۵۵
 سالنامه میهن پرستان ← سالنامه میهن نادر، ۶۶
 سالنامه نبرد ← مارت
 سالنامه نظام پیشنهادها، ۹۴
 سالنامه نما، ۱۰۱
 سالنامه نمایه ها و چکیده های علوم تربیتی و روان شناسی، ۱۰۰
 سالنامه نور ایران، ۱۰۱
 سالنامه نور دانش، ۵۸، ۷۴
 سالنامه نیرو، ۵۹، ۱۰۱
 سالنامه نیرو و راستی، ۵۵
 سالنامه نیوار، ۱۰۱
 سالنامه و آمار، ۱۰۰
 سالنامه و آمار وزارت آموزش و پرورش، ۵۲، ۱۰۰، ۱۰۱
 سالنامه و آمار وزارت پست و تلگراف، ۱۰۰
 سالنامه و آمار وزارت فرهنگ ← سالنامه وزارت آموزش و پرورش
 سالنامه و احصائیه، ۴۱، ۱۰۰
 سالنامه و راهنمای تحصیلی دانشکده علوم اداری و بازرگانی، ۱۰۰
 سالنامه ورزش، ۱۰۱
 سالنامه ورزش و زندگی، ۷۲
 سالنامه ورزشی خراسان، ۵۸

- سالنامه ورزشی دانشگاه تهران، ۱۰۱
 سالنامه ورزشی دبیرستان شاهرضا، ۱۰۱
 سالنامه ورزشی دبیرستان شهناز پهلوی، ۱۰۱
 سالنامه ورزشی روئین، ۶۰
 سالنامه ورزشی فرهنگ جهرم، ۱۰۱
 سالنامه وزارت آموزش و پرورش، ۱۰۱
 سالنامه وزارت اقتصاد، ۱۰۱
 سالنامه وزارت امور خارجه، ۱۰۱، ۹۷
 سالنامه وزارت پست و تلگراف و تلفن، ۹۸، ۳۸
 سالنامه وزارت راه و ترابری، ۱۰۱
 سالنامه وزارت صنایع و معادن، ۱۰۱
 سالنامه وزارت فرهنگ، ۱۰۱
 سالنامه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ← سالنامه و آمار وزارت آموزش و پرورش
 سالنامه هنر، ۶۳
 سالنامه هنرستان نمازی شیراز، ۱۰۱
 سالنامه هنرستان و دبیرستان محمدرضا شاه شیراز، ۱۰۱
 سالنامه هواشناسی کشور، ۱۰۱
 سالنامه و راهنمای مشهد، ۶۷
 سالنامه یزدگردی، ۳۹
 فجر جوان، ۱۰۰
 فجر رزمندگان، ۱۰۰
 فجر نوجوانان، ۱۰۰
 فجر نونهالان، ۱۰۰
 فهرست استانداردهای ایران، ۱۰۱
 قابوس (نشریه سالانه دبیرستان کاووس تهران)، ۱۰۱
 قالی و گلیم (نشریه نمایشگاههای فرش ایران)، ۱۰۱
 کار+ دانش، ۱۰۱
 کارنامه سالانه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه شیراز، ۱۰۱
 کارنامه نشر، ۱۰۱
 کانون ادب، ۱۰۱
 کانون سینماگران آماتور ایران، ۱۰۱
 کتاب اول، ۹۳
 کتاب زرد، ۱۰۱
 کتاب سال، ۱۱، ۶۲، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۸۷، ۹۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴
 کتاب سال آریان، ۷۴
 کتاب سال آفتابگردان ← آفتابگردان: کتاب سال...
 کتاب سال استانداردهای ایران، ۱۰۱
 کتاب سال پرهام، ۷۵، ۷۶
 کتاب سال تالار ایران، ۷۲
 کتاب سال خبر جنوب، ۷۶
 کتاب سال روابط عمومی، ۸۹
 کتاب سال سینمای ایران ← سالنامه فیلم
 کتاب سال شهرت ماه ← سالنامه شهرت ماه
 کتاب سال شیدا، ۸۴

- کتاب سال فوتبال ایران، ۷۴
کتاب سال کشاورزی، دامپروری و آب
ایران، ۸۶
کتاب سال کوچصفهان، ۸۷
کتاب سال کیهان ← کیهان سال
کتاب سال ورزش، ۸۷، ۷۶
کتاب سبز، ۱۰۱
کتاب سبز تبریز، ۱۰۱
کتاب سفید، ۹۳
کتاب سال همشهری ← همشهری سال
کیهان سال، ۸۷، ۷۶، ۷۴، ۷۰، ۶۹
گاهنامه، ۱۰۱
گاهنامه طهران، ۴۰، ۴۵، ۴۷
گزارش تحصیلی سال، ۱۰۱
گزارش سالانه خراسان، ۹۰
گزارش سالیانه، ۳۹، ۴۶، ۴۸، ۱۰۱
گزارش فعالیت‌های دانشگاه اصفهان،
۱۰۱
گزارش کار سالانه، ۱۰۱
گلنامه، ۱۰۱
گل‌های پرپر شده انقلاب، ۱۰۱
گیتوتیون یوآروست، ۵۸، ۵۹
مارت، ۵۰
مجرد، ۱۰۱
مجموعه قوانین سال، ۱۰۱
مجموعه قوانین و مقررات فرهنگی،
۱۰۱
مرجع: کارنامه منابع اسلامی ایران، ۱۰۱
نشریه سالانه، ۱۰۱
نشریه سالانه پژوهشی، ۱۰۱
نشریه سالانه وزارت معارف ← سالنامه
و آمار وزارت آموزش و پرورش
نشریه کانون سالنامه دبیرستان شاهپور
سندج ← سالنامه معارف کردستان
نگهبان چندروزه ← پارسگاهای اداره
تسویس
نورگافایار، ۴۰، ۴۴
وقایع‌نامه مطبوعات ایران، ۸۹
ویژه‌نامه سال، ۷۵
همشهری سال، ۸۵، ۸۶، ۹۳



